

عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

# عمل الصالح

## در بیان ایمان و تقوی

به قلم عالم نبیل و دانشمند جلیل  
آیت الله حاج سید عبدالحسین طیب (ره)

تحقیق و تصحیح : مهدی آقابابایی

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مشخصات کتاب :

نام کتاب : عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

تألیف : آیت الله حاج سید عبدالحسین طیب (ره)

تحقیق و تصحیح : مهدی آقابابایی

ناشر:

چاپ : اول ۱۳۹۸

شمارگان :

قطع : ۱۵۲ صفحه رقعی

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۵۲-۵-۳

قیمت : ۲۲۰۰۰ تومان

عنوان و نام پدیدآور	: عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی / سیدعبدالحسین طیب (ره)؛
تحقیق و تصحیح مهدی آقابابایی.	
مشخصات نشر	: اصفهان: نورالحیات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۵۲-۵-۳
وضعیت فهرست	: فیبا
نویسنده	
موضوع	: عمل صالح -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Virtuous deeds -- Qur'anic teaching*
موضوع	: ایمان(اسلام) -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Faith (Islam) -- Qur'anic teaching
موضوع	: تقوا -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Piety -- Qur'anic teaching
موضوع	: عمل صالح
موضوع	: Virtuous deeds*
شناسه افزوده	: آقابابایی، مهدی، ۱۳۶۲ -
رده بندی کنگره	: ۱۰۴BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۹
شماره	: ۵۹۴۷۸۲۱
کتابشناسی ملی	

عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

تقدیم به :

محضر نورانی و مقدّس بی بی دو عالم حضرت صدیقه کبری ،  
فاطمه زهرا علیها السلام و مفسّر بزرگ قرآن ، معلم اخلاق ، متکلم  
فرهیخته حضرت آیت الله حاج سید عبدالحسین طیب رضی الله عنه که  
عمری را در تربیت شاگردان ، و مردم متدین و با عقیده سپری  
نمود .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### فهرست

- مختصری از زندگینامه حضرت آیت الله طیب ..... ۷
- مقدمه محقق ..... ۲۲
- مقدمه مؤلف ..... ۲۳
- مقصد اول: در ایمان ..... ۲۷**
- امر اول: در معنی ایمان و حقیقت آن ..... ۲۹
- امر دوم: فرق بین اسلام و ایمان ..... ۳۱
- امر سوم: در بیان اموری که ایمان به آنها تحقق می یابد ..... ۳۳
- امر چهارم: در مراتب و درجات ایمان ..... ۴۳
- امر پنجم: در ارکان و دعائم ایمان ..... ۴۴
- امر ششم: در صفات مؤمن ..... ۴۷
- امر هفتم: در فضل مؤمن و فضیلت ایمان ..... ۴۹
- مقصد دوم: در تقوای ظاهر ..... ۵۳**
- امر اول: در معاصی کبیره و اقسام آن ..... ۵۶
- اما قسم اول: فرائض و واجباتی که ترک آنها گناه کبیره است :  
..... ۵۷
- قسم دوم از گناهان کبیره: ..... ۶۴
- در اموری که موجب کبیره شدن معاصی صغیره می شود : ..... ۸۳
- میزان در کبیره بودن معصیت ..... ۸۴
- امر دوم: در توبه و شرایط آن ..... ۸۵
- ج- طریق توبه از اقسام معاصی ..... ۸۶

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- حقوق الناس بر پنج قسم است : ..... ۸۷
- د- شرایط و آداب توبه : ..... ۸۷
- ه- طریق تحصیل توبه : ..... ۸۸
- و- مشارطه، مراقبه، مرابطه، محاسبه : ..... ۸۹
- مقصد سوم: در تقوای باطن ..... ۹۱**
- امر اول در قوای انسان : ..... ۹۳
- امر دوم در مبدأ و منشأ اخلاق نیک و بد : ..... ۹۴
- امر سوم: در معالجات اخلاق رذیله : ..... ۹۶
- امر چهارم: در بیان اخلاق رذیله و مفسد آنها و بیان ضد آنها از اخلاق حمیده و فوائد و منافع آنها : ..... ۱۰۰
- الف: اخلاق رذیله که در طرف تفریط قوه واهمه است : ..... ۱۰۰
- ب- اخلاق رذیله که در طرف افراط قوه واهمه است . ..... ۱۰۲
- ج- اخلاق رذیله که در طرف تفریط قوه غضبیه است : ..... ۱۰۶
- د- اخلاق رذیله که در طرف افراط قوه غضبیه است . ..... ۱۱۰
- ه- اخلاق رذیله که در طرف تفریط قوه شهویه است : ..... ۱۲۰
- و- اخلاق رذیله که در طرف افراط قوه شهویه است : ..... ۱۲۳
- ذ- اخلاق رذیله که منشأ آنها در قوای مزبور یا هر سه قوه است : ..... ۱۲۸
- منابع و مأخذ ..... ۱۴۵

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### مختصری از زندگی نامه مرحوم آیت الله طیب علیه السلام

مرحوم آیت الله سید عبدالحسین طیب در روز هفتم محرم سال ۱۳۱۲ هجری قمری (برابر با ۳۰ تیرماه ۱۳۷۲ شمسی و ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۳ میلادی) در یکی از محله‌های مرکز شهر اصفهان در میان طایفه‌ای از سادات معروف به «میر محمد صادقی» در خانواده‌ای بهره‌مند از فضل و کمال دیده به جهان گشود .

چنانچه خود معظم له می‌فرماید :

با توجه به علاقه و اخلاص وافر پدرم نسبت به آستان مبارک حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام من را عبد الحسین نامیدند ، این نام از ابتدا برای من موجب برکات فراوان شده است و همواره نسبت به آن افتخار می‌کنم .

و در ۱۲ سالگی طبق مشیت الهی از نعمت سرپرستی پدر محروم گردیدم ، ولی از آنجا که طرق فضل الهی و عنایت باری محدود نیست ، مادرم که بانوی بسیار بزرگوار و مقدس و همچون پدر ، از شجره طیبه ولایت و از خاندان روحانیت بود ، به تربیت من همت مخصوص گمارد . او مصمم‌تر و قوی‌تر از گذشته من را تشویق و تحریص به کسب علم و تحصیل معرفت می‌کرد و در این راه هیچ گاه از دعا و توسل فراموشم نمی‌کرد و به قول خودش هر شب

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

هنگام سحر ، از خدا می‌خواست که : حسین را اهلش کند . از رهگذر این دعاهاى خالصانه و تشویق‌های مشفقانه در من عزمی پیدا شد که توانستم ناملایمات پیش آمده از فقدان پدر را تحمل کرده و به طریق خود ادامه بدهم ...

و دوران قحطی بزرگ بعد از جنگ جهانی اول را (که جنازه‌ها بر روی هم انباشته می‌شده) پشت سر گذاشته ، و در حوزه‌های اصفهان و قم و نجف به تحصیل علم پرداخته است .

با حافظه قوی و هوش سرشاری که از اوان کودکی در وی پدیدار گشت ، خانواده همّت به تربیت وی گماشت به طوری که در نوجوانی مدارج علم و کمال را در حوزه علمیه اصفهان طی نمود و در عنفوان جوانی با بهره‌مندی از محضر بزرگان حوزه علمیه اصفهان استفاده نمود .

در ابتدای طلبگی ، در مدرسه میرزا مهدی حجره‌ای گرفته و آنجا مشغول درس و بحث شدند . و از محضر اساتیدی مانند : حاج آخوند زفره‌ای ، (از آغاز مقدمات در صرف ، نحو ، معانی و بیان تا معالم الاصول) ؛ سید آقاچان ، کتاب المطول ؛ سید احمد خوانساری ، [تکمیل] معالم الاصول ؛ شیخ علوی یزدی ، شرح اللمعه الدمشقیه ؛ بعد از اتمام درس مقدمات از مدرسه میرزا مهدی به مدرسه جنب مسجد امام نقل مکان نموده و پس از آن به مدرسه چهارباغ (امام صادق علیه السلام) رفته و آنجا رحل اقامت افکند . و از محضر اساتیدی مانند : شیخ اسدالله قمشه‌ای حکیم ، رشته‌های : حکمت ، حساب ،



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

جبر ، مقابله ، هیئت و نجوم ؛ شیخ حسن یزدی ، در منطق ؛ سید مهدی درچه‌ای ، در قوانین و تقریرات کفایه الاصول ؛ ملا عبدالکریم گزی ، در بحث متاجر شیخ انصاری ؛ آقا میر محمد صادق مدرس ، فرائد الاصول ، و درس خارج اصول ؛ آقای دزفولی ، کفایه الاصول ؛ سید ابوالقاسم دهکری ، خارج فقه ؛ امیر محمد تقی مدرس ، خارج اصول ؛ سید محمد باقر درچه‌ای ، خارج فقه و اصول به مدت یازده سال ؛ استفاده عملی و عملی نموده‌اند .

چنانچه خود این عالم بزرگوار می‌فرمایند :

« . . تقریباً مدت یازده سال مرتب [به] درس این بزرگوار می‌رفتم . در این مدت ، جدا از فقه و اصول ، معارف و حقایق دیگری را نیز از آن بزرگوار و استاد کامل آموختم . درست است که ثمره ظاهری این یازده سال تحصیل مداوم خدمت ایشان ، مرا به درجه اجتهاد رسانید ، اما آنچه [برایم] مهم بود ، [آن است که] من از آن مرحوم ، درس زندگی ، اخلاق و [تهذیب] شخصیت را فرا گرفتم . آن بزرگمرد ، به راستی در ورع و تقوا آیتی عظیم بود . در عین سادگی از صفای روح عجیبی برخوردار بود . به راستی به دنیا و امور دنیوی بی اعتنا و در معیشت به حداقل ممکن ، قناعت می‌کرد . مسأله نظم در امور و تقسیم ساعات شبانه روز برای کارهای مختلف و برنامه ریزی ایشان ، زبانزد بود .

در مسأله نظم آن بزرگوار همین را عرض کنم که در مدت یازده سال که خدمت ایشان بودم ، حتی یک جلسه درس را غیبت

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

نکردند و در این مدت هیچ‌گاه به علت غیبت ایشان ، یا من ، درس از من فوت نشد و در تمام مدت ، درس در ساعت معمول خود برگزار می‌شد ، و به گونه منظم ادامه داشت . این نظم و انضباط استاد ، مسلماً در شاگردان نیز ، بی تأثیر نبود . من در طول زندگی سعی کردم مانند استاد معظم باشم . بعضی از آقایان طلبه ، در مدرسه می‌گویند که : ما ساعت‌های خود را با رفت و آمد شما منظم می‌کنیم .»

در اصفهان به درجه اجتهاد نائل آمد ، سپس برای کسب علم و معرفت بیشتر عازم حوزه علمیه قم گردید و حدود یک سال از محضر آیت الله شیخ عبدالکریم حائری کسب فیض نمود و سپس راهی نجف اشرف شد . در حوزه علمیه نجف اشرف چندین سال از محضر درس بزرگانی چون : شیخ جواد بلاغی ، علم کلام ؛ سید ابوتراب خوانساری ، رجال و درایه الحدیث ؛ آقا ضیاء الدین عراقی ، بحث منجزات مریض ؛ شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی ، خارج اصول ؛ سید ابوالحسن اصفهانی ، خارج فقه ؛ آقا حسین معروف به بلند ، اخوی آقای رجایی ، در خارج اصول ؛ حاج سید اسماعیل ریزی ، خارج فقه خود را متعهد به تدریس و تبلیغ معارف اسلامی دانست .

ایشان در دوران فراگیری علوم اسلامی از بسیاری از عالمان دین و فقیهان نامدار شیعه «اجازه اجتهاد» گرفته بود ، از آن جمله : آیت الله میرزا محمد حسین نائینی ؛ آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی ؛ آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ؛ آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری ؛

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

آیت الله حاج آقا حسین قمی ؛ آیت الله میرزا آقا اصطهباناتی ؛ حضرت آیت الله محمد کاظم شیرازی ؛ آیت الله آقا محمود تهرانی رازی ؛ آیت الله شیخ محمد حسن فشارکی ؛ آیت الله سید محمد باقر درچه‌ای ، و لذا به زادگاه خود ، اصفهان ، مراجعت نمود .

خود معظم له می‌فرمایند :

مرحوم استاد ، آیت الله نائینی ، خیلی به گردن حق استادی دارند . من از درس این بزرگوار ، خیلی استفاده بردم و نسبت به درس دیگر آقایان اساتید ، از درس ایشان بهره بیشتری برده‌ام . هنگام اجازه اجتهاد ، ایشان ، می‌خواستند از من امتحان [بگیرند] کنند یک سؤال برای من نوشتند که در مسأله (خلل نماز) بود من یک رساله‌ای در این باب نوشتم . ایشان ، خیلی پسندیده بودند .

در حوزه درس تعریف زیادی فرمودند . مرحوم آقا سیدابوالحسن اصفهانی ، خیلی به من اظهار لطف و مهربانی می‌فرمودند . زیادی از ایام که خدمت ایشان می‌رسیدم ، ایشان ضمن محبت زیاد به من یک لیله طلا مرحمت می‌فرمودند .

پس از بازگشت از نجف اشرف ، آقایان زیادی در قم ، به من پیشنهاد می‌کردند که در قم بمانم و درس و بحث را شروع کنم ولی من احساس کردم حوزه علمیه قم از این جهت ، کمبودی ندارد و آقایان زیادی آنجا مشغول تدریس هستند و حوزه‌های درسی خوبی دارند . به این جهت ، پیشنهاد آقایان را نپذیرفتم و

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

عرض کردم : «فکر می‌کنم برای اصفهان مفیدتر باشم و آنجا نیاز بیشتری نسبت به قم ، احساس می‌شود.»

وقتی من مخالفت کردم ، بعضی از آقایان فرمودند : «شما اگر در قم بمانید و حوزه درس تشکیل بدهید بعد از مدتی در مرجعیت شما تردیدی نخواهد بود و مرجع خواهید شد ، اما من با همان احساس خودم عرض کردم : حوزه قم از این نظر کمبودی ندارد ، آقایان بزرگواری هستند و درس و بحث‌ها هم بحمدالله برقرار است و من هیچ‌گاه به داعیه مرجعیت درس نخوانده‌ام ، بلکه من با انگیزه خدمت و پذیرش مسئولیت درس خوانده‌ام . در مسئولیت مرجعیت ، آقایانی هستند و بحمدالله فعلاً خلائی احساس نمی‌شود . اما در بُعد تبلیغات و مسئولیت‌های این‌گونه‌ای احساس خلأ می‌شود به این لحاظ به اصفهان باز می‌گردم و در این زمینه‌ها مشغول می‌شوم .

در پاسخ من ، بعضی از آقایان این عبارت را به کار بردند که : «در اصفهان علم شما دفن می‌شود.» اما من به این عبارت اعتقادی نداشتم . به این جهت و به قصد ارائه خدمات دینی و تبلیغی و ارشادی به اصفهان بازگشتم . و در مدرسه صدر به تدریس پرداختم.»

### خدمات و فعالیت‌های اجتماعی معظم له:

از فعالیت‌های اجتماعی ایشان تأسیس و عضویت مؤثر در هیأت علمیه اصفهان بود . هیأت علمی اصفهان انجمنی تشکیل یافته از حدود ۵۰ نفر از مدرسین طراز اول حوزه علمیه اصفهان بود که پس از جنگ

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

جهانی دوم از حدود سال ۱۳۲۴ ش در اصفهان شروع به فعالیت نمود و به مدت دو دهه کار آن ادامه یافت . عمده اهداف این انجمن یکی حل مسائل و مشکلات جاری حوزه علمیه اصفهان و دیگر مبارزه با بی بند و باری و فساد ناشی از آزادی‌های نسبی پس از جنگ و به خصوص جلوگیری از پخش فیلم‌های سینمایی و نمایش‌نامه‌های مبتذل و برنامه‌های رادیویی نامتناسب و همچنین خنثی کردن تبلیغات احزاب لائیک از جمله حزب توده در اصفهان بود .

از دیگر فعالیت‌های اجتماعی مرحوم آیت الله طیب تأسیس و تولیت حسینیه اصفهانی‌ها در مشهد مقدس بود که با همکاری مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی نجفی و به ویژه با حمایت و مساعدت مرحوم آیت الله سبزواری راه اندازی گردید .

مرحوم آیت الله طیب ، در دوره خفقانی حکومت رضا شاه پهلوی ، فعالیت درسی را تعطیل نمودند ، و جلسه تفسیر را نیمه‌های شب جمعه تشکیل می‌دادند و به خاطر روح پشتکاری که داشتند موفق شدند جلسات درس تفسیر را پنجاه سال بدون وقفه ، ادامه دهند و بیست و پنج سال درس عقاید را مستمر نگه دارند ، و بیست سال درس اخلاق را تمامی هفته‌ها ادامه دهند .

**برنامه‌های عبادی حضرت آیت الله طیب**

سالی چهارده مرتبه قرآن را ختم می‌نمودند !

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

در دوره‌ای نزدیک به تمام عمر در ماه محرم و صفر هر روز زیارت عاشورا را با آداب کامل (صد لعن و صد سلام) می‌خواندند .  
هر شب قبل از نماز شب ، زیارت چهارده معصوم علیهم‌السلام را می‌خواندند .

### تألیفات معظم له

(۱) - تفسیر شریف اطیب البیان؛

مهمترین تألیف ایشان دوره کامل تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است که به اشارت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ظرف ۱۸ سال تألیف و در چهارده مجلد تحت عنوان «اطیب البیان» منتشر گردید . از ویژگی‌های این تفسیر شریف ، دوری از هرگونه تفسیر به رأی می‌باشد . در این تفسیر ، اقوال دیگر مفسرین مورد نقد و انتقاد قرار گرفته و سپس رأی صائب در هر مورد با اتکاء به روایات معتبر معصومین علیهم‌السلام مطرح شده است . و این نکته هم قابل ذکر است که اخیراً این تفسیر شریف در حدود ۲۱ جلد با تحقیقات و پژوهش‌ها و چاپی زیبا توسط مؤسسه جهانی سبطین به زیور طبع آراسته شده است .

### تفسیر اطیب البیان از زبان مؤلف

مرحوم آیت‌الله طیب در مصاحبه با مجله حوزه، انگیزه نگارش این تفسیر را چنین فرموده‌اند :

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

نگارش تفسیر را تقریباً از سال ۱۳۴۱ به صورت مداوم شروع کردم ،  
علت نگارش هم ، سفارش حضرت مجتباً (رواهنا) فداه بود که در عالم رؤیا

به مقیر داشتند و به بنده امر فرمودند که این تفسیر را بنگارم .

از آن زمان من بدون وقفه به نگارش آن مشغول شدم ، آخرین جلد  
آن - یعنی جلد چهاردهم - در سال ۱۳۵۹ شمسی منتشر شد که به  
این ترتیب تألیف این دوره تفسیر هیجده سال به طول انجامید .<sup>۱</sup>

آن مرحوم رؤیای خود و تشرّفش را به محضر آن جان جهان ، دوبار ؛  
یک بار کوتاه و سربسته و دیگر بار با تفصیل بیشتری در مقدمه و  
مؤخره تفسیر خود آورده است که ما تلفیق آن دو رؤیای شیرین را در  
این جا می آوریم . سید بزرگوار در مقدمه تفسیر آورده است :

دیر زمانی بود که در خاطر من خطور می کرد کتابی در تفسیر قرآن  
بنگارم . روی این اندیشه حوزه های تفسیری تشکیل داده و جزوه های  
متفرقی در این باره به رشته تحریر درآورده بودم ، اما از طرفی قصور  
باع و قلت استعداد و اشتغالات درسی و عوائق و گرفتاری های دنیوی  
مرا از اقدام به این امر ، منع ، بلکه مأیوس می کرد تا این که در شب  
سه شنبه ، پنجم جمادی الثانی سال ۱۳۸۰ قمری مطابق با ۲۲  
آبان ماه ۱۳۳۹ شمسی در محضر بعضی از علمای اعلام به مجلس  
سوگواری حضرت صدیقه طاهره علیها السلام موفق شده و در ضمن توسّل  
حالت وجدی در خود دیدم ، از آن جا به منزل مراجعت نموده و در

---

۱ - مجله حوزه، ش ۳۳، ص ۴۲.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

عالم رؤیا خدمت ثامن الحجج علیه السلام و حضرت ولی عصر عجل الله فرجه مشرف شده و پس از مذاکراتی که بین آن دو بزرگوار راجع به رؤا شد، حضرت بقیه الله پس از عنایاتی و ترضیه خاطر ( = رضایت خاطر) نسبت به حقیر ، مرا امر به نوشتن تفسیری فرمود و وعده نصرت به من دادند . بعد از آن که از خواب بیدار شدم ، صدق رؤیای من ظاهر شده و وعده نصرت حضرتش تحقق یافته و من به نگارش و تألیف این کتاب ، به یاری حضرت رب الارباب و تأییدات حضرت حجت عجل الله فرجه با تمام کوشش و اهتمام اقدام نمودم و چون در تفسیر آیات قرآن از احادیث و بیانات خاندان نبوت ، استفاده نمودم و حقا که بیانات ایشان بهترین و پاکیزه ترین بیانات در تفسیر قرآن بوده و این جامه تنها به قامت اینان راست آمده است ؛ لذا این کتاب را «اطیب البیان فی تفسیر القرآن نامیدم و این هدیه ناقابل را حضور ولی عصر عجل الله فرجه تقدیم می نمایم .»<sup>۱</sup>

مرحوم آیت الله طیب در پایان تفسیر خود همین بشارت و رؤیای صادقه را با تفصیل بیشتری به منظور تابش نور ولایت در قلوب دوستان و شیعیان ، به همراه رؤیایی دیگر در تأیید این تفسیر از ناحیه مقدسه علیه السلام چنین آورده است :

«شب جمعهای بود در عالم رؤیا در کنار نهر «بابا حسن» در اصفهان ، در محله «بیدآباد» ماشینی ایستاده بود که راننده آن را ندیدم . در آن ماشین حضرت ثامن الحجج - امام رضا علیه السلام - در طرف دیوار تشریف

۱ - مقدمه اطیب البیان، ج ۱، صص ۳ - ۱.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

داشتند و حضرت بقیه الله عجله تعالی فرجه الیه در طرف نهر - در ماشین - جلوس فرموده بودند. میان این دو بزرگوار، جوانی خردسال، با کلاه نشسته بود که ایشان را نشناختم. حقیر به طرف نهر آمدم و دیدم زانوی مبارک حضرت بقیه الله عجله تعالی فرجه الیه به پشت [صندلی] ماشین گذارده شده است. [بنده خم شدم] روی ماشین را بوسیدم.

[امام عصر عجله تعالی فرجه الیه] عنایت فرمودند در ماشین را باز کرده و فرمودند: «می خواهی ببوسی، ببوس!» بنده هم زانوی مبارک ایشان را بوسیدم و به چشم کشیدم.

آن گاه حضرت بقیه الله عجله تعالی فرجه الیه به جدّ بزرگوارشان [امام رضا علیه السلام] اظهار کردند: «زوّار شما زیاد شده اند و حوائج همه آنها را بخواهیم روا کنیم، مشکل است.» حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «مانعی ندارد.»

آن گاه حضرت بقیه الله عجله تعالی فرجه الیه از ماشین پیاده شده، دست حقیر را گرفته، به مدرسه «میرزا مهدی» که در همان مکان واقع است، تشریف آوردند، و به من فرمودند: «حجره تو کدام است؟» من حجره وسط مقابل رو را نشان دادم. در این هنگام من به حضرت عرض کردم: «سئوالی دارم.»

ایشان اجازه سئوال دادند، و من عرض کردم: «آیا شما از من راضی هستید؟»

فرمودند: «نعم! چون ترویج دین می کنی.»

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

بعد در خدمت حضرت بقیه الله عجل الله فرجه آمدیم در «مسجد سید». در آنجا امام عجل الله فرجه فرمودند: «من سابقاً کتابی در عقاید منتشر کردم و فعلاً می‌خواهم کتابی در تفسیر به دست یکی از شماها بنویسم، خوب است به تو محوّل کنم، فعلاً هزار تومان وجهش موجود است.» حقیر از خواب، فرحناک بیدار شدم و تصمیم به نوشتن تفسیر گرفتم. [درباره بخش اول سخن امام عجل الله فرجه که فرمودند: «من سابقاً کتابی در عقاید نوشتم و منتشر کردم»] بعضی از علمای اعلام فرمودند: مراد کتاب «کلم الطیب» است که شما نوشته‌اید و منتشر کرده‌اید. خلاصه از شدت خوشحالی صبح همان جمعه، جلسه‌ای در یکی از منازل داشتم که درباره عقاید و اخلاق سخن می‌گفتم، در آن جلسه خواب [دوشین] خود را عنوان کردم. [ابلافاصله] صاحب منزل هزار تومان آورد. من عرض کردم «این مبلغ را کاغذ بخرید تا در این تفسیر مصرف کنم». ایشان هم از تهران کاغذ خرید و حقیر در مدت ده سال چیزی حدود هفت جلد آن را نوشتم.»<sup>۱</sup>

### رؤیای دوم، امضای امام زمان عجل الله فرجه

شبی دوباره در عالم رؤیا خدمت حضرت بقیه الله عجل الله فرجه مشرف شدم و به ایشان عرض کردم: «آیا این تفسیر مورد رضایت خاطر شما هست؟» فرمودند: «نعم!»

۱ - اطیب البیان، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

عرض کردم : «پس امضا بفرمایید.»

حضرت یک نقطه پای آن تفسیر گذاردند . حقیر دیدم که از آن نقطه ، نور متصاعد می‌گردد ؛ لذا با کمال جرئت و بانگ بلند می‌گویم ، هم نوشتن این تفسیر به امر مبارک حضرت بقیه الله عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده و هم به امضای آن حضرت رسیده است <sup>۱</sup>.

مرحوم آیت‌الله طیب رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ پس از ذکر خواب‌های صادق و رؤیاهای راستین خود چند نکته را متذکر می‌شود :

نکته اول ، آن که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند : « مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَشَبَّهُ بِي ؛ یعنی هر کس مرا در خواب ببیند [به حقیقت] مرا دیده است ؛ زیرا شیطان نمی‌تواند به شکل ما درآید. <sup>۲</sup> ضمیر «نا» جمع است و شامل حال همه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا خاتم الاوصیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌شود .

نکته دوم ، آن که امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ به جلسات عقاید و توحید و تفسیر علاقه‌مندند .

نکته سوم ، «ترویج دین» در نظر مبارک ایشان مهم است ؛ زیرا در جواب سؤال حقیر فرمودند : « رضایت من برای ترویج دین است.»

۱ - اطیب البیان، ج ۱۴، صص ۲۷۹ - ۲۸۰.

۲ - بحار الانوار ، ج ۵۸ ، ص ۲۱۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

چهارم، آن که خانواده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کانون کرم هستند ، لذا بزرگواری ایشان اجازه نمی‌دهد که زائران آن‌ها دست خالی برگردند به همین مناسبت در رؤیا [فرمودند] : «برآوردن حوائج زائران مانعی ندارد».

تألیف این دوره تفسیر، ۱۸ سال به طول انجامید .

مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین طیب بنا به آن چه که دانشنامه قرآن درباره وی آورده : «یکی از فرزندگان وادی عشق به قرآن بود که سراسر زندگی او را تلاوت ، تبلیغ و تفسیر قرآن فرا گرفته ، و تفسیر اَطْيَبُ الْقُرْآنِ یکی از مظاهر آن است .<sup>۱</sup>

۲ - الکلم الطیب در ۳ جلد ، مطبوع؛ ۳ - عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی، مطبوع؛ ۴ - الأخلاق، مطبوع؛ ۵ - المعاصی الکبار، مطبوع ؛ ۶ - تقریرات دروس خارج فقه و اصول استاد سید محمد باقر درچه ای، مخطوط ؛ ۷- تقریرات ، استاد میر محمد صادقی در اصول (شرح کفایه) ، مخطوط؛ ۸ - تقریرات آیت الله نائینی، مخطوط ؛ ۹- تقریرات آقا ضیاء الدین عراقی ، مخطوط ؛ ۱۰ - تقریرات سید ابوالحسن اصفهانی ، مخطوط؛ ۱۱- تقریرات شیخ محمد حسین اصفهانی [کمپانی] در اصول ، مخطوط ؛ ۱۲- تقریرات آقا حسین بلند ؛ ۱۳- تقریرات حاج سید اسماعیل الریزی ؛ ۱۴- تقریرات سید ابوتراب خوانساری ؛ ۱۵- تقریرات شیخ عبدالکریم حائری ؛ ۱۶ - تقریرات میر

---

۱ - دانش‌نامه قرآن، ج ۲، ص ۱۴۱۷.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

محمد تقی مدرس؛ ۱۷ - حاشیه بر کتاب : اللباس المشکوک ، نائینی ، مخطوط ؛ ۱۸ - حاشیه بر کتاب: الاستصحاب ، نائینی ، مخطوط ؛ ۱۹ - رساله‌ای درباره نماز جمعه در عصر غیبت ، مخطوط؛ و بسیاری دیگر در مسایل متفرقه، که همگی مخطوط مانده‌اند .

### رحلت

از آرزوهای دیرینه مرحوم آیت الله طیب ، این بوده که در تاسوعای حسینی از دنیا بروند ، سرانجام این اسوه طیب به آرزوی خود رسیدند ، پس از طی عمری پربرکت که دقیقاً معادل یک صد سال قمری بود ، پس از مدتی کسالت و مرض ، عصر هشتم محرم وفات یافتند ، و جنازه آن بزرگمرد صبح تاسوعا بر روی دست‌های عزاداران حضرت ابالفضل العباس علیه السلام تشییع گردید ، و در کتابخانه مسجدشان، در خیابان میر (مسجد کازرونی) که خود ایشان حدود ۴۰ سال امامت جماعت آن را بر عهده داشتند ، به خاک سپرده شد . به منظور بزرگداشت این عالم بزرگوار شهرداری اصفهان خیابانی که در جوار منزل مسکونی ایشان قرار داشت را به نام خیابان آیت الله طیب نامگذاری نمود . در ماده تاریخ فوت آن مرحوم که بر سنگ مزارش حک گردیده ، چنین آمده است :

«فی الجنة المأوی مکان الطیب» .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### مقدمه محقق

آنچه که از آیات در متن ترجمه نشده بود از کتاب شریف تفسیر اطیب  
البیان معظم له در پاورقی آمده است . متن کتاب را بدون هیچ تغییری  
آورده‌ایم . اگر احیاناً هم کلمه‌ای به متن اضافه شده است در گوشه آمده  
تا معلوم باشد از محقق است .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا تو را ستایش می‌کنم که ما را برای تحصیل و تکمیل معرفت و وصول به سعادت خلعت هستی کرامت ، و نعمت عقل عنایت نمودی و رسولان و پیغمبرانی یکی پس از دیگری برای ارشاد و هدایت ما ارسال و کتاب‌ها و دستورات و وظایفی به منظور سعادت ما انزال فرمودی .

و بر پیامبران و جانشینان آنان به ویژه بر خاتم الانبیاء و اوصیاء طاهرین او که راه معرفت و طریق نجات و سعادت را به ما اراثت نمودند درود می‌فرستیم .

پوشیده نماند که نجات از مهالک دارین<sup>۱</sup> و تحصیل سعادت نشأتین منوط به دو امر است :

نخست ، دانستن راه رستگاری و دیگر ، رفتن در آن راه برای رسیدن به مقصود که از اول به «علم» و از ثانی به «عمل» تعبیر می‌شود و پیداست که دانستن راه رستگاری نیازمند به هادی و رهنمایی است که دانا و خبیر به طرق خیر و شر و سعادت و شقاوت و رستگاری و هلاکت باشد ، از این جهت بشر در رسیدن

---

۱ - دنیا و آخرت.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

به سعادت حقیقی و رستگاری واقعی محتاج به ارسال رُسُل و انزال کتب و جعل احکام و تکالیف از جانب خداوند حکیم است؛ زیرا کسی جز او به مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی بشر و راه سعادت و شقاوت او به نحو اتم و اکمل از هر جهت خبیر و آگاه نیست؛ لذا خلقت بشر با جعل هادی و راهنما (و به اصطلاح پیغمبر و خلیفه الله) توأم و این سنت سنیه الهی همیشه مستقر و مستمر بوده تا منتهی به خاتم پیغمبران و بهترین راهنمایان حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد و چون برنامه او کامل و جامع جمیع احتیاجات بشر تا دامنه قیامت بود؛ لذا دفتر پیغمبری به او ختم گردید و این راهنمای الهی طریق نجات و سعادت جمیع بشر را تا قیام قیامت تأمین فرموده و متوقف بر تمسک به دو چیز: کتاب خدا «قرآن» و عترت «ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام» قرار داده فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ  
الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا»<sup>۱</sup>

و قرآن و عترت سعادت و رستگاری را منوط به دو امر: ایمان و تقوی دانسته، قرآن می‌فرماید:

---

۱ - از اخبار متواتره است چنانچه در همین کتاب کلم الطیب گذشت. مرحوم آیت الله طیب در کتاب فوق، ص ۵۰۳ می‌نویسد: این حدیث از احادیث متواتره بین فریقین [شیعه و سنی] است و در غایه المرام به ۱۲۱ سند آن را نقل کرده و صاحب کتاب عباقات الانوار [امیر حامد حسین] دو جلد کتاب در این حدیث نوشته است.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ؛ کسانی که ایمان آورده و از محرمات الهی اجتناب ورزیدند ، برای ایشان در زندگانی دنیا و آخرت بشارت است ، کلمات الهی تبدیل پذیر نیست ، این خود رستگاری بزرگ است .<sup>۱</sup>»

و نیز در قرآن می فرماید :

« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا \* أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَ حَسَنَتْ مُرْتَفَعًا<sup>۲</sup> »

و غیر از اینها از آیات و اخبار متعدده از ابواب مختلفه . بنابراین شرط نجات و رستگاری از مهالک دنیا و آخرت و وصول به سعادت این سرا و سرای دیگر همانا ایمان و تقوا است .

---

۱ - سوره یونس ، آیات ۶۳ و ۶۴ .

۲ - سوره کف، آیات ۳۰ و ۳۱ . « محققا کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالحه به جا آوردند محققا ما ضایع نمی کنیم اجر کسی که عمل نیک به جا آورد چه عمل قلبی ایمان چه نفسی اخلاق چه جوارحی افعال \* این مؤمنینی که با عمل صالح از دنیا رفتند برای آنها بهشت های عدن که جاریست از پای آنها نهرهایی خود را زینت می کنند از دستبندهای طلا و می پوشند لباس سبز از سندس و استبرق و تکیه می دهند در آن بهشت ها بر تختها خوب ثوابیست و حسن دارد جایگاه آنها . »

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و چون حقیر موفق شدم کتاب «کلم الطیب» را در اثبات عقاید حقه به رشته تحریر در آورم در نظر گرفتم رساله مختصری در بیان ایمان و تقوی نیز بنگارم تا شاید موجب تذکر و وسیله نجات خود و برادران دینی خود و مقبول درگاه حضرت احدیت و منظور نظر صاحب شریعت و باعث خشنودی حجت وقت گردد و نام این ذره بی مقدار در دفتر خدام شرع انور ثبت شود .

و اسم این کتاب را نیز از آیه شریفه : «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»<sup>۱</sup> اقتباس کرده و عمل صالح گذاردم و آن را بر سه مقصد مشتمل نمودم .

---

۱ - سوره فاطر ، آیه ۱۰ . « به سوی او صعود می کند کلم الطیب پاک پاکیزه و عمل صالح او را بالا می برد » .

عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مقصد اول:

در ایمان

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و این مقصد بر اموری مشتمل است :

امر اول در معنی ایمان و حقیقت آن :

ایمان در لغت به معنی تصدیق آمده مانند آیه شریفه :

« وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ؛ و تصدیق کننده نیستی ما را

هر چند ما راستگو باشیم <sup>۱</sup> » ؛ که مؤمن در این آیه به معنی

مصدق است ، و به معنی وثوق و اطمینان نیز استعمال شده چنانچه

ایمان در آیه : «الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ»<sup>۲</sup> به این معنی تفسیر

شده و به معنی خضوع و انقیاد نیز استعمال شده است .

و در اصطلاح شرع بین خاصه [شیعه] و عامه [اهل سنت] اختلاف

شده که مراد از ایمان چیست آیا مجرد اعتماد قلبی ، یا اقرار زبانی ،

یا اعمال جوارحی است ؟ یا مرکب از اقرار زبانی و اعتقاد قلبی ، یا

اعتقاد قلبی و اعمال جوارحی یا اقرار زبانی و اعمال جوارحی ؟ یا

اقرار زبانی و اعتقاد قلبی و اعمال جوارحی است ؟ و در دو صورت

اخیر آیا اعمال جزو ایمان یا شرط آنست ؟ و چون بیان اختلاف

---

۱ - سوره یوسف، آیه ۱۷.

۲ - سوره زخرف ، آیه ۶۹. «متقین کسانی هستند که به جمیع آیات ما ایمان

آوردند و بودند تسلیم صرف در آنچه بر آنها تقدیر شده بود».

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مزبور و نقل اقوال و کلمات آنان موجب تطویل کلام و چندان مفید فایده نیست ؛ لذا به آنچه حق در مقام است اکتفا می‌کنیم :

اصل ایمان چنانچه جمهور علمای امامیه بر آنند عبارت از : تصدیق و اعتقاد قلبی واقعی به عقائد دینی و مذهبی است و اقرار زبانی کاشف از آن اعتقاد و اعمال جوارحی شرط ثبوت و بقاء آنست به این معنی که هرگاه کسی معتقد به عقیده باشد شرط تحقق و صدق این اعتقاد آن است که به لوازم آن ملتزم شود چه آنگه عدم التزام کاشف از بی عقیدگی است .

و دلیل بر این مطلب از وجوهی است :

(۱) - ایمان در بسیاری از آیات قرآن به قلب نسبت داده شده ، مانند آیه شریفه :

« مِنْ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ ؛ از کسانی که به دهان‌ها و زبان‌های خود می‌گویند و دل ایشان ایمان نیاورده .<sup>۱</sup> »  
و آیه شریفه :

« أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ ؛ این طایفه از مؤمنین کسانی هستند که خدا در دل هایشان ایمان ثبت کرده .<sup>۲</sup> »  
و آیه شریفه :

---

۱ - سوره مائده ، آیه ۴۱ .

۲ - سوره مجادله ، آیه ۲۲ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ؛ اعراب گفتند : ما ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده‌اید ولی بگویید اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده. »<sup>۱</sup>

(۲) - در قرآن هر کجا ذکر ایمان کرده، عمل صالح به آن مقرون نموده و این ظاهر است بر اینکه عمل جزو ایمان نیست بلکه شرط آنست و گرنه احتیاج به عطف عمل، به ایمان نبود. مانند آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» تا آخر آیات<sup>۲</sup>  
چنانچه در صفحه قبل ذکر شد و غیر ذلک از آیات دیگر و اخبار بسیار.  
(۳) - این معنی موافق معنی لغوی ایمان است چنانچه گذشت.

### امر دوم فرق بین اسلام و ایمان

چنانچه از اخبار استفاده می‌شود بین اسلام و ایمان از جهاتی فرق است:  
(۱) - اسلام و ایمان هر دو عبارت از اعتقاد قلبی است ولی اسلام اعتقاد غیر راسخ و ایمان اعتقاد راسخ است و بر همین معنی آیه شریفه:  
« قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا »<sup>۳</sup> الایه ، را حمل کرده‌اند و همچنین اخباری که در فضل ایمان بر اسلام و تقوی بر ایمان و یقین بر تقوی وارد شده بر همین معنی حمل نموده‌اند.

۱ - سوره حجرات ، آیه ۱۴.

۲ - سوره کهف ، آیات ۳۰ و ۳۱.

۳ - سوره حجرات ، آیه ۱۴.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۲- اسلام عبارت از: التزام به اموری است که ، موجب جاری شدن احکام ظاهری اسلام از قبیل طهارت بدن ، حلال بودن ذبیحه، حمل فعل بر صحت ، و وجوب تجهیز و جواز نکاح و حق ارث و حفظ خون و مال و عرض و نحو اینها می‌گردد و تعبیر به اصول دین می‌کنند و ایمان عبارت از آن چیز است که : موجب نجات آخرت و سعادت می‌گردد و تعبیر به اصول دین و مذهب می‌کنند .

۳- اسلام عبارت از : اظهار اعتقاد به مجرد زبان است که به همین اظهار محکوم به احکام اسلام می‌گردد تا وقتی که خلاف آن ظاهر نشود .

و ایمان عبارت از : حقیقت اعتقاد و واقع آن است و بعضی آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ الْآيَةُ» به این معنی حمل کرده‌اند .

۴- اسلام عبارت از: صرف اعتقاد است بدون اینکه مقارن به اعمال جوارح باشد .

و ایمان عبارت از : اعتقاد مقرون با عمل است ، چنانچه در خبری که ذیلاً نقل می‌کنیم به اکثر وجوه بلکه همه آنها اشاره شده .

در کتاب کافی از سماعه روایت می‌کند که ، گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : مرا از اسلام و ایمان خبر ده که آیا مختلفند ؟ فرمود : ایمان با اسلام مشارکت دارد، ولی اسلام با ایمان مشارکت ندارد ( یعنی هر مؤمن مسلم ولی هر مسلمی مؤمن نیست) .

عرض کردم : ایمان و اسلام را برای من توصیف بفرمایید ؟ فرمود : اسلام شهادت به کلمه « لا اله الا الله و تصدیق به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم » است که به واسطه آن خون‌ها حفظ ، و نکاح‌ها و ارث



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

آنها بر آن جاری می‌شود و بر این ظاهر جماعتی از مردمند و ایمان هدی و راه یافتن است و آن چیزی است که از صفت اسلام در دل ثابت می‌گردد و آنچه از عمل به واسطه آن ظاهر می‌شود و ایمان از به درجه‌ی بالاتر است، زیرا ایمان با اسلام در ظاهر مشارکت دارد ولی اسلام با ایمان در باطن مشارکت ندارند و اگر چه در گفتار و صفت با هم مجتمع می‌شوند.<sup>۱</sup>

(۵) - و بعضی اسلام را اخص از ایمان دانسته‌اند و گفتند: اسلام عبارت از ایمانست که مقرون به تسلیم و رضا هم باشد، و بر همین معنی دعای «اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات»<sup>۲</sup> را حمل کرده‌اند.

### امر سوم: در بیان اموری که ایمان به آنها تحقق می‌یابد

اموری که مدخلیت در تحقق ایمان دارد از امور اعتقادی ۵۰ امر است که به نحو فهرست در اینجا متذکر می‌شویم و تفصیل آنها به نحو کامل در «کلم الطیب» داده شده.

(۱) - اعتقاد به وجود واجب الوجود صانع عالم.

(۲) - واجب الوجود مستجمع جمیع صفات کمال و منزّه از جمیع نقایص امکان است.

---

۱ - اصول کافی، ج ۳، ترجمه مصطفوی، ص ۴۰. باب ایمان با اسلام جمع شود و اسلام با ایمان جمع نشود.

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۴۷، باب ۴۱، باب استحباب دعا برای مؤمنین و مؤمنات.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- ۳- واجب الوجود دارای صفات کمالیه است که عمده آنها ، علم ، قدرت حیات ، اراده ، قدیم و ازلی و ابدی و سرمدی بودن و غنی بودن است و به طور کلی هر صفتی که ثبوتش موجب کمال و سلبش باعث نقص و احتیاج باشد واجب الوجود داراست.<sup>۱</sup>
- ۴- صفات واجب الوجود غیر متناهی است و محدود به حدی نیست مثل ذات او که غیر متناهی است .
- ۵- علم خدا به همه چیز تعلق می‌گیرد و به هر چیزی احاطه دارد .
- ۶- قدرتش به همه چیز تعلق می‌گیرد و بر هر چیزی تواناست .
- ۷- هر موجودی از روی اراده حق تعالی ایجاد شده و چیزی از تحت اراده او بیرون نیست و هر چه را اراده کرده تخلف پذیر نیست .
- ۸- واجب الوجود از صفات سلبیه (که از آنها به جلالیه نیز تعبیر می‌شود) منزّه است و عمده آنها ترکیب، جسم یا جوهر یا عرض بودن ، مرئی بودن ، محل حوادث بودن ، شریک داشتن ، صفات زائد بر ذات داشتن و احتیاج است و به طور کلی هر صفتی که سلبش موجب کمال و ثبوتش موجب نقص و احتیاج باشد واجب الوجود از آن منزّه و مبرا است.<sup>۲</sup>
- ۹- واجب الوجود مرکب نیست (به هیچ یک از اقسام ترکیب ، نه ترکیب خارجی و نه ذهنی و نه وهمی) بلکه بسیط من جمیع الجهات است .

---

۱- قادر و عالم و حی است و مرید و مدرک هم قدیم و ابدی و هم متکلم صادق.

۲- نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل بی شریک است و معانی، تو غنی دان خالق.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱۰- واجب الوجود جسم و جوهر عرض نیست و از لوازم جسمیت که مکان داشتن ، دیده شدن ، محل حوادث بودن و حلول و نحو اینها باشد نیز منزله است .

۱۱- خداوند یکی است و شریک ندارد و توحید پنج قسم است :

**اول : توحید ذاتی :** یعنی واجب الوجود شریک و مثل و مانندی برای او نیست .

**دوم : توحید صفاتی :** یعنی صفات واجب الوجود عین ذات اوست و مراد از نفی معانی همین است یعنی صفات او زائد بر ذات نیست .

**سوم : توحید افعالی :** یعنی خداوند در افعال شریک ندارد و خالق و رازقی جز او نیست .

**چهارم: توحید عبادتی :** یعنی غیر او سزاوار پرستش نیست و همین مفاد کلمه «لا اله الا الله» است .

**پنجم : توحید نظری :** یعنی نظر و اعتماد و اتکال بنده در هر حال فقط به خدا باشد و به اسباب و وسائط نظر نداشته و آنها را مقهور حق بداند .

۱۲- افعال صادره از حق که از آنها به صفات فعلیه جمالیه تعبیر می شود (مانند خلق ، رزق ، امانت ، احیاء ، عطاء ، منع و غیر اینها) تابع حکمت و مصلحت است و تا مصلحت نباشد صادر نشود ؛ زیرا مستلزم لغو و قبیح می شود .

۱۳- حسن و قبح عقلی است و بسا به وجوه و اعتبارات مختلف می شود .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- ۱۴- افعال الهی تمام حسن و دارای حکمت و مصلحت است و فعل قبیح و لغو و ظلم از خداوند صادر نشود و معنای عدل همین است .
- ۱۵- بندگان در افعال اختیاریه نه مجبورند به طوری که مسلوب الاختیار باشند و نه مستقلند که اراده حق در افعال آنها تأثیر نداشته باشد ؛ بلکه در عین اینکه مختارند اراده و اختیارشان تحت اراده و اختیار حق است : « لَّا جَبْرَ وَ لَّا تَفْوِیضَ ، بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ »<sup>۱</sup>
- ۱۶- توفیق و خذلان<sup>۲</sup> جزاء و پاداش است که خداوند در دنیا برای کسی که در طریق حق سیر کند یا از طریق منحرف شود قرار داده است و موجب سلب اختیار و منافی با عدل نیست .
- ۱۷- قضا و قدر<sup>۳</sup> موجب جبر نمی‌شود چه آنکه خداوند مقدر فرموده که فعل از روی اختیار از انسان صادر شود .
- ۱۸- مصائب و بلیات آنچه مستند به خداست تماماً از روی حکمت و مصلحت است و با عدل منافات ندارد .
- ۱۹- ارسال رُسُل و انزال کُتُب و جعل احکام و تکالیف و وعد و وعید و ثواب و عقاب لازمه عدل است و بر خدا لازم است .

---

۱ - أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۱۰۶؛ إحتجاج، ج ۲، ص ۴۱۴؛ عیون

أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، ج ۱، ص ۷۹.

۲ - توفیق یعنی فراهم نمودن اسباب به سوی مطلوب و مقصود و خذلان به معنی ترک یاری و کمک است. (کلم الطیب، ص ۱۱۵)

۳ - قضا در اصطلاح اطلاق می‌شود بر افعال الهی که در این عالم نسبت به مخلوقات اجرا می‌شود. و قدر عبارت از چیزی است که کلیه امور بر طبق آن واقع می‌شود و برگشت آن به علم می‌باشد. (کلم الطیب، ص ۱۳۸ و ۱۳۹)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۲۰- نسخ شرایع به واسطه اختلاف مصالح و مقتضیات ازمنه و استعدادات است مانند بداء در تکوینیات .

۲۱- خداوند برای هدایت و راهنمایی بشر به مصالح و مفسد دنیوی و اخروی انبیاء و رسولانی از ابتدا آفرینش بشر تا انقراض عالم فرستاده است .

۲۲- انبیاء همگی معصوم و از معصیت و خطا و اشتباه و سهو و نسیان و شک بری و مصونند .

۲۳- انبیاء دارای جمیع کمالات نفسانی و فضائل انسانی و منزله از همه رذایل اخلاقی و صفات نکوهیده و همچنین نواقص بدنی و اموری که موجب تنفر طباع است می‌باشند و از جمیع افراد امت افضلند .

۲۴- پیغمبران دارای معجزه<sup>۱</sup> و یا دلیل قطعی دیگر بر صدق نبوت خود (مانند اخبار نبی ثابت النبوه و یا معصوم ثابت العصمه به نبوتشان) می‌باشند .

۲۵- پیغمبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ افضل همه انبیاء و خاتم پیغمبران و مبعوث بر کافه جن و انس است و دین او ناسخ جمیع ادیان و تا دامنه قیامت باقی است .

۲۶- معجزه بزرگ پیغمبر اسلام که معجزه باقیه او تا دامنه قیامت است قرآن مجید و احکام و قوانینی است که از جانب

---

۱ - معجزه کاری است از کارهای خدا که بر خلاف عادت و قواعد طبیعی و طرق کسبی و تحصیلی باشد و مردم از آوردن آن عاجز باشند. (کلم لطیب، ص ۱۹۸)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خداوند برای مصالح دنیا و آخرت بشر آورده و اخباری که از آینده تا دامنۀ قیامت داده است .

(۲۷) - قرآن کلام خداست و هیچ تحریفی در آن روی نداده و همین سیاهی به تواتر از زمان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تاکنون به ما رسیده است .

(۲۸) - پیغمبر اسلام دارای معراج جسمانی<sup>۱</sup> بوده یعنی با همین بدن عنصری به قدرت حق تعالی به عالم بالا تشریف برده است .

(۲۹) - آنچه پیغمبر از جانب خدا آورده همه راست و حق، و تصدیق به آنها از لوازم تصدیق به نبوت است .

(۳۰) - بر نبوت سایر انبیاء دلیلی جز از راه تصدیق پیغمبر اسلام و اخبار قرآن در دست نیست و تورات و انجیل و سایر کتب عهدین چون تحریف شده و تواتر آنها چندین مرتبه قطع گردیده مدرکی بر نبوت آنان نمی باشد علاوه بر اینکه کفریات و مطالب خلاف عقلی که در این کتب است دلیل بارزی بر بطلان و تحریف آنهاست .

---

۱ - معراج جسمانی از ضروریات اسلام است و ظواهر آیات قرآن هم بر وقوع آن دلالت می کند. معراج جسمانی یعنی اینکه پیامبر یک شب با همین بدن عنصری به آسمان ها عروج و آثار قدرت و حکمت و آیات و عظمت پروردگار را مشاهده نمود و اسراری از رموز آفرینش و ملاء اعلی و عالم بالا برای وی کشف گردید و در خلوتگاه پروردگار که خالی از اغیار بوده، مکالماتی بین حق تبارک و تعالی و او برگزار شده است. (کلم الطیب، ص ۳۰۳)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- (۳۱) - وجود امام و خلیفه و حجت بعد از رحلت حضرت رسالت تا قیامت لازم ، و جعلش بر خدا به مقتضای حکمت حتم ، و نصبش بر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ واجب ، و بقاء دین و قرآن و مسلمین منوط به آنست .
- (۳۲) - شرایطی که در انبیاء معتبر است (از عصمت و افضلیت و دلیل قطعی بر صدق دعوی) در اوصیاء نیز معتبر است .
- (۳۳) - خلافت خلفاء سه گانه و بنی امیه و بنی عباس و سایر خلفاء جور باطل است زیرا هیچ یک از شرایط در آنها نبوده و مطاعنی را دارا بوده‌اند که مانع لیاقت آنها برای خلافت بوده است .
- (۳۴) - خلیفه بلافضل پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ است چون دارای جمیع شرایط امامت و خلافت بوده و ادله عقلی و نصوص قرآنی و اخبار متواتره بر خلافتش قائم است .
- و آن حضرت بعد از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از جمیع مخلوقات الهی از انبیاء و ملائکه و سایر اوصیاء در جمیع شئون افضل و اکمل است .
- (۳۵) - جانشینان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعد از امیرالمؤمنین عَلِيٌّ یازده نفر اولاد آن حضرت می‌باشند به نص متواتر از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و از هر یک از سابقین آنان بر لاحقین آنها ، و ایشان دارای همه شرایط امامت و خالی از همه موانع بوده‌اند .
- (۳۶) - دوازدهمی آنان فرزند امام حسن عسکری عَلِيٌّ ، زنده و به حفظ الهی از نظرها غائب است و زود باشد که ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۳۷) - برای ظهورش علائم و نشانه‌های حتمیه است که تا آنها واقع نشود ظاهر نگردد ، مانند : خروج سفیانی و خسف بیداء و صیحه آسمانی و خروج یمانی و قتل نفس زکیه بین رکن و مقام ، و هر کس قبل از پیدا شدن این نشانه‌ها دعوی ظهور کند (مانند باب و بهاء و امثال اینها کذاب و مفتریست) .

(۳۸) - در غیبت صغری که تقریباً هفتاد سال طول کشید امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه چهار نائب خاص داشت (عثمان بن سعید عمروی ، محمد بن عثمان ، حسین بن روح نوبختی ، علی بن محمد سمري) که یکی بعد از دیگری به نیابت از طرف آن حضرت منصوب بودند و در حین رحلت چهارمی آنها توقیع از آن حضرت صادر شد که مردم در امور دینی خود باید به روات اخبار ما که مجتهدین جامع الشرایط باشند رجوع نمایند<sup>۱</sup> .

(۳۹) - پس از ظهور حضرت حجت رجعت<sup>۲</sup> واقع خواهد شد و دوره رجعت به قیامت متصل می‌گردد .

---

۱ - امام زمان علیه السلام فرموده‌اند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رُوَاةَ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛ در پیش آمدهایی که برای شما رخ می‌دهد بر روایان اخبار ما که علماء اعلام باشند مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما و من حجت خدایم.» (کلم الطیب، ص ۵۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰، ح ۳۳۴۲۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰)

۲ - رجعت: برگشتن جمعی از نیکان محض و بدان محض است در دنیا پیش از قیامت کبری. و از جمله ضروریات مذهب شیعه می‌باشد. (کلم الطیب ، ص ۵۸۶)



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- (۴۰) - صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام معصومه و طاهره و دارای جمیع شئون انبیاء و ائمه بوده در حالی که نه پیغمبر و نه امام بوده است .
- (۴۱) - معاد یعنی : بازگشت همه مکلفین در روز قیامت برای پاداش اعمالی که در این عالم داشته از خوب یا بد، از ضروریات دین اسلام بلکه جمیع ادیان است .
- (۴۲) - موت یعنی : قطع علاقه و تصرف روح انسانی از بدن و قبض آن به توسط قابض ارواح (ملک الموت) و ملائکه اعوان او ، حق است و باید به آن معتقد بود .
- (۴۳) - روح انسانی پس از مفارقت از این بدن فانی نمی‌شود ؛ بلکه به قالب مثالی تعلق می‌گیرد و تا وقوع قیامت در عالم برزخ یا متنعم به نعمت‌های برزخی (اگر از نیکان باشد) و یا معذب به عذاب‌های برزخی است (هرگاه از بدان باشد) .
- (۴۴) - سؤال قبر که عبارت از: بازگشت روح انسانی به بدن روح حیوانی برای سؤال پاره‌ای از عقاید است حق است .
- (۴۵) - فردای قیامت روح انسانی به همین بدن عنصری مادی تعلق می‌گیرد و وارد صحرای محشر می‌شود ، اگر از خوبان باشد نامه عملش به دست راست و اگر از بدان باشد از عقب سر به دست چپ داده شود و در محکمه عدل الهی از او سؤال و به حساب او رسیدگی گردد و اعمالش در میزان عدل الهی سنجیده شود و اگر قابل تفضل نباشد به مقتضای عدل درباره او حکم شود و اگر قابل تفضل باشد به فضل با او رفتار شود .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۴۶) - صراط که عبارت از: جسر جهنم است باید همه از آن عبور کنند هر که اهل نجات باشد از آن به طرف بهشت رهسپار شود و هر که اهل هلاکت باشد از آن در دوزخ افتد .

(۴۷) - اموری که باعث نجات اهل ایمان است عبارت است از : اخلاق فاضله ، اعمال صالحه ، احسان به مخلوقات الهی، توسل به خانواده عصمت و طهارت، شفاعت<sup>۱</sup> پیغمبر و آل و سعه رحمت و مغفرت الهی .

(۴۸) - شفاعت قیامت چنانچه شفاعت می کنند مخاصمه هم می نمایند .

(۴۹) - بهشت دار رحمت و نهمت و رضوان الهی و محل تنعم اهل ایمان است و هر که در آن داخل شود ابدالاباد متنعم به نعمت های جسمانی و روحانی است و جهنم دار نقت و عذاب و سخط الهی و شکنجه کافران و معاندان و منافقان و اهل ضلالت و بدعت است و هر که در آن داخل شود ابدالاباد معذب است، مگر جمعی که معاند و مقصر تام نبوده که پس از مدتی ممکن است نجات یابند .

(۵۰) - قاصرین از کفار و مستضعفین و مجانین و اطفال و کفار و امثال اینها نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ گردند بلکه در جایی که خدا می داند به پاره ای از نعم به قدر قابلیت آنها نگاه داشته شوند .

---

۱ - شفاعت یعنی: وساطت در ایصال و رسانیدن نفع و دفع ضرر است نسبت به کسی که لایق و قابل شفاعت باشد. اصل شفاعت از ضروریات مذهب شیعه و آیات و اخبار بسیار بر ثبوت آن قائم است. (کلم الطیب، ص ۸۰۸ و ۸۰۹)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### امر چهارم: در مراتب و درجات ایمان

مراتب و درجات ایمان ، از حیث قوت و ضعف در اعتقادات و کمی و زیادی و درستی و نادرستی اعمال و کثرت و قلت و شدت و ضعف در اخلاق مختلف می‌شود و هر چه اعتقاد قوی‌تر و محکم‌تر و اخلاق نیکوتر و عمل خالص‌تر و بیشتر باشد ایمان قوی‌تر است و هر چه اینها ضعیف‌تر باشد ایمان ضعیف‌تر خواهد بود .

از این جهت در اخبار مراتب ایمان مختلف ذکر شده ، در بعضی اخبار هفت مرتبه و در برخی ده مرتبه و در بعضی دیگر ۴۹ جزء برای ایمان ذکر کرده و برای هر جزیی اعشاری قرار داده و در برخی دیگر درجات ایمان را به پله‌های نردبان تشبیه کرده‌اند و در پاره‌ای از اخبار ایمان را بر دو قسم کرده‌اند : ایمان مستقر (یعنی ایمانی که ثابت و پایرجا باشد و به حوادث و ابتلائات و شبهات زائل نگردد) و ایمان مستودع (یعنی ایمانی که به واسطه حوادث روزگار و ابتلائات و امتحانات و القاء شبهات متزلزل یا زائل گردد) .

و در جمعی از اخبار مرتبه تقوی را فوق ایمان و یقین را فوق تقوی قرار داده و در بعضی اخبار دیگر برای یقین سه مرتبه ذکر شده ، مرتبه علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین .

**علم الیقین** : عبارت از یقینی است که از راه برهان و استدلال حاصل گردد . مانند : یقینی که به وجود آتش از دیدن دود پیدا می‌شود .

**عین الیقین** : یقینی است که از راه مشاهده قلب و صفای باطن حصول یابد نظیر یقینی که به وجود آتش از دیدن خود آتش پیدا می‌شود .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

حق الیقین : یقینی است که نور آن سراسر وجود انسان را فرا گیرد .  
مانند : یقینی که به وجود آتش از سوختن در آن حاصل می‌گردد .

### امر پنجم: در ارکان و دعائم ایمان

در کتاب وافی از جابر از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ وَبِهِ السَّلَامُ روایت کرده که فرمود  
از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از ایمان سؤال شد حضرت فرمود :

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ فَالصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الشَّوْقِ وَالْإِشْفَاقِ وَالزُّهْدِ وَالتَّرَقُّبِ فَمَنْ اشْتَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنْ الشَّهَوَاتِ وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحْرَمَاتِ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ وَمَنْ رَاقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ وَالْيَقِينُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ تَبَصُّرَةُ الْفِطْنَةِ وَتَأْوُلُ الْحِكْمَةِ وَ مَعْرِفَةُ الْعِبْرَةِ وَ سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ فَمَنْ أَبْصَرَ الْفِطْنَةَ عَرَفَ الْحِكْمَةَ وَمَنْ تَأْوَلَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ الْعِبْرَةَ وَمَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ وَمَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ فَكَانَ مَعَ الْأَوَّلِينَ وَ اهْتَدَى إِلَى النَّبِيِّ هِيَ أَقْوَمُ وَ نَظَرَ إِلَى مَنْ نَجَا بِمَا نَجَا وَمَنْ هَلَكَ بِمَا هَلَكَ وَ إِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ مَنْ أَهْلَكَ بِمَعْصِيَتِهِ وَ أَنْجَى مَنْ أَنْجَى بِطَاعَتِهِ وَ الْعَدْلُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ غَامِضِ الْفَهْمِ وَ غَمْرِ الْعِلْمِ وَ زَهْرَةِ الْحُكْمِ وَ رَوْضَةِ الْحِلْمِ فَمَنْ فَهَمَ فَسَّرَ جَمِيعَ الْعِلْمِ وَ مَنْ عَلِمَ عَرَفَ شَرَائِعَ الْحُكْمِ وَ مَنْ حَلَّمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَ عَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيداً وَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

وَ الصِّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَ شَتَّانِ الْفَاسِقِينَ فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْعَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَ أَمِنَ كَيْدُهُ وَ مَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى الَّذِي عَلَيْهِ وَ مَنْ شَتَّى الْفَاسِقِينَ غَضِبَ اللَّهُ وَ مَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ فَذَلِكَ الْإِيْمَانُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبَةٌ<sup>۱</sup>»

(ترجمه) : خدای تعالی ایمان را بر چهار ستون : صبر ، یقین ، عدل و جهاد قرار داد ، و صبر را بر چهار شعبه: شوق، اشفاق (خوف) ، زهد و ترقب (انتظار) منشعب فرمود .

پس کسی که مشتاق بهشت باشد شهوات نفسانی را ترک کند، و کسی که از آتش دوزخ بترسد از محرمات اعراض نماید، و کسی که در دنیا بی رغبت باشد مصائب بر او آسان شود ، و کسی که منتظر مرگ باشد در خیرات مساعدت و شتاب کند ،

و یقین بر چهار شعبه است: فطانت و زیرکی را وسیله بصیرت و بینایی قرار دادن ، حکمت را به واسطه تدبیر کشف کردن ، معرفت به چگونگی عبرت گرفتن از امور و شناختن روش پیشینیان ، پس کسی که فطانت و زیرکی را وسیله بصیرت و بینایی قرار داد حکمت را می‌شناسد و کسی که حکمت را به واسطه تدبیر کشف کرد عبرت را می‌شناسد ، و کسی که عبرت را شناخت رو پیشینیان را می‌شناسند و کسی که روش پیشینیان را شناخت پس گویا با آنان بوده و راه یافته به آن طریقی که قویمترین و

---

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۵۰، باب صفة الایمان، ح ۱؛ وافی، ج ۴، ص ۱۴۰، ح ۱۷۳۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

پایدارترین راه‌هاست و نظر کرده به آن کسانی که نجات یافته اند که به چه وسیله نجات یافته و به آن کسانی که هلاک شده به چه جهت هلاک گردیده‌اند ، و همانا خدا هر کسی را هلاک کرده به واسطه معصیتش هلاک نموده و هر که را نجات داده به واسطه طاعتش نجات داده است .

و عدل بر چهار شعبه است : فهم عمیق و کنجکاو ، علم کثیر ، حکم واضح و حلم وسیع، پس کسی که فهمیم شد همه دانش را کشف کند و کسی که دانا باشد حکم شرایع را بشناسد و کسی که حلم ورزید در امر زندگی افراط نکند و در میان مردم پسندیده باشد .

و جهاد بر چهار شعبه است : امر به معروف، نهی از منکر، راستی و حقیقت در جمیع موارد و دشمنی داشتن نابکاران ؛ پس کسی که امر به معروف کند پشت مؤمن را محکم گرداند ، و کسی که نهی از منکر نماید بینی منافق را به خاک مالد و از کید او ایمن شود و کسی که راستی و حقیقت را پیشه خود کند ، آنچه قضاء الهی است برای او واقع شود و کسی که فاسقان را دشمن دارد برای خدا خشمگین شده و هر که برای خدا خشمگین شود خدا برای او خشمگین گردد ، این ایمان و ارکان و شعبه‌های اوست .

### امر ششم : در صفات مؤمن

در قرآن مجید خداوند کریم می‌فرماید :

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ \* وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ \* وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ \* وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ \* فَمَنْ ابْتغىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ \* وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ \* وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ \* أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ \* الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۱</sup> به تحقیق مؤمنان رستگار شدند، آنان که در نماز خود خاشع و خوفناکند و آنان که از لغو و کار بیهوده اعراض کننده‌اند، و آنان که زکات حقوق مالی خود را ادا کننده‌اند، و آنان که فرج‌های خود را نگاه دارنده‌اند مگر نسبت به زنان خود و کنیزانی که مالک شده‌اند پس در این موارد ایشان ملامت کرده نشوند، مگر کسانی که غیر از زنان خود و کنیزان خود را برای مباشرت طلب کنند پس آنان تجاوز کارانند، و آنان که نسبت به امانت‌ها و پیمان‌های خود رعایت کنندگانند، و آنان که بر نمازهای خود مراقبت و محافظت کنندگانند، اینان «یعنی مؤمنانی که دارای این صفاتند» وارثانند: آن چنان وارثانی که بهشت فردوس را به میراث می‌برند در حالی که در آن بهشت جاودانند.

و در کتاب کافی روایت کرده که رسول خدا ﷺ به قومی گذشت، پس فرمود: شما کیستید؟

عرض کردند: یا رسول الله! ما گروه مؤمنانیم.

۱ - سوره مؤمنون، آیه ۱-۱۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

فرمود : حقیقت ایمان شما چیست ؟

عرض کردند : راضی بودن به قضاء الهی و تفویض نمودن امور به خدا ، و تسلیم بودن نسبت به اوامر الهی ، پس حضرت فرمود : اینان دانشمندان و بردبارانی هستند که نزدیک است به واسطه حکمت به مرتبه پیغمبران برسند ، پس اگر شما راستگویید آنچه در آن سکونت نمی کنید نسازید و آنچه نمی خورید جمع نکنید و از خدایی که به سوی او بازگشت شماسست بترسید .<sup>۱</sup>

و نیز در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :  
«يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِي خِصَالٍ وَقَوْرًا عِنْدَ الْهَرَاهِرِ صَبُورًا عِنْدَ الْبَلَاءِ شُكُورًا عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعًا بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ - لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْحِلْمَ وَزِيرُهُ وَالْعَقْلَ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَالرَّفْقَ أَخُوهُ وَاللَّيْنَ وَالِدُهُ.»

سزاوار است برای مؤمن که در او هشت خصلت باشد : در فتنه ها و شدائد سنگین و پابرجا ، و هنگام بلا شکیبا ، و هنگام نعمت و سعه عیش شکرگزار ، و به آنچه خدا او را روزی نموده قانع باشد ، با دشمنان ستم نکند ، و دوستان را به زحمت و تحمل و مشقت نیندازد ، بدنش از جهت عبادت و خدمت به خلق در زحمت ، و

---

۱ - اصول کافی، ج ۳، ترجمه مصطفوی، ص ۸۸، حقیقت ایمان و یقین.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مردم از او در راحت باشند ، دانش یار مؤمن و بردباری مشاور او و شکیبایی امیر لشکر او و مداراۀ برادر او و نرمی با مردم پدر اوست .<sup>۱</sup> و آیات و اخبار در صفات مؤمن بسیار است و چون بنای این رساله بر اختصار است؛ لذا به همین مقدار اقتصار می شود .

### امر هفتم: در فضل مؤمن و فضیلت ایمان

اخبار در فضیلت و مزیت مؤمن بسیار است و ما به برخی از آنها اشاره می کنیم :

- (۱)- در کتاب سفینه البحار از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود :  
«مثل مؤمن نزد خدا ، مثل ملک مقرب است، و به درستی که مؤمن نزد خدا از ملک مقرب (از جهت منزلت) بزرگتر است .»<sup>۲</sup>
- (۲)- در لثالی الاخبار در باب ۶ و ۹ از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که فرمود : « اگر مردم می دانستند که برای مؤمن چه مقامی نزد خداست ؛ هر آینه سر انقیاد و خضوع نسبت به او فرود

---

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۴۷، باب خصال المؤمن، ح ۱.  
۲ - مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ - وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَكْبَرُ مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ. صحیفه الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۶۷، باب ۲۰؛ و ج ۳۶، ص ۳۲۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۵، ح ۱۳۶۹۵

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

می‌آوردند ، به درستی که خدای تعالی برای مؤمن نامی از نام‌های خود جدا نموده است.»<sup>۱</sup>

۳- و نیز در لئالی الاخبار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود : «احترام مؤمن فقیر نزد خدا از آسمان‌های هفتگانه و

---

۱ - «...وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا لِلْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ لَخَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اشْتَقَّ لِلْمُؤْمِنِ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ...» ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۷.

رفاعة (زرارة) بن أعین که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود:

خبر ندهم تو را به سخت‌ترین مردم از حیث عذاب در روز قیامت عرض کردم بیان فرمائید (که بسیار طالبیم) فرمود آن کسی است که کمک نماید بضرر مؤمن اگر چه به یک کلمه باشد، سپس فرمود میل داری سخت‌تر از آن را بگویم، عرض کردم آری، فرمود: سخت‌تر از آن آن کسی است که عیب‌جویی مؤمن نماید در گفتار و کردارش، پس از آن به من فرمود پیش بیا، چون پیش رفتم فرمود: ایمان به خدای یکتا و به رسول او و به ولایت ما اهل بیت نیاورده کسی که بیاید مؤمنی به نزد او برای حاجتی پس گشاده‌روئی نکند و اگر می‌تواند حاجت او را بر آورد بر نیاورد و اگر قرض بخواهد به او ندهد، و اگر می‌دانستند مردم که مؤمن چه مقامی نزد خدا دارد هر آینه برای تعظیمش گردن خم می‌نمودند، به درستی که خداوند اسم مؤمن را از اسم خود المؤمن مشتق فرموده به جهت شرافت و تکریم او، همانا مؤمن در قیامت شفاعت می‌کند و امان از عذاب می‌دهد به گناهکاران پس خداوند شفاعت او را می‌پذیرد و امان او را قبول می‌کند. (ارشاد القلوب، ترجمه مسترحمی، ج ۱، ص ۱۷۵ و ۱۷۶)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

زمین‌های هفتگانه و فرشتگان و کوه‌ها و آنچه در آنهاست بزرگتر است.<sup>۱</sup>

۴- و نیز در لئالی الاخبار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «احترام مؤمن از کعبه بیشتر و بزرگتر است و به تحقیق خدای تعالی پیغمبرش را امر کرد به گفته خود که «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> (بال مرحمت خود را برای کسانی از مؤمنان که تو را پیروی می‌کنند بگشای) و مدح فرمود: کسانی که برای مؤمنین کوچکی می‌کنند.

۵- و نیز در لئالی الاخبار در باب نهم روایت کرده که: «هر آینه نور مؤمن برای اهل آسمانی‌ها می‌درخشد چنانچه نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد»<sup>۳</sup>.

و آیات قرآنی که در مدح مؤمنین و اخباری مکه در فضیلت آنها وارد شده بسیار است و بس است در فضیلت مؤمن اینکه سعادت و نجات منحصر به اوست و در فضیلت ایمان که شرط صحت جمیع اعمال است و هیچ عملی بدون آن مورد قبول حضرت پروردگار نیست.

---

۱ - إرشاد القلوب، دیلمی، ج ۱، ص ۱۹۴، باب ۵۲. «حُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ الْفَقِيرِ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ

سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْجِبَالِ وَ مَا فِيهَا»

۲ - سوره شعراء، آیه ۲۱۵.

۳ - «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُزْهِرُ نُورُهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَزْهَرُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ» الكافي، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۵؛ بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۶۴ ح ۱۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مقصد دوم:

در ته‌توای ظاهر

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### مقصد دوم: در تقوای ظاهر

تقوی به معنی اجتناب و پرهیز کردن از اموری است که برای رسیدن انسان به مقصود و مطلوبش مانع یا مضر باشد، و چنانچه طالب صحت باید از اموری که به سلامتی مزاج او خلل وارد می‌سازد اجتناب ورزد و طالب سود تجارت باید از کارهایی که برای تجارتش زیان‌آور است بپرهیزد و طالب زراعت باید از چیزهایی که حاصلش را بر باد می‌دهد دوری جوید همین طور طالب سعادت و فیوضات آخرت باید از اموری که برای نیل به این مقصد مانع و مضر است احتراز کند، و برای تقوی درجاتی ذکر کرده‌اند:

(۱) - پرهیز از اموری که موجب خلود در عذاب می‌شود و آدمی را به کلی از سعادت محروم و از فیوضات الهی مهجور می‌گرداند و آن پرهیز از عقاید باطله از کفر و شرک و بدعت و ضلالت و انکار ضروری دین و مذهب و بالاخره اموریست که موجب زوال ایمان «و لو در حین موت» گردد.

(۲) - پرهیز از معاصی کبیره و اصرار بر صغیره و منافیات مروت و این محقق ملکه عدالت شرعی است که در مجتهد، مفتی، قاضی، شاهد و امام جماعت و نحو اینها شرط است؛ بلکه بر تمام مؤمنین تحصیل آن واجب و لازم است.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۳- پرهیز از جمیع معاصی حتی معاصی صغیره و این معنی عصمت است که در پیغمبر و امام شرط می‌باشد، و این خود دارای مراتب و درجاتی است و اعلی مرتبه آن اجتناب حتی از ترک اولی می‌باشد و این مخصوص خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است .

۴- پرهیز از جمیع مکروهات بلکه مباحات جز به مقدار ضرورت و اقتصار به واجبات و مستحبات و این نیز همان اعلی درجه عصمت است که اختصاص به خاندان نبوت دارد .

و ما در این مقصد ، منظورمان بیان مرتبه دوم از تقوی است که پرهیز از معاصی کبیره و اصرار بر صغیره باشد و این مقصد را در ذیل دو امر بیان می‌کنیم :

### امر اول در معاصی کبیره و اقسام آن

معاصی کبیره به دو قسم منقسم می‌شود :

قسم اول : عبارت از ترک واجبات و فرائض الهی است که ترک آنها معصیت کبیره شمرده شده و به تارک آنها وعده عذاب داده شده است .  
و قسم دوم : عبارت از فعل محرماتی است که به مرتکب آن وعده عذاب داده شده یا در لسان شرع معصیت کبیره شمرده شده است .



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

اما قسم اول : فرائض و واجباتی که ترک آنها گناه کبیره است :

(۱)- نماز ، که در اخبار بر تارک آن اطلاق کافر شده و اگر از روی بی‌اعتنایی باشد ، مسلماً موجب کفر است؛ زیرا برگشت آن به انکار ضروری دین می‌شود، بلکه تزییع آن هم موجب زوال ایمان است هرگاه موفق به توبه نشود چنانچه مستفاد از اخبار است .

و نماز دارای دو جنبه است : ظاهری و باطنی ،

جنبه ظاهری نماز ، عبارت از شرایط و اجزاء است از قبیل : طهارات ثلاث (وضوء یا غسل یا تیمم) ، طهارت بدن ، شرایط لباس و مکان ، مراعات قبله و وقت و از قبیل تکبیره الاحرام ، قرائت حمد و سوره به قرائت صحیح در دو رکعت اول و تسبیحات اربعه یا حمد تنها در دو رکعت آخر ، رکوع ، سجود ، تشهد ، سلام ، قیام و قعود ، سایر اذکار واجبه ، ترتیب ، موالات ، طمأنینه و شناختن شکایات و سهویات و مبطلات و سایر احکام واجبه که باید طبق فتوای مجتهد مرجع تقلید انجام گیرد .

و جنبه باطنی آن عبارت از : نیت و قصد قربت و خلوص است که واجب می‌باشد و حضور قلب و خشوع و خضوع و التفات و توجه به معانی و اشارات اقوال و افعال نماز و تعظیم پروردگار و خوف و رجاء و حیاء و نحو اینهاست که شرایط قبول و کمال آنست و به واسطه اینها مراتب و درجات نماز مختلف و متفاوت می‌گردد و همچنین ازاله اموری که مانع از قبول است از اخلاق رذیله و اعمال سیئه .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۲) - زکات ، که ترکش به نص اخبار و مستفاد از آیات موجب کفر می شود و در قرآن کریم می فرماید :

« الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ <sup>۱</sup> »

در کافی از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :  
« مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا ؛ <sup>۲</sup> هر کس قیراطی از زکات را ندهد باید به دین یهود یا نصاری بمیرد .»

و نیز در کافی و فقیه و تهذیب از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود :

« مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ ؛ <sup>۳</sup> هر که قیراطی از زکات را ندهد نه مؤمن است و نه مسلمان و قول خدای تعالی اشاره به همین مانع زکات است که می گوید : پروردگارا مرا برگردان تا شاید عمل صالحی به جای آورم در آنچه رها کردم .» <sup>۴</sup>

---

۱ - سوره فصلت ، آیه ۷ . « کسانی که زکات نمی دهند و آنها به آخرت و یوم بعث آنها کافر هستند .»

۲ - الکافی ، ج ۳ ، ص ۵۰۳ ، ح ۳ .

۳ - سوره مؤمنون ، آیات ۹۹ و ۱۰۰ . « پروردگار من ! مرا برگردان به دنیا ، اینها که تقاضای رجوع به دنیا می کنند می گویند : امید است من عمل صالحی به جا آورم در آنچه ترک کردم .»

۴ - الکافی ، ج ۳ ، ص ۵۰۵ ، ح ۱۴ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و زکات به نه چیز تعلق می‌گیرد : غلات اربعه «گندم ، جو ، خرما و کشمش» و انعام ثلاثه «گاو ، گوسفند و شتر» و نقدین «طلا و نقره سکه دار» که هر کدام به حد نصاب رسید باید به مقدار مقرر و تحت شرایطی که در کتب فقهیه مذکور است بدهند .

۳- خمس، که ترک آن چنانچه از آیه خمس استفاده می‌شود مشعر به عدم ایمان است ؛ زیرا بعد از آن که امر به دادن خمس می‌کند می‌فرماید :

«إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ<sup>۱</sup>

و عذاب تارک آن از همه سخت‌تر است، زیرا ظلم در حق امام است و جزو ظالمین به آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محسوب و مشمول لعن واقع می‌شود مخصوصاً در زیارت عاشورا « اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد الخ ».»

و خمس به هفت چیز تعلق می‌گیرد :  
غوص (چیزهایی که به واسطه غواصی در دریا به دست می‌آید) ، معدن ، گنج و این سه چیز دارای نصاب است، و غنائم دار الحرب اگر به اذن امام یا نائب امام باشد ، و زمینی که اهل ذمه بخرند ، و مال مختلط به حرام که نه مقدار آن و نه صاحبانش معلوم باشد ، و فوائد تجارت و کسب هرگاه زائد بر مؤنه باشد .

---

۱ - سوره انفال ، آیه ۴۱ . «شما که ایمان آورده باشید به خدا و به آنچه ما نازل کردیم بر بنده خود روزی که حق از باطل جدا شد.»

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و خمس دو قسمت می‌شود :

یک قسمت سهم سادات که به فقراء و ایتام و ابن سبیل و سادات باید داد و قسمت دیگر سهم امام است که در زمان غیبت باید به اذن مجتهد جامع شرایط به مصرف مطابق فتوای مرجع تقلید رسانند .

۴- روزه ماه رمضان که ترکش گناه بسیار بزرگ است و در مرتبه اول و دوم و سوم موجب تعزیر و اگر به مرتبه چهارم برسد به اتفاق همه موجب قتل است و کفاره آن آزاد کردن بنده یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین را اطعام نمودن به طور تخییر است و اگر افطار به حرام شود باید کفاره جمع بدهد به علاوه قضای روزه که در هر صورت باید به جای آورد .

و روزه امساک نمودن از ده چیز است: خوردن، آشامیدن ، جماع ، استمناء ، کذب بر خدا و رسول و امام ، و با حدث جنابت یا حیض یا نفاس بلکه استحاضه فی الجمله در موقع لزوم غسل صبح باقی ماندن، گرد و غبار و دود و بخار غلیظ به حلق رسانیدن ، عمدأ سر زیر آب کردن ، قی کردن و اماله نمودن که باید شخص روزه دار از طلوع فجر تا مغرب شرعی به قصد قربت و بدون قصد منافی از این امور خودداری کند .

۵- حج که بر هر کس مستطیع شود واجب است و ترکش گناه کبیره موبقه است و در قرآن کریم بعد از دستور حج می‌فرماید :

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ »<sup>۱</sup> و در اخبار دارد که اگر کسی بمیرد و تارک حج باشد به دین اسلام از دنیا نمی‌رود ، مگر موفق به توبه شود و واجب است از ترکه او بردارند و نایب بگیرند که حج او را انجام دهند .

و حج برای اکثر مرکب از دو واجب است : عمره تمتع و حج ، و عمره . پنج واجب دارد :

۱ - احرام از یکی از مواقیت یا محاذی آنها ؛ ۲ - طواف ؛ ۳ - نماز طواف ؛ ۴ - سعی صفا و مروه ؛ ۵ - تقصیر .

و حج پانزده واجب دارد :

۱ - احرام از مکه هشتم ذی الحجه و بهتر از مسجد الحرام، جحر اسماعیل یا مقام ابراهیم است ؛ ۲ - وقوف به عرفات در روز عرفه از ظهر تا مغرب ؛ ۳ - وقوف به مشعر شب عید قبل از طلوع فجر تا طلوع آفتاب ؛ ۴ - رمی جمره عقبه روز عید قربان در منی ؛ ۵ - قربانی در منی ؛ ۶ - تقصیر یعنی سر تراشیدن یا ناخن یا شارب زدن ؛ ۷ - طواف کعبه ؛ ۸ - نماز طواف ؛ ۹ - سعی صفا و مروه ؛ ۱۰ - بیتوته در منی شب یازدهم و دوازدهم ؛ ۱۱ - رمی جمرات ثلاث روز یازدهم و دوازدهم ؛ ۱۲ - طواف نساء ؛ ۱۳ - نماز طواف ؛ ۱۴ - توقف در منی روز دوازدهم تا ظهر پس از رمی جمرات ؛ ۱۵ - هرگاه شب سیزدهم در منی ماند باید روز سیزدهم رمی

---

۱ - سوره آل عمران ، آیه ۹۷ . «و هر کس کافر شد و امتناع از رفتن نمود محققاً خداوند بی‌نیاز است از جمیع عالمین.»

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

جمرات بکند و تفصیل هر یک از اینها در رسائل عملیه مناسک حج مسطور است .

۶ و ۷) - امر به معروف و نهی از منکر که ترکش گناه کبیره است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: «باید امر به معروف و نهی از منکر نماید و الا بدان شما بر خوبان شما مسلط شوند پس خوبان شما دست به دعا بردارند و دعای ایشان مستجاب نشود.» و در قرآن مجید می فرماید :

«لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ؛ چرا نهی می کنند مریبان و دانشمندان از گفتار گناه ایشان و از مال حرام خورد ایشان، هر آینه بد عملی انجام می دهند.»<sup>۱</sup> و آیات و اخبار در تأکید امر به معروف و نهی از منکر و مذمت و عقاب تارک آن بسیار است که این مختصر گنجایش ذکر آنها را ندارد .

ولی باید دانست که این واجب نیز مانند واجبات دیگر باید طبق مقررات شرع و شرایط آن انجام گیرد و تا درجات پایین مؤثر است به درجات بالاتر نباید مبادرت شود و عمده شرایط امر به معروف و نهی از منکر چهار چیز است :

---

۱ - سوره مائده ، آیه ۶۳

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱ - معرفت معروف و منکر ؛ ۲ - احتمال تأثیر ؛ ۳ - امن از ضرر ؛  
۴ - تارک معروف با فاعل منکر آثار پشیمانی در او ظاهر نشده  
باشد و مانند امر به معروف است ارشاد جاهل و هدایت ضال .

۸- **جهاد** که ترک آن و فرار از آن از گناهان بزرگ است و در  
قرآن مجید می فرماید :

«وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ  
بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ و کسی که در ورز جنگ  
پشت خود را به کفار بگرداند مگر اینکه میل کننده باشد از طرفی  
به طرف دیگر برای کازار یا پناه برنده باشد به طرف گروهی از  
مسلمانان، پس به تحقیق به غضب خدا برگشته و جایگاه او جهنم  
استت و بد محل بازگشتی است محل بازگشت او»<sup>۱</sup>.

و همچنین ترک واجبات دیگر از قبیل دفاع از مبدعین و دشمنان  
دین و تحصیل علوم لازمه و اعلاء کلمه اسلام و اداء حقوق واجبه و  
اداء دین و حفظ نفس محترمه و اطاعت زوج و والدین و اطاعت  
حکم مجتهد و ازاله نجاست از مسجد و تجهیز موتی و نحو اینها  
که بسا بر مکلف واجب می شود .

---

۱ - سوره انفال ، آیه ۱۶ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### قسم دوم از گناهان کبیره :

این قسم از گناهان بر سه دسته است :

**دسته اول :** راجع به امور اعتقادیه ، از قبیل شرک ، کفر ، ضلالت ، انکار یکی از اصول دین یا مذهب ، انکار یکی از ضروریات دین ، انکار ماجاء به النبی ، اعتقاد به مذاهب باطله ، بدعت گذاردن در دین و مذهب و نحو اینها که موجب کفر و خروج از ربقه ایمان و خلود در نیران می گردد . چنانچه در مقصد اول اشاره شد .

**دسته دوم :** راجع به پاره‌ای از اخلاق رذیله است که در مقصد سوم به آنها اشاره می شود .

**دسته سوم :** راجع به افعال جوارح است که در این مقصد متذکر می شویم و آنها نیز بسیار است :

(۱) - **دروغ** و سخت‌ترین اقسام آن دروغ بر خدا و رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام است و در آیات و اخبار از آن مذمت بسیار شده و مشمول شدیدترین عقاب قرار داده‌اند در قرآن کریم می فرماید :

« إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ؛ هَمَانَا دروغ می‌بندند کسانی که ایمان به آیات خدا ندارند »<sup>۱</sup>.

۱- سوره نحل ، آیه ۱۰۵ .



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و در کتاب جامع السعادات از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: « خدای تعالی برای بدی‌ها قفل‌ها قرار داده و کلید این قفل‌ها میخوارگی است و دروغ گفتن بدتر از میخوارگی است »<sup>۱</sup>. ولی حرمت کذب اقتضایی دارد (یعنی قابل تغییر است مقابل حرمت ذاتی مثل ظلم که قابل تغییر نیست) که بسا به واسطه مقتضیات و مصالحی جایز بلکه واجب می‌شود، لکن اقتضاء مصلحت باید عقلایی باشد و به مجرد استفاده بلکه خیال استفاده نمی‌شود اقدام به دروغ نمود.

### ۲- محاربه با اولیاء خدا

۳- فساد در روی زمین چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید: « إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ همانا جزای کسانی که محاربه با خدا و رسول می‌کنند و سعی در فساد روی زمین می‌نمایند این است که کشته شوند یا به دار کشیده شوند یا دست

---

۱- إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكُذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ. الكافي، ج ۲، ص ۳۳۹، ح ۳؛ وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۲۴۴، ح ۱۶۲۰۶؛ منهج اليقين، شرح نامه امام صادق علیه السلام به شيعيان، ص ۸۶.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

چپ و پای راستشان بریده گردد یا نفی بلد گردند این خواری اینان در زندگی دنیاست و در آخرت برای ایشان عذاب بزرگی است.<sup>۱</sup>

(۴) - کشتن نفس محترمه ، در قرآن می فرماید :

« وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ؛ کسی که مؤمنی را عمداً بکشد جزاء او دوزخ است در حالی که در آن جاودان است و غضب و لعنت خدا برای اوست و خدا عذاب بزرگ برای او مهیا نموده ». <sup>۲</sup>

(۵) - عقوق والدین که در قرآن کریم در ردیف شرک شمرده <sup>۳</sup> و از

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود :

« زنهار از عقوق پدر و مادر حذر کنید که بوی بهشت از هزار سال راه استشمام می شود و عاق والدین و قاطع رحم آن را استشمام نمی کند تا آخر حدیث ». <sup>۴</sup>

۱ - سوره مائده ، آیه ۳۳.

۲ - سوره نساء ، آیه ۹۳.

۳ - سوره اسراء ، آیه ۲۴.

۴ - «إِيَّاكُمْ وَ عَقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوْجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعُ رَحِمٍ وَ لَا شَيْخٌ زَانٍ وَ لَا جَارٌ إِزَارُهُ خِيَلَاءَ إِنَّمَا الْكِبْرِيَاءُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»  
الكافی، ج ۲، ص ۳۴۹؛ ج ۴، ص ۶۵؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶۲.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### ۶- خوردن مال یتیم :

در قرآن می فرماید :

« إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا »؛ کسانی که اموال یتیمان را از روی ستم می خورند ، همانا آتش در شکم های خود می خورند و به زودی در آتش افروخته افکنده شوند<sup>۱</sup>.

### ۷- قذف محصنه ، یعنی نسبت به زنا به زن مؤمنه یا مرد مؤمن

دادن که موجب حد می شود و حد آن هشتاد تازیانه است و در قرآن می فرماید : « إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ »؛ کسانی که زنان عقیفه مؤمنه که بی خبرند از آنچه به آنها نسبت می دهند به زنا نسبت دهند در دنیا و آخرت لعنت شوند و برای ایشان عذاب بزرگی است<sup>۲</sup>.

### ۸- قطع رحم : که موجب قطع رحمت الهی است و مراد از قطع

رحم اعراض و جدایی و بی اعتنایی و عداوت با خویشان است و به زبان عرف قهر کردن از آنهاست و در آیات و اخبار از آن مذمت بسیار شده و در ردیف عقوق والدین شمرده شده ، چنانچه گذشت .

۱ - سوره نساء ، آیه ۱۰.

۲ - سوره نور ، آیه ۲۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۹- سحر و شعبده بازی، در اخبار بر ساحر اطلاق کافر شده و در کتاب مکاسب شیخ انصاری قدس سره روایت کرده که آخر عهد او با اسلام است.<sup>۱</sup>

۱۰- زنا، و آن دارای اقسام مختلف است از قبیل زناى با محارم و زناى محصنه و غیر محصنه و زناى با کتابیه و کنیز و هر کدام حد مخصوصی دارد، مانند: قتل و رجم و تازیانه و نحو اینها، و آن از معصیت‌های بزرگ است و در قرآن می‌فرماید:

« وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا ؛ وَ نَزْدِيكَ بِهِ زَنَاءٌ مُرْتَبِعًا مِمَّا كُنْتُمْ تُزْنُونَ وَ كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَ لَمَّا سَأَلْتُمُوهُنَّ لِمَ تَصْنَعُونَ فِي ذَٰلِكَ قَالَتْ يَأْتِيَنَّاهُنَّ وَ هُمْ يَكْفُرُونَ »<sup>۲</sup>

و در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:  
« مَنْ زَنَى خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ » الحديث . (کسی که زنا کند از ایمان خارج شده است).<sup>۳</sup>

---

۱ - کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۲۵۷. و منها قوله علیه السلام: «من تعلم شيئاً من السحر قليلاً أو كثيراً فقد كفر، و كان آخر عهده برّيه [و حده أن يقتل] إلا أن يتوب.» (این حدیث شریف از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد).

۲ - سوره اسراء، آیه ۳۴.

۳ - الکافی، ج ۲، ص ۲۷۸، باب الكبائر.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۱۱) - لواط ، که عمل قوم لوط است و در آیات قرآن مذمت بسیار شدید از آن شده و در کتاب وسائل الشیعه از کافی از حضرت صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که :  
« لواط بیرون دبر است و اما در دبر آن کفر به خداست . »<sup>۱</sup> و حدش هم بسیار سخت است و آن کشتن یا از جای بلند پرت کردن یا سوزانیدن است .

(۱۲) - سرقت و دزدی ، که اگر به حد نصاب و از حرز باشد حدش قطع دست است . چنانچه صریح قرآن است :

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ»<sup>۲</sup>

و در کافی از محمد بن حکیم از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت می کند که فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

«لَا يَزْنِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ»<sup>۳</sup>

---

۱ - اللواط ما دون الذبیر و الذبیر هو الکفر. کافی، ط اسلامیه، ج ۵، ص ۵۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۳۹.

۲ - مائده/ ۳۸. «مرد دزد و زن دزد باید دستهای آنها را قطع کنید جزای عمل آنها است و این عقوبت‌یست از جانب پروردگار.»

۳ - الکافی، ج ۲، ص ۲۸۵. (زنا نمی کند زنا کننده در حالی که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد و همچنین دزدی نمی کند شخص دزد، در حالی که ایمان داشته باشد.)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱۳- قسم دروغ ، که عذاب آن سخت تر از دورغ است و از رسول

خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود :

« هر که به قسم دروغ متاع خود را بفروشد از جمله کسانی است که خداوند در روز قیامت با او سخن نگوید و نظر رحمت بر او نیفکند و عمل او را قبول نکند. »<sup>۱</sup>

۱۴- شهادت دروغ ، که علاوه بر دروغ بودن موجب تزییع حقوق

مردم یا القاء در مفسده یا تغییر احکام الهی می شود که هر یک در

حد خود کبیره است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که :

« کسی که شهادت به دروغ دهد با بت پرست مساوی است. »<sup>۲</sup>

۱۵- کتمان شهادت ، در قرآن صریحاً نهی فرموده :

« وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ ؛ کتمان شهادت

مکنید چه کسی که کتمان شهادت کند دلش گناهکار است. »<sup>۳</sup>

---

۱ - گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲ - گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۱۲. «عَدَلْتُ شَهَادَةَ الزُّورِ الشَّرْكَ بِاللَّهِ قَالَهَا ثَلَاثًا ثُمَّ قَرَأَ

فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: گواهی

دروغ همپایه شرک است؛ یعنی مساوی با بت پرستی است و این جمله را سه مرتبه

روی منبر تکرار فرمود. آنگاه آیه شریفه « فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ

الزُّورِ » (حج/۳۱) را تذکر فرمود.

۳ - سوره بقره آیه ۲۸۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱۶- خلف عهد و نذر و قسم که از گناهان کبیره و موجب کفاره<sup>۱</sup> است و در قرآن مجید می‌فرماید :

« وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ؛ به عهد وفا کنید، به درستی که عهد مورد سؤال قرار می‌گیرد. »<sup>۲</sup>

۱۷- تغییر وصیت و ترک عمل به آن ،

چنانچه در قرآن می‌فرماید :

« فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ ؛ کسی که وصیت را تبدیل کند بعد از آن که می‌شنود پس همانا گناه آن بر آن کسانی است که آن را تبدیل می‌کنند. »<sup>۳</sup>

---

۱ - عمل کردن به «عهد» مانند نذر واجب است به شرط اینکه صیغه‌ی عهد را بخواند، مثلاً بگوید: «با خدا عهد کردم که فلان کار خیر را انجام دهم» اما اگر صیغه نخواند، یا آن کار شرعاً مطلوب نباشد عهد او اعتباری ندارد. و کسی که به عهد خود عمل نکند باید کفاره بدهد و کفاره عهد مانند کفاره‌ی نذر است، یعنی سیر کردن شصت فقیر، یا دو ماه روزه‌ی پی‌درپی (یعنی سی و یک روز آن را پشت سر هم به جا آورد) یا آزاد کردن یک بنده. و هرگاه عمداً با قسم خود مخالفت کند، باید کفاره بدهد؛ یعنی ده فقیر را سیر کند، یا بر آنها لباس بپوشاند، و اگر توانایی بر اینها نداشته باشد، باید سه روز روزه بگیرد.

۲ - سوره اسراء، آیه ۳۴.

۳ - سوره بقره، آیه ۱۸۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱۸- شرب خمر و هر مست کننده‌ای که علاوه بر اینکه موجب حد است مضر به بدن و مزیل عقل نیز می‌باشد و چنانچه در ضمن دروغ متذکر شدیم کلید در هر معصیتی است و در خبری که از کافی درباره گناه زنا نقل نمودیم و بعد از آن می‌فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ \* إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ ؛ ای گروه مؤمنان ! همانا خمر و قمار و بتان منصوبه و تیره‌های اقداح همه اینها پلیدی و از عمل شیطان است پس از آن اجتناب کنید شاید رستگار شوید ، همانا شیطان اراده می‌کند که بین شما به وسیله شرب خمر و قمار ایجاد عداوت و دشمنی کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد پس آیا منتهی می‌شوید و دست از این عمل بر می‌دارید. »<sup>۱</sup>

۱۹- قمار ، که همه اقسام آن حرام است خواه با آلات مخصوصه قمار و خواه بدون آلات مخصوصه و خواه غرض برد و باخت باشد خواه نباشد و از همین قبیل است بخت آزمایی<sup>۲</sup> که امروز متداول

۱ - سوره مائده ، آیات ۹۰-۹۱.

۲ - بلیط‌های بخت آزمایی که متعارف شده است می‌فروشند به مبلغ معینی، پس از آن با قرعه کشی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون بیاید مبلغ معینی می‌دهند، خرید و فروش آنها جایز نیست و باطل است، و پولی را که در مقابل بلیط



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

است و چنانچه گذشت خداوند این گناه را در ردیف شرب خمر و بت پرستی شمرده است .

(۲۰) - ربا خواری، که به نص قرآن اعلان جنگ با خداست، چنانچه می فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ؛ ای گروه مؤمنان ! بترسید از خدای و ترک کنید آنچه از ربا باقی مانده اگر ایمان دارید، پس اگر به جای نیابورید به جنگ خدا و رسول اعلان دهید .»<sup>۱</sup>

و رسول خدا ﷺ پنج طایفه را در ربا لعن فرموده: خورنده ربا و دهنده ربا و دو شاهد و کاتب آن را<sup>۲</sup> . و از کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت

---

می گیرند، حرام است، و گیرنده ضامن است، و مبلغی را که از قرعه کشی به دست می آید، حرام است، و شخص گیرنده ضامن صاحبان واقعی آن مبلغ است. (توضیح المسائل (امام خمینی)؛ ص ۶۱۲، مسئله ۲۷۲۹)

وارد شدن بلیط بخت آزمایی در حکم قمار، از آن روست که خرید و فروش آن از نمونه های «اکل مال به باطل» است که در قرآن کریم از آن پرهیز داده شده است. (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)؛ ج ۲، ص ۲۵۲)

۱ - سوره بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹.

۲ - وسائل الشیعه، کتاب التجاره، ابواب الربوا، ب ۴، ص ۴۳۰.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

کرده که : « یک درهم از ربا از هفتاد زنا با محارم بدتر است و فرق نمی‌کند که ربا معاملی یا قرضی، مقدار آن کم یا زیاد باشد. »<sup>۱</sup>

(۲۱) - اکل سحت ، یعنی خوردن مال مسلمان بدون وجه شرعی مانند ثمن و بهای عذره و شراب و آلات لهو لعب و آلات قمار و سایر کسب‌های غیر مشروع بلکه پول زنا و لواط و غناء و مطربی و پول قمار و دزدی و غصب و ظلم و اجرت حمل محرمات و نحو اینها و قرآن مجید در ذم یهود می‌فرماید :

« سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ ؛ این یهودان شنوندگان دروغ و خورندگان مال حرامند »<sup>۲</sup>. « لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ »<sup>۳</sup>

(۲۲) - خوردن گوشت میته و خون و گوشت خوک و قربانی که کفار و مشرکین برای بتها می‌کردند .  
چنانچه در قرآن مجید می‌فرماید :

---

۱ - «دِرْهَمٌ رِبًا أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً كُلُّهَا بَدَأَتْ مَحْرَمًا» الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴؛ من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ تهذیب، ج ۷، ص ۱۴.  
۲ - سوره مائده ، آیه ۴۲.  
۳ - سوره مائده ، آیه ۴۱؛ بقره، آیه ۱۱۴. «از برای آنها در دنیا خزی و ذلت و خفت است و در آخرت عذاب عظیم است خسر الدنیا و الاخرة.»

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ همانا خدا بر شما حرام کرده است گوشت مرده و خون و گوشت خوک و گوشت آنچه بدان برای غیر خدا آواز بردارند یعنی به نام بتان قربانی کنند، پس کسی که مضطر شود در حالی که ستمکار و متجاوز نباشد پس گناهی بر او نیست.»<sup>۱</sup>

۲۳- کم فروشی، که عمل قوم شعیب و منشأ نزول بلا بر آنها بود و در قرآن مجید می‌فرماید:

« وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ؛ وای بر کم فروشان! آن کسانی که چون پیمانہ می‌کنند بر مردم برای خود تمام می‌ستانند و چون برای مردم پیمانہ یا وزن می‌کنند کم می‌دهند.»<sup>۲</sup>

و این گناه علاوه بر معصیت بودن متضمن حقوق الناس هم هست.

۲۴- تعرب بعد الهجرة، و این در صدر اسلام عبارت بود از اینکه اشخاصی هجرت می‌کردند و خدمت پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌رسیدند دو مرتبه به مراکز خود برگردند و حضرتش را رها کنند و دسترسی به احکام الهی نداشته باشند و در این اعسار کسی که به ممالک

۱ - سوره بقره آیه ۱۷۳.

۲ - سوره مطفین، آیات ۱-۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خارجہ یا شهرستان‌ها یا قصباتی<sup>۱</sup> بروند که دسترسی به احکام شرع نداشته باشند حکم تعرب بھد الھجرۃ دارند .

(۲۵) - اعانت ظلم در ظلمش ، مثل تازیانہ در دست او دادن یا وسایل ظلم او را فراھم نمودن و اسم خود را در دیوان آن‌ها ثبت نمودن و جزو اعمال آنان شدن و نحو اینها . بلکہ در اخبار مذمت شدہ کسی کہ حتی در مباحات بلکہ مستحبات حتی بنای مسجد اعانت و کمک بہ آنها نشود و در قرآن کریم می‌فرماید :

« وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ؛ بر نیکی و پرهیزگاری کمک و همکاری کنید و بر گناہ و تجاوز و ستم معاونت ننمایید . »<sup>۲</sup>

و در کتاب مکاسب شیخ انصاری از کتاب شیخ ورام بن ابی فراس روایت کردہ کہ فرمود : روز قیامت ندا می‌کند :

« أَيْنَ الظَّالِمَةُ وَ أَعْوَانُ الظَّالِمَةِ وَ أَشْبَاهُ الظَّالِمَةِ حَتَّىٰ مَنْ بَرَىٰ لَهُمْ فَلَمَّا أُوِّ لِقَ لَهُمْ دَوَاتًا فَيَجْمَعُونَ فِي تَابُوتٍ مِنْ حَدِيدٍ ثُمَّ يُرْمَىٰ بِهِمْ فِي جَهَنَّمَ »<sup>۳</sup>

و از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ :

---

۱ - قصبات جمع قصبہ : آبادی بزرگ کہ از چند دہ تشکیل شدہ باشد. (فرھنگ فارسی معین)

۲ - سورہ مائدہ ، آیہ ۲.

۳ - إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۶.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« إن أعوان الظلمة يوم القيامة في سراق من النار حتى يفرغ الله من الحساب ؛  
یاوران ستمکاران در روز قیامت در خیمه‌هایی از آتشند تا خداوند از  
حساب خلائق فارغ شود. »<sup>۱</sup>

و مثل اعانت است رکون به ظالم یعنی میل داشتن به بقاء ظلمه و  
دوستی با آنها، چنانچه در قرآن می‌فرماید :  
« وَ لَا تَرْكُونُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ ؛ اندک میلی به  
ستمکاران مکنید که آتش دوزخ به شما می‌رسد. »<sup>۲</sup>

(۲۶) - حبس حقوق بدون عذر ، یعنی حقوق ذی الحقوق را ادا  
نکردن بدون اینکه عذر شرعی داشته باشد ؛ اعم از اینکه اداء دیون  
یا حقوق دیگر مانند : نفقه واجب النفقه و نحو آن باشد .

(۲۷) - اسراف ، یعنی زیاده رودی کردن در مصارف و مخارج ، و در  
قرآن کریم می‌فرماید :  
« وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ؛ و اسراف مکنید که خداوند  
اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد. »<sup>۳</sup>  
و نیز می‌فرماید :

---

۱ - روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۶، ص ۴۹۰.

۲ - سوره هود، آیه ۱۱۳.

۳ - سوره انعام، آیه ۱۴۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ؛ وَ بِهِ دَرَسْتی کِه اسراف کنندگان ایشان یاران آتشد. »<sup>۱</sup>

(۲۸) - تَبذیر ، یعنی صرف کردن مال در غیر مصارف عقلایی ، مانند : آتش بازی و خرج سینما و تآثر و مطرب نمودن و کلیه مصارف لغو و محرمانه ، و در قرآن مجید می‌فرماید :

«وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا \* إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ؛ وَ تَبذیر مکن تَبذیر کردنی ، به درستی که تَبذیر کنندگان برادران شیاطین می‌باشند. »<sup>۲</sup>

(۲۹) - خِیانت اعم از این که در اموال مردم باشد یا در نفوس و اعراض آنها و سخت‌ترین اقسام آن خِیانت به خدا و رسول و ائمه هدی و هادین الی الله است . در قرآن کریم می‌فرماید :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ؛ ای گروه مؤمنان ! با خدا و رسول خِیانت نورزید و در اماناتتان خِیانت نکنید و حال آنکه شما می‌دانید. »<sup>۳</sup>

و از حضرت صادق علیه السلام در کتاب وسائل از کافی کلینی روایت کرده که فرمود : سه چیز است که عذر احدی در ترک آنها مسموع

---

۱ - سوره غافر، آیه ۴۳.

۲ - سوره اسراء ، آیات ۲۶ و ۲۷.

۳ - سوره انفال ، آیه ۲۷.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

نیست : اداء امانت به بر و فاجر ، و وفای به وعده از بر و فاجر ، و نیکی با والدین نیک باشند یا بد .<sup>۱</sup>

۳۰- غیبت که از گناهان بسیار بزرگ است و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : «زنها از غیبت احتراز کنید که غیبت بدتر از زنا است .»<sup>۲</sup> الحدیث .  
و در قرآن کریم می فرماید :

« وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ؛ و غیبت نکنید بعضی از شما بعضی دیگر را ، آیا دوست می دارد یکی از شما که گوشت مرده برادرش را بخورد پس از آن

---

۱ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ : « ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ . » الكافي، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۵.

۲ - «إِيَّاكُمْ وَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا». (منیه المرید، ص ۳۲۷) «حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: غیبت بدتر از زنا است.

محضر مبارکش عرض شد، یا رسول الله برای چه غیبت از زنا شدیدتر است ؟  
حضرت فرمودند: زیرا صاحب زنا توبه می کند و خداوند توبه اش را می پذیرد ولی صاحب غیبت توبه می نماید و خداوند توبه اش را نمی پذیرد تا وقتی که شخص غیبت شده او را حلال کند.» علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۲، ص ۷۷۴.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

کراهت دارید. « یعنی چنانچه از خوردن گوشت مرده برادر خود کراهت دارید از غیبت کردن او باید کراهت داشته باشید.<sup>۱</sup> و مراد از غیبت این است که چیزی در عقب سر برادر دینی خود بگویی که اگر بشنود او را خوش نیاید ، بلی در مواردی در اخبار استثناء شده و آن جایی است که یک مصلحتی داشته باشد که اقوی از مفسده‌ی غیبت باشد. مانند: تظلم چنانچه در قرآن می‌فرماید :

« لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ ؛ خدا دوست نمی‌دارد صدا بلند نمودن به بدی و زشتی از کفار را مگر کسی که به او ظلم شده باشد. »<sup>۲</sup> یا به منظور نهی از منکر باشد یا متجاهر به فسق باشد و نحو اینها که در کتب مفصله مذکور است .

و در بعضی اخبار دارد که : استماع غیبت هم مثل غیبت بلکه بدتر از آنست.<sup>۳</sup>

(۳۱) - **نمامی** ، یعنی سخن چینی که منشأ افساد بین مسلمانان می‌شود و در قرآن می‌فرماید :

---

۱ - سوره حجرات ، آیه ۱۲.

۲ - نساء ، آیه ۱۴۸.

۳ - قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «السَّمْعُ لِلْغَيْبَةِ أَحَدُ الْمُعْتَابِينَ». مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۳۳؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۶.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« وَ لَا تُطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ \* هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ ؛ و اطاعت مکن بسیار سوگند خورنده ضعیف الرأی و سست تدبیر را و بسیار غیبت کننده در عقب سر مردمان و بسیار رونده به سخن چینی در میان مردمان. »<sup>۱</sup>

و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «هیچ سخن چینی داخل بهشت نمی شود.» و در اخبار آن را ذولسانین و ذو وجهین گفته اند.<sup>۲</sup> و دارد که فردای قیامت گرفتار دو زبانه آتش می شود.

(۳۲) - سعایت ، یعنی مایه کسی را نزد سلطان جابر یا ظالمی زدن و او را گرفتار نمودن ، و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : «کسی که سعایت مردمان کند حلال زاده نیست.» و این عمل بدتر از نمایی و نمایی بدتر از غیبت و غیبت بدتر از زناست .

(۳۳) - اشاعه فحشاء ، یعنی کارهای بد مردمان را شهرت دادن و شایع و فاش نمودن ، در قرآن کریم می فرماید :

« إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ؛ به درستی که آنان که دوست می دارند که اشاعه

---

۱ - سوره قلم ، آیات ۱۰ و ۱۱ .

۲ - يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ . (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۹؛ امالی طوسی، ص ۵۳۷) و در کتاب فرهنگ ابجدی، ص ۷۵۴ آمده است: «فَلَانٌ ذُو لِسَانَيْنِ»: فریبکار و غیبت کننده و گول زن.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

فحشاء کنند در میان کسانی که ایمان آورده‌اند برای آنان عذاب دردناکی در دنیا و آخرت است.<sup>۱</sup>

(۳۴) - افتراء و تهمت ، که هم معصیت و دروغ و هم معصیت غیبت را متضمن است و در قرآن می‌فرماید :

« وَ مَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ؛ و هر که خطیئه یا گناهی را مرتکب شود، سپس بی گناهی را به آن نسبت دهد به تحقیق متحمل بهتان و گناه آشکارایی شده است. »<sup>۲</sup>

و نیز می‌فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ؛ اگر فاسقی خبری برای شما آورد ، تحقیق کنید تا اینکه مکروهی از روی جهالت به قومی نرسانید ، پس بر آنچه کرده‌اید پشیمان گردید. »<sup>۳</sup>

---

۱ - سوره نور ، آیه ۱۹ .

۲ - سوره نساء ، آیه ۱۱۲ .

۳ - سوره حجرات ، آیه ۶ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۳۵) - اشتغال بملاهی ، مانند غنا و رقص و ساز و آلات نواز و نحو اینها چنانچه در مکاسب محرمة شیخ انصاری<sup>۱</sup> در روایت اعمش اشتغال بملاهی مانند غنا و تار زدن و نحو آن را در عداد کبایر شمرده و همچنین از عیون اخبارالرضا علیه السلام همین مضمون را نقل فرموده.<sup>۲</sup>

در اموری که موجب کبیره شدن معاصی صغیره می شود :

معاصی صغیره بسا به واسطه جهاتی کبیره می شود :

(۱) - اصرار چنانچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود :  
« لَأَكْبِرَةَ مَعَ الْإِسْتِعْفَارِ وَ لَأَصْغِرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ »<sup>۳</sup> و اصرار امر عرفی است و بعضی گفته اند : مجرد عزم بر عود به معصیت محقق اصرار است اگر چه فعل از او صادر نشود .

(۲) - کوچک شمردن معصیت و اهمیت ندادن به آن ؛

(۳) - بی مبالاتی و باک نداشتن از معصیت ؛

---

۱ - و فی روایة الأعمش الواردة فی تعداد الكبائر قوله: «و الملاهی التي تصدّ عن ذکر

الله كالغناء و ضرب الأوتار». كتاب المكاسب، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲ - عیون اخبارالرضا علیه السلام، ترجمه غفاری و مستفید، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳ - گناه کبیره ای که از آن پشیمانی حاصل شود و عزم بر ترک آن داشته باشد دیگر کبیره نیست (یعنی عقاب از آن ساقط می شود) و گناه صغیره ای که بر آن اصرار شود دیگر صغیره نیست. توحید صدوق، ص ۴۰۸؛ جامع الأخبار، ص ۵۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۵۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- (۴) - مسرور و فرحناک بودن به معصیت و افتخار به آن ؛  
(۵) - اظهار و اشاعه معصیت ؛  
(۶) - صادر شدن معصیت از کسی که دیگران به او تاسی کنند ؛  
(۷) - معصیتی باشد که اثرش باقی بماند .

### میزان در کبیره بودن معصیت

- کبیره بودن معصیت به یکی از چند چیز محقق می شود :
- (۱) - در کتاب خدا وعده آتش یا وعده عذاب به کننده آن داده شده باشد .  
(۲) - در خبر معتبره وعده آتش یا عذاب به فاعل آن داده شده باشد .  
(۳) - در خبر معتبره به کبیره بودن آن تصریح شده باشد .  
(۴) - نسبت به یک معصیتی که کبیره بودن آن ثابت است تصریح شده باشد که این معصیت اعظم یا اشد یا بدتر از آنست چنانچه گفته اند : «الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ»<sup>۱</sup> یا «الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزُّنَا»<sup>۲</sup> یا «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»<sup>۳</sup> و امثال اینها .  
(۵) - در انفس اهل شرع بزرگ باشد .  
(۶) - یکی از اموری که موجب کبیره شدن معاصی صغیره مانند اصرار و اشاعه و نحو اینها در آن باشد .

---

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲ - الخصال، ج ۱، ص ۶۳.

۳ - بقره / ۱۹۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### امر دوم در توبه و شرایط آن

و این مطلب را در ذیل چند مقاله توضیح می‌دهیم .

**الف - وجوب توبه :** کسانی که آلوده به پاره‌ای از این معاصی مذکوره شده باشند عقلاً و شرعاً واجب است توبه کنند ؛ زیرا دفع ضرر چه مقطوع و چه مظنون و چه محتمل باشد عقلاً لازم است و در آیات قرآن نیز به آن امر شده می‌فرماید :

« وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ؛ به خدا بازگشت کنید ای گروه مؤمنان! تا باشد که رستگار شوید. <sup>۱</sup> »  
و نیز می‌فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً ؛ ای گروه مؤمنان ! به سوی خدا بازگشت کنید بازگشت خالص <sup>۲</sup>. »

**ب- وجوب قبول توبه بر خداوند :** قبول توبه بر خداوند لازم، این به دلیل عقل و نقل ثابت است .

اما دلیل عقل اینکه: خداوند امر به توبه نموده و هرگاه قبول نکند فعل لغوی خواهد بود و خداوند رحیم امر به کار لغو نکند و

---

۱ - سوره نور ، آیه ۳۱ .

۲ - سوره تحریم ، آیه ۸ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

همچنین وعده قبول داده و خلف وعده قبیح است و محال است از خداوند صادر شود .

و اما دلیل نقل: در قرآن مجید می فرماید :

« وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ ؛ اوست آن خدایی که از بندگان توبه می پذیرد .<sup>۱</sup> »

و نیز می فرماید :

« غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ ؛ خداوند آمرزنده گناه و قبول کننده توبه است<sup>۲</sup> »

و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : خداوند دست خود را به طرف گنه کار روز تا شام و به گنه کار شب تا صبح باز کرده است .

### ج - طریق توبه از اقسام معاصی:

معاصی یا ترک واجباتی است که قابل تدارک است مانند نماز و روزه و خمس و زکات و حج و نحو اینها .، در این صورت توبه از آنها علاوه بر پشیمانی ، تدارک آنها به قضاء مانند : نماز و روزه یا به اداء است مانند : خمس و زکات و حج و واجبات دیگری که غیر موقت باشند . یا ترک واجباتی است که قابل تدارک نباشد مانند : امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و نحو اینها که توبه اش تنها پشیمانی است به شرایطی که می آید و سایر معاصی یا تنها

---

۱ - سوره شوری ، آیه ۲۵ .

۲ - سوره غافر ، آیه ۳ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

متضمن تزییع حقوق الهی است یا متضمن حقوق الناس نیز می باشد در صورت اول نیز توبه از آنها پشیمانی است شرایطی که ذکر آنها بیاید و در صورت دوم تا حق صاحب را ندهد یا او را راضی نکند توبه او پذیرفته نشود مگر با عدم تمکن .

### حقوق الناس بر پنج قسم است :

- (۱) - حقوق مالی ؛ که توبه از آن رد کردن مال به صاحبانش یا دادن مظالم است در صورتی که صاحبانش معلوم نباشد .
- (۲) - حقوق عرضی ، مثل : غیبت ، تهمت ، فحش ، نامی ، سعایت و نحو اینها که طریق توبه از اینها استحلال [احلالیت طلبیدن] از طرف است اگر ممکن باشد و مفسده بر آن مترتب نشود و الا برای او استغفار کند .
- (۳) - حقوق جانی ، مثل: قتل، جرح، ضرب، که طریق توبه از آنها تمکین از قصاص یا دیه یا عفو صاحبان حق است و با عدم تمکن برای آنها استغفار کند .
- (۴) - حق حریم است که طریق توبه‌ی آن این است که درباره‌ی آن استغفار و احسان کند بلکه در قیامت تدارک شود .
- (۵) - حق دینی ، مثل این که نسبت کفر و ضلالت به کسی دهد و طریق توبه از آن مثل قسم دوم است .

### د- شرایط و آداب توبه :

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

توبه به سه شرط محقق می‌شود :

۱- پشیمانی از گذشته چنانچه در خبر دارد : «كَفَى بِاللَّادِمِ تَوْبَةً»<sup>۱</sup>

۲- عزم بر ترک در آینده .

۳- تدارک نمودن آنچه قابل تدارک است .

و آداب توبه نیز بسیار است :

۱- اعتراف به گناه ؛ ۲ - حال تضرع و انکسار ؛ ۳ - استغفار ؛ ۴ - طلب

توبه از خدا ؛ ۵ - طلب عفو ؛ ۶ - بودن بین خوف و رجاء ؛ ۷ - صدقه

دادن پیش از توبه ؛ ۸ - دو رکعت نماز ؛ ۹ - چشم گریان و دل

شکسته ؛ ۱۰ - مواظبت بر طاعات در قبال معاصی زیاده بر مقدار

عادت ؛ ۱۱ - رفتن در اماکن مشرفه و مساجد ؛ ۱۲ - فرصت شمردن

اوقات شریفه ؛ ۱۳ - در مجامع مؤمنین رفتن ؛ ۱۴ - استدعاء از

مؤمنین که در حق او طلب آمرزش کنند ؛ ۱۵ - توسل به خانواده

عصمت و طهارت عليه السلام و طلب شفاعت از آنها .

### ه- طریق تحصیل توبه :

شخص معصیت کار باید اموری را در نظر بگیرد و معتقد شود تا

حال توبه را پیدا کند .

---

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۴۲۶؛ خصال، ج ۱، ص ۱۶؛ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵،



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۱) - مضرات معصیت ، به اینکه بداند معصیت موجب زوال ایمان ، قساوت قلب ، سیاهی دل ، سلب توفیق ، نزول بلیات دنیوی ، منع از قبول شدن طاعات ، منع اجابت دعا ، تسلط شیاطین ، سوء عاقبت ، سختی جان دادن ، گرفتار عذاب قبر و عالم برزخ شدن ، سختی عقبات قیامت ، سبکی میزان ، سختی محاسبه ، لغزش بر صراط ، سیاهی نامه عمل ، رنجش پیغمبر و امام ، افتضاح صحرای محشر نزد مؤمنین ، منع از تشریف خدمت سید المرسلین و ائمه طاهریین علیهم السلام ، غضب رب العالمین ، کوتاهی عمر ، عادی شدن با طبع ، بر طرف شدن قبح آن از نظر به واسطه مدامت ، تأثیر در نطفه و اولاد و غیر اینها از مضرات دیگر .

(۲) - ضعف بدن و طاقت نداشتن بر عذاب الهی و کوچکترین مضرات آن .

(۳) - تذکر حال انبیاء و اولیاء که برای یک ترک اولی در خانه چه می کردند .

(۴) - تذکر خساست دنیا و لذائذ آن و اهمیت آخرت و فوائد آن .

(۵) - تذکر اینکه رسیدن اجل بغتی است و در آن هنگام مجال تدارک نیست .

(۶) - مراجعه به حال گذشتگان از اهل معاصی و عواقب وخیمه آنها و مقایسه حال آنان با حال صلحاء و نیکان .

و - مشارطه ، مراقبه ، مرابطه ، محاسبه :

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

انسان در این دار دنیا به منزله تاجریست و سرمایه تجارتش عمر است و عامل تجارت خانه‌اش نفس ، و کارگران و اجزاء تجارت خانه‌اش اعضاء و جوارح ؛ و سود این تجارت اعمال صالحه و اخلاق حمیده و عقاید حقه ، و خسران آن اعمال سیئه و اخلاق رذیله و عقائد فاسد است .

پس سزاوار است که انسان در هر روز با نفس و جوارح خود قرار داد کند به اینکه از اطاعت و عبادت غفلت نکنند و به بطالت یا معصیت عمر گرانبمایه را طی نمایند و این سرمایه گرانبها که هر دقیقه از آن بهایش بی منتهاست بیهوده از دست ندهند (و این را مشارطه خوانند) .

و پس از این قرار داد مراقب آنها باشد که بر خلاف قرارداد عمل نکنند (و این را مراقبه نامند) .

و بیدار و آگاه باشد که شیاطین انسی و جنی، داخلی و خارجی در اعضاء او متصرف نشوند و آنها را فریب ندهند که به زیان او کار کنند ( و این را مرابطه گویند) .

و هر شب به حساب کارهای آنها از خوب و بد رسیدگی کند و کم و زیاد آنها را بسنجد اگر به وظایف خود عمل کرده خدا را شکر نموده و امیدوار به رحمت او باشد و اگر از وظایف خود تخطی کرده‌اند فوراً توبه و تدارک نموده و مصمم شود که در آینده از تخطی آنها جلوگیری کند (و این را محاسبه خوانند) .

عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مقصد روم:

در تقوای باطن

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

### مقصد سوم : در تقوای باطن

و آن عبارت از پیراستن نفس از اخلاق رذیله و آراستن آن به صفات حمیده است و در این مقصد اموری را تذکر می‌دهیم :

امر اول در قوای انسان : خداوند تبارک و تعالی به مقتضای حکمت در انسان قوای متعدد قرار داده ولی آنچه از این قوی مؤثر در صلاح و فساد و نجات و هلاکت و منشأ صفات نیک و بد و شقاوت و سعادت می‌باشد چهار قوه است :

(۱) - قوه شهویه : که آن را نفس بهیمی گویند و این قوه مبدء شهوات و طلب لذائذ دنیوی از مأكولات و مشروبات و منکوحات و نحو اینها و جالب ملایمت طبع است و جهت حفظ حیات و بقاء نسل قرار داده شده .

(۲) - قوه غضبیه : که آن را نفس سبعی نامند و آن منشأ اقدام بر کارهای بزرگ و مشوق بر استیلاء و تسلط بر اقران و مبدء دفع منافرات طبع و مضار آن می‌باشد .

(۳) - قوه وهمیه : که آن را نفس شیطانی خوانند و این قوه مدرک امور جزئیة است ، چه آنکه جلب مشتتهیات نفسانی و ملایمت

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

طبع و دفع منافرات و ناملايمات آن متوقف بر درک آنها است و طریق رسیدن به آنها و راه تخلص از آنها کار قوه واهمه است . و این سه قوه از شئون نفس حیوانی است و در جمیع حیوانات به تفاوت درجات و مراتب آنها موجود است .

۴- **قوه عاقله** : که آن را نفس ناطقه و نفس ملکوتی گویند و آن مدرک امور کلیه و مبدء فکر و تمییز بین خوب و بد و درک حسن و قبح و نفع و ضرر و شر و سعادت و شقاوت و نجات و هلاکت می‌باشد و از خصائص انسان است .<sup>۱</sup>

و سعادت انسان وقتی است که قوای حیوانی او تحت اطاعت قوه عاقله قرار گیرند و به وظایف خود عمل کنند و شقاوت او وقتی است که از حد خود تجاوز کنند و از زیر فرمان عقل خارج گردیده نفس را اسیر خود و قوه عاقله را تابع خود گردانند .

امر دوم در مبدأ و منشأ اخلاق نیک و بد :

اعتدال قوای مزبور و اطاعت و انقیاد آنها در تحت فرمان عقل ، منشأ صفات نیک و تجاوز آنها از حد اعتدال و تمرد آنها از فرمان عقل منشأ صفات بد می‌شود .

و توضیح این مطلب این است که هرگاه قوه شهویه در حد اعتدال و تحت فرمان عقل قرار گیرد و به طرف افراط و تفریط نرود ملکه

---

۱ - بنابر قول مشهور، لکن به مشرب تحقیق و به مقتضای آیات و اخبار بسیار، سایر حیوانات بلکه نباتات و جمادات هم تا اندازه‌ای از این قوه بی‌بهره نیستند. [مؤلف]

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

از آن حاصل شود که آن را عفت گویند و این جنس اخلاق حمیده راجع به این قوه است .

و از افراط این قوه صفت رذیله شره (که عبارت از فرورفتن در شهوات نفسانی و لذائذ جسمانی است) پیدا شود و آن جنس اخلاق رذیله‌ی در طرف افراط قوه شهویه است .

و از تفریط آن صفت رذیله خمود حاصل شود (که عبارت از اهمال قوه شهویه و فلج نمودن آنست که به حدی که امور ضروری حیات و صحت بدن و بقاء نسل را هم ترک کند) و این جنس اخلاق رذیله در طرف تفریط قوه شهویه است و هرگاه قوه غضبیه در حد اعتدال و تحت فرمان عقل واقع شود و به طرف افراط و تفریط نرود بلکه از آن حاصل شود که آن شجاعت گویند و این جنس اخلاق حمیده راجع به این قوه است .

و از افراط آن صفت رذیله تهور (که عبارت از: اقدام به امور هولناکی است که عقل و شرع به اجتناب از آنها حکم کند) حاصل شود و این جنس اخلاق رذیله راجع به طرف افراط قوه غضبیه است .

و از تفریط آن صفت رذیله جب (که عبارت از اعمال نکردن قوه مزبوره در موقع لزوم می‌باشد) پیدا شود و این جنس اخلاق رذیله در طرف تفریط این قوه است .

و هرگاه قوه واهمه در حد اعتدال و تحت فرمان عقل قرار گیرد به این معنی که اموری را که ادراک می‌کند به صرف درک جزئی و همی اکتفاء نکند بلکه به محکمه عقل مراجعه دهد تا حقیقت و

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

مجاز و خطا و صواب آن را تشخیص دهد و ملکه ای که از آن حاصل شود همان حکمت است .

و از افراط این قوه صفت بله و از تفریط آن صفت جربزه و سفسطه حاصل شود که عبارت از به کار انداختن فکر است در اموری که درک آنها شأن او نیست .

و قوه عاقله هرگاه توجه به معقولات کلیه و قواعد علمیه کند و آنها را بر مصادیق تطبیق نماید و در صدد شناسایی حقیقت موجودات و محسنات و مقبحات آنها بر آید آن را عقل نظری گویند و صفت حمیده‌ای که از این قوه ناشی می‌شود علم است و نتیجه علم حکمت است که عبارت از علم به حقیقت اشیاء به قدر طاقت بشریت باشد .

و هرگاه توجه او به افعال صادره و تمیز بین خوب و بد آنها و مطابق نمودن آنها با دستور عقل نظری باشد آن را عقل عملی نامند و ملکه‌ای که از آن ناشی شود عدالت است<sup>۱</sup> و آن عبارت از میانه روی در صفات و اختیار نمودن حد وسط در تمام افعال و حرکات و متصف شدن به جمیع ملکات حمیده انسانی است .

### امر سوم: در معالجات اخلاق رذیله :

برای ازاله و برطرف کردن نوع اخلاق رذیله در کلمات بزرگان و دانشمندان علم اخلاق دو قسم معالجه ذکر شده ، یکی : معالجات

---

۱ - و مراد از عدالت، عدالت اخلاقیست نه عدالت شرعی و عدالت معاشرتی. [مؤلف]



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

کلی که برای ازاله همه اخلاق رذیله مؤثر است و دیگر معالجات شخصی که برای یک یک اخلاق رذیله متذکر شده‌اند و معالجات کلی عبارت از ده چیز است که به آنها اشاره می‌شود:

(۱) - اختیار رفیق و جلیس که واجد اخلاق حمیده و اعمال پسندیده باشد و اجتناب از معاشرت بدان و اشرار و فساق و فجار و صاحبان اخلاق رذیله، که بهترین راه تحصیل اخلاق نیک و بد همین معاشرت است .

(۲) - مطالعه و مراجعه به تاریخ احوال انبیاء و پیشوایان دین و دانشمندان و نیکان ، و کیفیت سلوک و رفتار آنها نسبت به خدا و بندگان خدا و دوری کردن از مطالعه تاریخ سلاطین و جباریه و فساق و فجار و دنیا پرستان و اشرار که مدخلیت کامل در اخلاق دارد .

(۳) - جدیت و همت در تحصیل ملکات حمیده و ترک کسالت و سستی ، چه آنکه مدت عمر اندک ، و موانع پیشرفت زیاد است و اگر کوتاهی و سستی شود سرمایه عمر از دست رفته و در مقابل، زیان و خسران و حرمان از سعادت اخروی بلکه گرفتاری عذاب ابدی خواهد بود .

(۴) - در همه کارها تروی و تأمل و فکر کند و پیوسته مراقب اعمال خود باشد تا اینکه اعمال ناشایسته که منافی فضیلت است از او سر نزند و هرگاه احیاناً از او عمل منافی فضیلتی صادر شود فوراً در مقام تنبیه و تأدیب نفس بر آید و تدارک کند .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۵) - تا می‌تواند علایق دنیوی را کم کند و اشتغالات زیاد که مجال را از او سلب نماید برای خود فراهم نکند تا فرصت رسیدگی به حال خود و تحصیل فضائل و کمالات پیدا کند چه اگر تمام عمر را صرف زخارف دنیوی نماید غفلت عارض او شود و از مقصود اصلی که تحصیل سعادت انسانیت است باز ماند .

(۶) - از چیزهایی که موجب هیجان قوه شهوت و غضب است چه امور دیدنی چه شنیدنی چه خیالات فاسده، خودداری کند ؛ زیرا پس از هیجان قوای مزبور، جلوگیری مشکل است .

(۷) - به عیوب نفس خود مشغول شود و فریب نفس خود را نخورد که گمان کند همه اعمال و افعال او نیک و پسندیده است و در صدد عیب جویی دیگران نباشد بلکه دیگران را آینه عیوب قرار دهد .

(۸) - دوست و رفیقی انتخاب کند که او را به معایش آگاه سازد و اگر کسی او را به معایش مطلع کند خوشش آید و استقبال کند و مدح گویی دیگران را نسبت به خود خوش ندارد .

(۹) - دفترچه‌ای تهیه کند که اخلاق حمیده و صفات رذیله در آن مندرج باشد و آن را مورد نظر قرار دهد تا هر صفت بدی را که واجد است در صدد ازاله آن برآید و هر صفت نیکی را که فاقد است در صدد تحصیل آن همت گمارد .

(۱۰) - هر شب حساب اعمال صادره از خود را رسیدگی کند تا اگر عمل بدی از او صادر شده توبه و تدارک نموده و تصمیم بگیرد

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

دیگر مرتکب نشود و اگر عمل خوبی از او صادر شده خدا را شکر کند و در صدد بهتر و زیادتر از آن باشد .

و معالجات شخصی برای اخلاق رذیله دو طریق دارد: یکی معالجه علمی که عبارت از : برخورد به مفسد و مضار فردی و اجتماعی ، دنیوی و اخروی یک یک اخلاق رذیله و منافع و فوائد ضد آنها از اخلاق حمیده از طریق مراجعه به کتب اخلاقی و حضور مجالس علماء و دانشمندان و پرسش از آنان و استماع مواعظ شافیه و رجوع به اخبار آل اطهار علیهم السلام است .

و دیگر معالجه عملی به اینکه آثار و اعمالی که مترتب بر اخلاق رذیله است ترک کند و ضد آنها را انجام دهد تا کم کم صفات حمیده جایگزین صفات رذیله گردد و از این عمل به ریاضت اخلاقی تعبیر می شود و آن راه مجاهده بلکه جهاد اکبر گویند مثلاً اگر کسی دارای صفت بخل است از آثاری که منشأ آنها این صفت است خودداری نموده و خود را موظف و مکلف و بالاخره ملزم به انفاقات مالی در موارد مختلفه نماید هر چند کمال اکراه را داشته باشد تا اینکه کم کم صفت رذیله از وی زائل و ملکه سخاوت در نفس او مرتکز شود .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

امر چهارم : در بیان اخلاق رذیله و مفاسد آنها و بیان ضد آنها از اخلاق حمیده و فوائد و منافع آنها :

چنانچه گذشت منشأ اخلاق رذیله افراط یا تفریط قوای حیوانی و خروج آنها از اطاعت عقل است و از افراط یا تفریط هر یک از قوای مزبور یا مرکب از دو یا سه تای آنها اخلاق رذیله حاصل می شود که ذیلاً متذکر می شویم :

الف : اخلاق رذیله که در طرف تفریط قوه واهمه است :

(۱) - جهل : و جهل بر دو قسم است : جهل بسیط و جهل مرکب . و جهل بسیط آنست که تنها نداند و نفس خالی از صفت علم باشد و این بدترین اخلاق رذیله است زیرا تمام شرور و بدی ها به واسطه جهل و نادانی است و علاج آن تحصیل علم و سؤال از علماء و دانشمندان است .

و جهل مرکب آنست که آدمی نداند و نفس او خالی از صفت علم باشد و خیال کند که می داند ، و این به مراتب از جهل بسیط بدتر است زیرا آدمی تا نداند که جاهل است در صدد تحصیل علم بر نیاید از این جهت علاج این صفت رذیله در غایت اشکال است و تا به جهل خود مدغن و معترف نشود علاج پذیر نخواهد بود .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و ضد این صفت رذیله، علم است که موجب شرافت انسان و امتیاز او از سایر حیوانات و وسیله رستگاری دنیا و آخرت است و آیات و اخبار در مدح این صفت بسیار است در قرآن کریم می‌فرماید:

« هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ »<sup>۱</sup>

و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

« عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛ دانشمندی که مردم از علم او بهره‌مند شوند بهتر از هفتاد هزار عابد است. »<sup>۲</sup>

۲- ریب: و آن عبارت از خلجان و خطور امر خلاف واقع در نفس، و عدم ثبات بر واقع و حق است و آن مبدء شک است و منشأ این صفت مسامحه در تحصیل حقایق و عدم مراجعه به ادله عقلیه می‌باشد، و آن از رذایل اخلاق و موجب هلاکت انسان است و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:

« لَا تَرْتَابُوا فَتَشْكُوا وَ لَا تَشْكُوا فَتَكْفُرُوا؛ ریب نداشته باشید تا اینکه شک کنید تا اینکه کافر شوید. »<sup>۳</sup>

---

۱ - سوره زمر، آیه ۹.

۲ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۳؛ تحف العقول، ۲۹۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴۷؛ کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۹.

۳ - امالی المفید، ص ۲۰۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۹۹؛ تحف العقول، ص ۱۵۰.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و شک عبارت از تساوی دو طرف حق و باطل در نفس است و وهم ، ترجیح طرف نفی و ظن ترجیح طرف ثبوت است و ضد این صفات ، یقین است که آن اعتقاد جازم و مطابق واقع است و آن بهترین صفات اهل ایمان و اشرف فضائل انسان است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : «الْيَقِينُ الْإِيمَانُ كُلُّهُ ؛ يَقِينُ هَمَّةُ إِيْمَانٍ اسْتِ»<sup>۱</sup> و از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام است که فرمود : «عمل پیوسته و اندک با یقین نزد خدای تعالی از عمل بسیار بدون یقین بهتر است»<sup>۲</sup>

۳- حیرت ، یعنی سرگردانی و اینکه نداند آدمی به چه راهی برود و این نیز از ثمرات شک است و معالجه آن به تحصیل یقین میسر گردد .

ب- اخلاق رذیله که در طرف افراط قوه واهمه است .

۴- جربزه ، و آن عبارت از : جولان دادن فکر است در اموری که از خور ادراک انسان خارج است و فکر در آنها به جایی منتهی

---

۱ - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۲۷؛ نهج الفصاحه، ص ۵۴۷؛ مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۴۰.

صبوری چو نیمی ز ایمان بود ولی گر تو را حسن ایقان بود

تمام است ایمانت ای سرفراز برویت درستکاری است باز

۲ - «إِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ»

الكافی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

نمی‌شود و موجب تولید شبهات و منجر به فساد عقیده و کفر و الحاد می‌شود و بسا در امور اعتقادی مبتلای به سفسطه شده و همه چیزها را انکار می‌کند و در عمل مبتلای به وسواس می‌گردد و منشأ جمیع این صفات وسوسه شیطان است و معالجه آن به سد ابواب شیاطین و تحصیل تقوی و ورع و اخلاص در عمل و کثرت ذکر و نحو اینهاست و ضد این صفات، غرضه دادن افکار خود بر افکار عقلاء و دانشمندان و تفکر در آثار قدرت و نظر در بدایع صنع الهی و ذکر قلبی است که موجب مزید معرفت و مورث سعادت و نجات می‌گردد در قرآن مجید می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ صاحبان خرد کسانی هستند که خدا را در حال ایستادن و نشستن و بر پهلو بودن یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان و زمین تفکر می‌نمایند»<sup>۱</sup>.

و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود:

«التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ؛ فکر کردن زندگی دل بیناست»<sup>۲</sup>.

### (۵) - شرک

و آن عبارت از این است که: غیر خدا را مؤثر بداند و شرک بر دو قسم است: شرک جلی و آن عبارت از: شریک قرار دادن برای

۱ - آل عمران / ۱۹۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۸.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خدا در ذات یا صفات یا افعال یا عبادات است و شرک خفی و آن عبارت از : اطاعت غیر خداست در آن چیزی که رضای خدا در آن نباشد نظیر عبادت نیز از اقسام شرک خفی است .

و ضد صفت شرک ، صفت حمیده توحید است که موجب سعادت دنیا و آخرت می‌گردد و آن بر پنج قسم است : توحید ذاتی و صفاتی ، و افعالی و عبادتی و نظری که به تفصیل در «کلم الطیب» متذکر شده‌ایم .<sup>۱</sup>

(۶) - وسواس : و آن عبارت از خطورات شیطانی است و منشأ آن تسلط شیطان بر قلب و رسوخ صفات شیطانی در نفس است و خداوند در قرآن مجید امر فرموده که از شر این صفت به خدا پناه ببرید : « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ \* مَلِكِ النَّاسِ \* إِلَهِ النَّاسِ \* مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ »<sup>۲</sup> و ضد این صفت ، الهام است و آن عبارت از : خطورات ملکی است و منشأ آن تسلط ملائکه بر قلب و اتصاف نفس به صفات ملکی است .

---

۱ - کلم الطیب، صفحات ۷۸ تا ۹۵.

۲ - ناس / ۱-۴.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۷- مکر و حيله<sup>۱</sup> و غدر<sup>۲</sup> و خديعت<sup>۳</sup>، و مراد استنباط بعض امور از مآخذ پنهان و دور از عقول و اذهان است برای رسانیدن ضرر یا مکروه به دیگران به طوری که نفهمند و به کار بردن این صفت را تلبیس و غش و غدر و خیانت گویند و مکر ظاهرترین صفات شیطان است و در آیات و اخبار از آن مذمت بسیار شده، [خداوند در قرآن] می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ؛ و کسانی که مکرهای بد می‌کنند، یعنی از راه حيله اذیت به دیگران می‌نمایند از برای آنها عذاب سختی است و مکر آنها از بین می‌رود.»<sup>۴</sup>

و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَكَرَ مُسْلِمًا؛ از ما نیست کسی که با مسلمانی مکر کند.»<sup>۵</sup>

و از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود:

«أَلَا وَ إِنَّ الْغَدْرَ وَ الْفُجُورَ وَ الْخِيَانَةَ فِي النَّارِ»<sup>۱</sup> و بدترین اقسام مکر، مکر با خدا و پیغمبر و اولیاء خداست و معالجه این صفت به

---

۱ - مکر و حيله هر دو به معنی قصد سوء و آهنگ بدی کردن به دیگری است از راهی که نمی‌داند.

۲ - غدر یعنی پیمان شکنی.

۳ - خدعه یعنی نیرنگ.

۴ - سوره فاطر، آیه ۱۰.

۵ - الوافی، ج ۵، ص ۹۲۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ ثواب الاعمال، ص ۲۷۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

اینست که در وخامت عاقبت آن فکر کند و متوجه باشد که این صفت از صفات شیطان و موجب مجالست و مجاورت با او در آتش خواهد بود و نیز بداند که وبال مکر در دنیا عاید به خود شخص می‌شود چنانچه خداوند می‌فرماید :

« وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ؛ و نیز بر نمی‌گردد مکر بد، مگر به اهل مکر که خود ماکر باشد. »<sup>۲</sup>  
و گفته‌اند : « مَنْ حَفَرَ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهِ ».<sup>۳</sup>

و ضد این صفت، استنباط نصیحت و خیرخواهی برای مردم و ارشاد آنان به مصالحشان می‌باشد و از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که گفت : رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود : « بزرگترین مردم از جهت منزلت نزد خدا در روز قیامت کسی است که بیشتر در زمین خدا برای خیر خواهی مخلوق او راه رفته باشد. »

---

۱ - بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۹۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۱. (به درستی که دغل‌گری و هرزگی و خیانت در آتش است.)  
۲ - سوره فاطر، آیه ۴۳.

۳ - بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۲۱؛ تحف العقول، ص ۸۸. در عرب ضرب المثل است: «هر که برای برادر خود چاهی کند که او در او افتد، خودش در آن سرنگون گردد». و همچنین از ضرب المثل عجم است: «بد مکن که بدبینی چه مکن که خود افتی» و نیز گویند: «هر که چاهی کند بهر کسی اول خودش دوم کسی.»

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

ج- اخلاق رذیله که در طرف تفریط قوه غضبیه است:

۸- جبن: و آن حذر کردن از چیزی است که نباید حذر کرد و این صفت موجب ذلت و خواری و خفت و طمع مردم در مال و عرض و ناموس و دین آدمی و عدم ثبات در امور و باعث تنبلی و سستی و کسالت و حرمان از سعادت و تمکین ظلمه و تحمل فضایح و رسوایی‌ها و استماع فحش و دشنام و زیر بار ننگ رفتن و غیر اینها می‌گردد.

و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود که: «سزاوار نیست که مؤمن بخیل یا جبان باشد.»<sup>۱</sup>

و ضد این، صفت شجاعت است و آن عبارت از اطاعت قوه غضبیه از عاقله است در امور هائله، و مضطرب و متزلزل نشدن او در اقدام به آنها و این شریفترین صفات حمیده و ملکات نفسانیه بوده و حفظ دین و دنیا از عرض و مال و غیره متوقف بر این صفت است.

۹- یأس از رحمت خدا و ایمن بودن از مکر و عذاب خدا، و این هر دو از گناهان کبیره و باعث سستی در عبادت و تکمیل نفس و موجب طغیان و سرکشی در معصیت می‌شود و ضد آن، خوف و رجاء است لکن آن خوفی که موجب ترک معصیت و ازاله رذائل شود و رجایی که باعث فعل طاعت و تحصیل کمالات گردد ولی

---

۱- «لَا يُبَغَى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ بَخِيلًا وَلَا جَبَانًا» محجه البیضاء، ج ۶، ص ۷۴.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خوفی که چنین نباشد ضعف نفس و رجایی که بدین گونه نباشد تمنی و آرزو و از صفات ذمیمه است .

۱۰- صغر نفس ، و این صفت موجب عجز و زبونی و ذلت و خواری و متزلزل و مضطرب شدن در حین واردات و شدائد و بلیات و کناره گیری از کارهای بزرگ و امور عظیمه است و ضد آن ، کبر نفس و عزت نفس است که موجب تحمل شدائد و استقامت و ثبات در مقابل ناملایمات می شود و در اخبار وارد شده که :  
« مؤمن از ذلت نفس بری است و مؤمن صاحب صلابت و مهابت و عزّت است . »<sup>۱</sup>

۱۱- پستی همت ، و این موجب سستی در تحصیل کمالات علمیه و درجات عالیه و توقف نمودن در مراتب پست و درجات نازله می - باشد و ضد آن، علوّ همت است که عبارت از: سعی نمودن در تحصیل کمالات و مراتب عالیه و درجات سامیه است که عبارت از : سعی نمودن در تحصیل کمالات و مراتب عالیه و درجات سامیه است به طوری که در هیچ مرتبه واقف نشود و همیشه در مقام ترقی و تعالی نسبت به کمالات نفسانی و فضائل انسانی باشد و همواره به بالاتر از خود نظر کند .

---

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۸. باب کراهه التعرض .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱۲- بی غیرتی و بی حمیتی ، و آن عبارت از مسامحه و اهمال کردن در حفظ اموری است که نگاهبانی آنها لازم است نظیر دین و ناموس و عرض و نحو اینها ، و ضد این ، صفت غیرت و حمیت است که موجب حفظ دین و ناموس و عرض و نحو اینها می باشد، و آن از اخلاق حمیده و ملکات پسندیده و صفت خدایی است . چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود :  
« خداوند غیور است و غیرت را دوست دارد و از غیرت اوست که اعمال ناشایسته را حرام کرده است . »<sup>۱</sup>

۱۳- عجله در کارها ، به این معنی که آدمی بدون فکر و رویه در کارها اقدام کند و این از دام های بزرگ شیطان و موجب پشیمانی و هلاکت است و ضد این صفت ، تأنی و تأمل در کارها و طمأنینه و وقار است که از صفات انبیاء است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود :  
« الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ التَّأْنِي مِنَ الرَّحْمَنِ »<sup>۲</sup>.

---

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ، وَ لَغَيْرَتِهِ حَرَمٌ الْفَوَاحِشُ: ظَاهِرُهَا وَ بَاطِنُهَا». مشكاة الانوار، ص ۲۳۶؛ الوافی، ج ۲۲، ص ۷۶۳؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۲ - الاحتجاج، طبرسی، با ترجمه و شرح، ج ۱، ص ۲۷۸.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۱۴- سوء ظن و بدگمانی نسبت به خدا و خلق ، و این صفت از رذائل اخلاقی و متضمن مفاسد بسیار و موجب ناشکری و نارضایتی از خدا و سلب اطمینان از یکدیگر است و در کلام مجید می فرماید : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ؛ گروه مسلمانان ! از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید ؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است .<sup>۱</sup>»

و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود : « باید امر برادر مؤمن خود را به بهترین محامل حمل کنی و باید به کاری که از برادر تو سر می‌زند گمان بد نبری مادامی که محمل خوبی از برای آن می‌یابی .» و ضد این صفت ، خوش گمانی نسبت به خدا و خلق است و اخبار در مدح این صفت بسیار است و فوائد زیادی از قبیل سپاسگذاری و خشنودی از خدا و الفت و وداد و مهربانی و اتحاد با برادران دینی و غیر اینها در بردارد .

### د- اخلاق رذیله که در طرف افراط قوه غضبیه است

۱۵- **تهور و بی باکی** ، و آن عبارت از: اقدام کردن در اموری است که عقلاً و شرعاً باید از آنها احتراز کرد مثل القاء در مهالک و اقدام به امور زیان آور و خطرناک، و این صفت رذائل مهلکه است و بسا موجب قتل و هلاکت انسان می‌شود و اگر کسی از راه افعال تهور آمیز موجبات

---

۱ - سوره حجرات ، آیه ۱۲.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

هلاکت خود را فراهم نمود قاتل خود محسوب می‌گردد و عذاب ابدی را برای خود مهیا نموده و خداوند در کلام مجیدش می‌فرماید :

« وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ؛ به دست خود، خود را به هلاکت نیندازید »<sup>۱</sup> و از آثار و نتایج همین صفت است خوردن و آشامیدن چیزهایی که دارای ضرر قطعی یا ظنی یا احتمالی باشد و همچنین رفتن و سفر کردن به مواضع خطر و نحو اینها که عقل و شرع تجویز نکرده باشد .

و ضد این صفت ، شجاعت است که حد وسط بین تهور و جبن می‌باشد چنانکه گذشت .

۱۶- غیظ و غضب و آن عبارت از: حرکت شدید روحی حیوانی از داخل بدن به خارج است برای غلبه و انتقام، پس اگر به اشاره عقل باشد محمود و مطلوب و منشأ غیرت و حمیت دینی است، و اگر از نفس شهوی و سبعی و شیطانی باشد ایجاد دود تیره‌ای می‌کند که جلو نور عقل را می‌گیرد و آدمی را به انحاء ظلم و اذیت و دشنام و هتک و افعال ناشایسته و جاهلانه وادار می‌کند و این صفت از مهلکات عظیمه و اخبار در ذم آن بسیار است .

از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : «الْعُضْبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ ؛ غضب ایمان را تباه می‌کند چنانکه سرکه

۱ - سوره بقره ، آیه ۱۹۵ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

عسل را «<sup>۱</sup> و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ غضب، کلید هر شر و بدی است.»<sup>۲</sup>

و ضد این صفت، حلم بردباری و کظم غیظ است و حلم عبارت از : اطمینان نفس است به طوری که به آسانی خشمگین نشود و این از صفات انبیاء و اولیاء است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که فرمود: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْعِلْمِ وَزَيِّنِي بِالْحِلْمِ؛ خدایا مرا به واسطه علم بی نیاز گردان و به صفت حلم زینت ده.»<sup>۳</sup>

و کظم غیظ عبارت از : فرو نشاندن آتش غضب است و این صفت اگر چه به مرتبه حلم نمی‌رسد؛ زیرا حلم مانع از حدوث غضب و این رافع غضب پس از هیجان آنست ولی مداومت بر آن موجب تحصیل حلم می‌شود و آیات و اخبار در مدح آن بسیار است در کلام مجید می‌فرماید:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ کسانی که در خوشی و سختی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم عفو می‌کنند، و خدا احسان کنندگان را دوست دارد.»<sup>۴</sup> و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت

۱ - ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۱۷۷؛ النوادر للراوندی، ص ۱۷.

۲ - الکافی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ تحف العقول، ص ۳۹۵؛ خصال، ج ۱، ص ۷.

۳ - مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۵۴۴؛ مصباح کفعمی، ص ۵۶۵؛ الاقبال، ج ۱، ص ۳۳.

۴ - سوره آل عمران، آیه ۱۳۴.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

شده که فرمود: «هیچ بنده‌ای جرعه‌ای نیاشامد که اجر آن بزرگتر باشد از جرعه‌ی خشمی که فرو برد.»<sup>۱</sup>

(۱۷) - عنف و درشتی در گفتار و کردار، و این صفت موجب تنفر طباع و اختلال امر معاش و معاد و سد باب معاشرت و نحو اینها می‌گردد. و ضد آن، صفت رفیق و مدارا و نرمی در گفتار و کردار است و این صفت انبیاء است و خداوند خطاب به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ به واسطه رحمت خدا تو نسبت به ایشان نرم شدی و اگر درشت گوی درستخوی بودی هر آینه از دور تو پراکنده می‌شدند.<sup>۲</sup>

(۱۸) - بدخلقی و کج خلقی، و این صفت، موجب سلب آسایش از خود و اعراض خلق می‌شود. و از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ؛ کسی که خلقش بد باشد

---

۱ - «ما تجرّع عبد جرعة أفضل عند الله من جرعة غيظ كظمها ابتغاء وجه الله.» نهج الفصاحة، ص ۶۹۷؛ زادالمسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۳۲۶، ذیل تفسیر آیه ۱۳۴ سوره آل عمران.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خودش معذب است<sup>۱</sup> و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود :  
« سوء الخلق ذنب لا یغفر ؛ بد خلقی گناهی است که آمرزیده نمی شود. »<sup>۲</sup>  
و ضد این صفت ، حُسن خلق و خوش خوئی است که باعث  
آسایش انسان و توجه مردم نسبت به اوست و از رسول خدا ﷺ  
روایت شده که فرمود : « أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا ؛ بهترین  
مؤمنان از جهت ایمان خوش خوترین آنان است. »<sup>۳</sup>

۱۹- حقد و کینه و عداوت ، و حقد عبارت از : پنهان کردن  
عداوت و دشمنی در نفس است برای انتظار فرصت ، و عداوت  
عبارت از : علانیه و آشکارا در صدد اذیت و آزار بودن است و این  
هر دو از صفات رذیله و خبائث است و منشأ بسیاری از اخلاق  
زشت مانند حسد و دروغ و غیبت و بهتان و شماتت و نحو اینها  
می گردد و در خبر دارد که مؤمن کینه توز نمی باشد و از حضرت  
صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : « هر که تخم عداوت بکارد،  
همان را که کشته می درود »<sup>۴</sup>. و ضد آن ، وداد و محبت و دوستی

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۳۲۱؛ تحف العقول، ص ۳۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸.

۲ - الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، ص ۳۸۹.

۳ - شرح أصول الکافی (صدرا)، ج ۱، ص ۴۲۰؛ مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)، ج ۱،  
ص ۳۲؛ نهج الفصاحه، ص ۲۳۳.

۴ - آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام (ترجمه وسائل)، ص ۱۷۶. (هر که  
تخم عداوت بکارد، کاشته خود را درو می کند.)

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

با خلق است به اینکه همیشه در صدد خیر خواهی و اصلاح و خدمت به دیگران ، و حتی المقدور در مقام ایصال خیرات و دفع شرور از آنان باشد .

۲۰- فحش و ایذاء ، منشأ این صفت ، گاهی حقد و عداوت و گاهی خشم و غضب است. و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود :  
« خدا بهشت را برای هر فحش دهنده بی شرمی که باک نداشته باشد از هر چه بگوید و هر چه به او بگویند حرام کرده است . »<sup>۱</sup>  
و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : « إِنْ أَبْغَضَ خَلْقَ اللَّهِ عَبْدٌ اتَّقَى النَّاسَ لِسَانَهُ ؛ دشمن ترین خلق خدا بنده ایست که مردم از زبان او پرهیزند »<sup>۲</sup>.

---

۱- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ أَلَّكَ حَرَمَ الْجَنَّةِ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدَى قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ، فَإِنَّكَ إِنْ فَتَشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِيَغِيَةِ أَوْ شَرِكِ شَيْطَانٍ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَفِي النَّاسِ شَرِكُ شَيْطَانٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَا تَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ؛ خداوند بهشت را بر هر فحاش بد زبان بی شرمی که باکی ندارد چه گوید و چه شنود، حرام کرده است؛ زیرا اگر واریسی کنی خواهی یافت که یا زنا زاده است یا شیطان در نطفه‌ی او شریک بوده است. عرض شد: ای پیامبر خدا! آیا شیطان در مردم هم شریک می‌شود؟ فرمود: آری، مگر این سخن خدای عزوجل را نخوانده‌ای که: «و در اموال و فرزندان ایشان شریک شو. (اسراء/۶۴)» (میزان الحمه، ج ۹، ص ۴۵۴۳، ح ۱۵۶۸۱؛ کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص ۹۵۶)

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۲۶۹.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و ضد این صفت ، احسان و مدح و تعریف نسبت به بندگان خداست که عقلاً و شرعاً مطلوب و متضمن فوائد و ثمرات دنیوی و اخروی است .

(۲۱) - **عُجْب و خودپسندی** ، و آن عبارت از اینست که : خود را به واسطه کمالی که در نفس خود می‌بیند بزرگ شمارد خواه آن کمال وجود داشته باشد و خواه تخیل وجود آن را کرده باشد و به فرض وجود آن ، خواه حقیقت کمال باشد یا تخیل کمال بودنش شده باشد و این از مهلکات رذائل و موجب تزییع و بی نتیجه بودن اعمال صالحه است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : « **ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ شُحٌّ مُطَاعٌ وَ هَوَى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ ؛** سه چیز هلاک کننده است، بخلی که اطاعت شود و هوای نفسی که پیروی گردد و خودپسندی .»<sup>۱</sup>

و از آثار عجب، کبر، فراموشی و کوچک شمردن گناه، کوچک شمردن دیگران ، اغترار به نفس، امن از عذاب خدا ، ترک سؤال و استفاده و مشورت ، نسیان نعمت و توفیق الهی ، منت گزاردن بر خدا برای عبادت و غیر اینها از مفساد دیگر است .

و ضد این صفت ، انکسار و استحقار و کوچک شمردن نفس است و این از صفات حمیده و ملکات پسندیده است و در خبر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

---

۱ - عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۲۱؛ عده الداعی، ص ۲۳۵؛ جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۲۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

روایت شده که فرمود: «هیچ کسی نیست جز اینکه با او دو ملک است و با لجامی او را گرفته‌اند، پس اگر نفس خود را بزرگ شمرد لجام را بر می‌دارند و گویند خدایا او را وضع و خوار کن و اگر نفس خود را پست و خوار شمرد گویند خدایا او را رفیع و بلند گردان.»

۲۲- کبر، و آن حالتی است در نفس که آدمی خود را بالاتر از دیگران بداند و تکبر عبارت از: اظهار این حالت است در خارج و این اعظم صفات رذیله و منشأ اکثر آنها از قبیل غیبت، کذب، ایداء، حقد غضب، عداوت، فحش، بغی، افساد، و نحو اینها که موجب ارتکاز افعال قبیحه و محرمه از قتل و ضرب و نهب اموال و غصب حقوق و اتلاف نفوس و غیر اینهاست و در آیات و اخبار به قدری که از این صفت مذمت شده از هیچ صفتی مذمت نشده است. در قرآن مجید می‌فرماید:

«قِيلَ ادْخُلُوا ابْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ»؛ و گفته می‌شود که داخل درهای جهنم شوید در حالتی که در آن جاودانند پس بد محلی است جایگاه متکبران.»<sup>۱</sup>

و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: «داخل بهشت نشود کسی که در دل او به اندازه دانه خردلی از کبر باشد.»<sup>۲</sup>

۱ - سوره زمر، آیه ۷۲.

۲ - «لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ كِبْرٍ»؛ وسائل الشیعه، ج

۱۶، ص ۷؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۲؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۴۳۶.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و ضد این صفت، تواضع و فروتنی است که دیگران را قلباً و اعتقاداً بر خود ترجیح دهد و اظهار شکسته نفسی و فروتنی نمایند و اخبار در مدح این صفت بسیار است. و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: «احدى برای خدا تواضع نکند، مگر اینکه خدا او را بلند گرداند<sup>۱</sup> و پرسیدند که شیرینی عبادت چیست؟ فرمود: تواضع.»<sup>۲</sup>

۲۳- افتخار و مباهات، و این نیز از نتایج کبر است و از حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: «عَجَبُ است از متکبر افتخار کننده که دیروز نطفه‌ای بود و فردا مرداری می‌شود.»<sup>۳</sup> و ضد این، تمجید دیگران و خود را ناچیز شمردن است.

۲۴- بغی، و آن عبارت از: سرکشی است که اطاعت او واجب باشد مانند خدا و پیغمبر و امام و حاکم شرع و والدین و شوهر، و این نیز از نتایج کبر است و ضد آن، تسلیم و انقیاد و زیر بار اطاعت واجب الاطاعه رفتن است.

---

۱ - «مَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ» امالی طوسی، ص ۵۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۹۷.

۲ - «زِينَةُ الشَّرِيفِ التَّوَاضُعُ». مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۹۸؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۰؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۲۰.

۳ - «عَجَبًا لِلْمُتَكَبِّرِ الْفَخُورِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَهُوَ غَدًا جِيفَةً» الكافي، ج ۲، ص ۳۲۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۲؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۲۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۲۵) - تزکیه نفس و خودستایی ، و این از نتایج عجب است و منشأ غفلت انسان از معایب خود می شود و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود : « تَزْكِيَةُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ [لِنَفْسِهِ] قَبِيحَةٌ ؛ ستایش کردن کسی خودش [را] قبیح و زشت است .<sup>۱</sup> »

(۲۶) - عصبیت ، و آن عبارت از : کوشش کردن در حمایت از خود و متعلقات خود است و این هرگاه مربوط به امر حق باشد و از حد تجاوز نکند ممدوح و همان حمیت و غیرت است و اگر مربوط به امر باطل باشد مذموم و موجب احیاء باطل و ابطال حق می شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : « هر که به قدر خردلی عصبیت در دل او باشد فردای قیامت خدا او را با اعراب جاهلیت برانگیزاند .<sup>۲</sup> »  
و ضد آن ، انصاف و استقامت بر حق است به اینکه حق را بپذیرد اگر چه علیه او باشد و باطل را رد کند ، اگر چه به نفع او باشد و آنچه را برای خود نمی پسندد ، برای دیگران نپسندد و آنچه را برای خود می پسندد ، برای دیگران هم بپسندد .

۱ - جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۶۶.

۲ - « مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ . »  
الکافی، ج ۲، ص ۳۰۸، ح ۴؛ جهاد النفس وسائل الشیعه، ترجمه صحت، ص ۲۶۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۲۷) - قساوت قلب و سخت دلی ، و آن این است که : آدمی از مصائب و وارداتی که بر دیگران روی می‌دهد متأثر نشود و خداوند در کلام مجیدش بنی اسرائیل را به این صفت مذمت فرموده :

« ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ؛ بعد از آن دل‌های شما سخت شد، پس آن دل‌های چون سنگ یا سخت تر از سنگ بود. »<sup>۱</sup>

و ضد آن، رقت قلب و رحمت است که از صفات پیغمبران و اوصیای آنان می‌باشد و اخبار در مدح آن بسیار است .

ه- اخلاق رذیله که در طرف تفریط قوه شهویه است :

۲۸) - خمود ، و آن عبارت از : تعطیل قوه شهویه و کوتاهی و مسامحه نمودن در اموری که برای حفظ حیات و بقاء نسل ضروری است از تحصیل معاش و خوراک و پوشاک و نکاح و مسکن و نحو اینها و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : « الكاذب لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله ؛ کسی که برای عیالش زحمت کشد ؛ مانند کسی است که در راه خدا جهاد کند. »<sup>۲</sup>

۱ - سوره بقره ، آیه ۷۴ .

۲ - شرح اصول کافی (صدرا)، ج ۱، ص ۴۳۳؛ اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۲۷۲ ذیل آیه ۷۳ سوره قصص؛ و ج ۳، ص ۱۲۸ .



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و اخبار در فضیلت تحصیل روزی حلال برای خود و اهل و عیال و فضیلت نکاح و ازدواج بسیار است و کسی که متصف به صفت خمود شود خود را از جمیع این فضائل و اجور محروم نموده و ثمره این قوه خدا داده را ضایع کرده و از اکثر عباداتی که از راه مال انجام می‌گیرد بازمانده و کل بر جامعه شده و باعث ذلت و زبونی خود گردیده است .

و ضد آن ، صفت عفت است و آن عبارت از : اعتدال قوه شهویه و تحت فرمان عقل بودن آنست به این که در امور مربوط به این قوه از اکل و شرب و نکاح و جماع و لباس و مسکن و نحو اینها حد اعتدال را رعایت کند و از آنچه به حسب عقل و شرع ناپسندیده است اجتناب ورزد و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود : « افضل عبادات ، عفت است »<sup>۱</sup>.

و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود : « هیچ عبادتی افضل از عفت شکم و فرج نیست »<sup>۲</sup>.

(۲۹) - تنبلی و کاهلی و سستی ، که از نتایج همان خمود است و سبب می‌شود که تن به کار و زحمت ندهد و دنبال تکدی<sup>۱</sup> و

---

۱ - «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ.» الکافی، ج ۲، ص ۷۹؛ وافی، ج ۴، ص ۳۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۰.

۲ - «مَا عَبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرَجٍ.» الکافی، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱؛ روضه المتقین، ج ۱۲، ص ۷۸؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۸.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

سئوال و کلاشی و نحو اینها برود و حیثیت و آبروی خود را ضایع و نابود کند و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: « ملعونست کسی که کل بر مردمان شود و بار خود را بر دیگران افکند. »<sup>۲</sup> و ضد این صفت، اجتهاد و سعی و کوشش در امر معاش است و اخبار در مدح آن بسیار است و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: « عبادت هفتاد جزء است و افضل آنها طلب روزی حلال است. »<sup>۳</sup>

۳۰- فقر، و آن بر اقسامی است: فقر مذموم و فقر ممدوح: فقر مذموم آنست که: انسان خود موجبات آن را فراهم کند (و این ممکن است از جهت تفریط در قوه شهویه نظیر تنبلی و کاهلی در کار یا افراط در آن باشد مانند اسراف و تبذیر و خرج های بیهوده و شهوترانی کردن و نحو اینها) و بر آن صبر ننماید و از رسول خداست که فرمود: « كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا »<sup>۴</sup> و فقر ممدوح آنست که: بر آن صبر نماید و نارضایتی و ناشکری ننماید.

---

۱ - «تَكْدَى - تَكْدِيًا [کدی]: با تکلف گدائی و درپوزگی کرد.» فرهنگ ابجدی، متن، ص ۲۵۱. تکدی یعنی گدایی کردن.

۲ - «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كُلَّهُ عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ يَمِينِهِ» لوامع صاحبقرانی، ج ۶، ص ۱۱۶؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۲؛ جامع أحادیث الشيعة، ج ۲۲، ص ۸۶.

۳ - «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.» معانی الاخبار، ج ۱، ص ۳۶۷؛ جامع الاخبار، شعیری، ص ۱۳۹.

۴ - امالی، شیخ صدوق، مجلس ۹۴، ص ۲۹۵؛ خصال، ج ۱، ص ۱۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و ضد آن ، غناست و آن نیز یا مذموم است یا ممدوح . اگر با انفاق جمع شود و از راه حلال باشد ممدوح و اگر بدون آن باشد مذموم است .

و- اخلاق رذیله که در طرف افراط قوه شهویه است :

(۳۱) - حب دنیا ، و آن منشأ همه گناهان و رذایل اخلاق است و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ<sup>۱</sup> » و مراد از حب دنیا علاقه به محبت به آن است برای رسیدن به شهوات و آمال نفسانی خواه از طرق مشروع میسر شود و خواه از طرق غیر مشروع ، ولی تحصیل دنیا برای نیل به سعادت اخروی و کمالات نفسانی از طرق مشروع عین تحصیل آخرت و محبت به این قسم از دنیا عین محبت به آخرت است .

و ضد این صفت ، زهد و بی رغبتی در دنیا است به این معنی که دنیا را برای دنیا و نیل به شهوات نفسانی نخواهد و این صفت موجب راحتی و آسایش در دنیا و آخرت و نجات از مهالک است و از حضرت صادق عليه السلام روایت شده که فرمود : « زهد کلید در آخرت و نجات از آتش است .<sup>۲</sup> »

---

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۸؛ مصباح الشریعه، ص ۱۳۸، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۱؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۵؛ ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۲۱.  
۲ - «الزُّهُدُ مِفْتَاحُ بَابِ الْآخِرَةِ وَالْبِرَاءَةُ مِنَ النَّارِ». بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۵؛ مصباح الشریعه، ص ۱۳۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۵.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۳۲) - حب مال ، که از شعب حب دنیاست و آدمی را به شغل های ناروا و تحصیل مال از طرق غیر مشروع از سرقت و خیانت و بسیاری دیگر از صفات رذیله و اعمال زشت وادار می کند .  
و ضد آن ، زهد و عدم دلبستگی به آن است چنانچه گذشت .

(۳۳) - حرص ، و آن صفتی است که آدمی را بر جمع نمودن زیاده از قدر ضرورت وادار می کند و این نیز از شعب حب دنیاست و یکی از اخلاق مهلکه است که دائماً آدمی را در زحمت می اندازد و هیچ-گاه به نهایت نمی رسد . و رسول خدا ﷺ به علی مرتضی علیه السلام می فرماید : « يَا عَلِيُّ أَنْهَكَ عَنْ ثَلَاثٍ خِصَالِ الْحَسَدِ وَالْحِرْصِ وَالْكِبْرِ ؛ تو را از سه خصلت نهی می کنم : حسد ، حرص و کبر .<sup>۱</sup> »  
و ضد آن ، صفت قناعت است که به آنچه از راه حلال تحصیل می کند اکتفاء نماید و دنبال حرام و همچنین دنبال حلال به اندازه ای که مانع از قیام به امور لازمه می شود نرود .

و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « خوشا به حال کسی که به دین اسلام هدایت شود و به قدر کفاف به او برسد و به آن قناعت نماید .<sup>۲</sup> »

---

۱ - خصال، ج ۱، ص ۱۲۶؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۷۱؛ من لا یحضر الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۰.  
۲ - «طَوْبَى لِمَنْ آمَنَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا» مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۶۶؛ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۶۶.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۳۴) - طمع ، و آن عبارت از : چشم داشت به اموال دیگران است و این نیز از شعب حب دنیا و از صفات مهلکه و موجب ذلت و پستی و خواری در انظار دیگران است . و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « زنه‌ار گرد طمع مگرد که آن فقر حاضر است .<sup>۱</sup> » و ضد آن ، استغناء و چشم پوشی از مال مردم می‌باشد که موجب عزت است و از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود : « همه<sup>۲</sup> خوبی‌ها را دیدم که در قطع طمع از مردم جمع است . »

(۳۵) - بخل ، و آن صرف نکردن مال است در جایی که بذل آن لازم باشد و این صفت نتیجه حُب مال و موجب دوری از خدا و خلق و دخول در آتش است . و در کلام مجید می‌فرماید :  
« وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛ گمان نکنند کسانی که بخل می‌ورزند به آنچه خدا از فضلش به آنان عنایت کرده، خوب

---

۱ - «إِيَّاكَ وَ الطَّمْعَ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.» وافی، ج ۴، ص ۴۱۷؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۰؛ المحاسن، برقی، ج ۱، ص ۱۶.  
۲ - «رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمْعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ ...» الكافي، ج ۲، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۷۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

است برای ایشان؛ بلکه شر است برایشان، زود باشد که آنچه را بخل کرده طوق شود و به گردن ایشان افتد در روز قیامت.<sup>۱</sup>

و چنانچه در صفت عجب گذشت رسول خدا ﷺ بخل را یکی از آن سه چیز هلاک کننده شمرده است.

و ضد این صفت، سخاوت است که از اخلاق حمیده و صفات انبیاء است و موجب سیادت و بزرگواری و سعادت و قرب به حق است.

و رسول خدا ﷺ فرمود: « که جوان سخی گناهکار نزد خدا از عابد بخیل محبوبتر است.<sup>۲</sup> »

(۳۶) - خیانت، و این از صفات مهلکه است و از نتایج این صفت است مال مردم خوردن و حبس حقوق و کم فروشی و غش و تدلیس و غیر اینها و ضد آن امانت است که در آیات و اخبار مدح بسیار از آن شده و از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود: « هیچ پیغمبری را خدا مبعوث نکرد، مگر به راستگویی و ادای امانت

---

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۸۰.

۲ - «شَابُّ سَخِيٍّ مُرْهَقٌ فِي الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الشَّيْخِ عَابِدٍ بَخِيلٍ» بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۷؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱. البته ناگفته نماند این حدیث شریف از امام صادق و امام سجاد علیهما السلام هم نقل شد است.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

نسبت به بر و فاجر. <sup>۱</sup> و از صدق حدیث و اداء امانت (به این لفظ) در اخبار بسیاری مدح شده .

(۳۷) - **فجور** ، و آن عبارت از منغمر شدن در معاصی و مرتکب شده آنهاست از قبیل زنا و لواط و طرب و استعمال آلات لهو و لعب و شرب خمر و غیر ذلک از گناهان کبیره که موجب عقوبات شدید در دنیا و آخرت است .

و ضد آن ، تقوی است چنانچه در مقصد سابق ذکر شد .

(۳۸) - **اجتناب نکردن از مال حرام** ، و این از نتایج حب مال و بزرگترین مانع وصول به سعادت و موجب مسئولیت شدید در آخرت است و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « هر که باک نداشته باشد از اینکه از هر جا مال را تحصیل کند خدا هم [نیز] باک ندارد که از هر دری او را داخل جهنم نماید . » <sup>۲</sup>

و ضد این صفت، ورع و پارسایی به معنی اخص است و اجتناب از مال حرام ، بلکه مال شبهه ناک است این صفت بزرگترین اسباب نجات می‌باشد و رسول خدا ﷺ فرمود :

---

۱ - « إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ. »

الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۸۸؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۸۸.

۲ - منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۲، ص ۳۳۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« هر که خدا را ملاقات کند در حالی که از اهل ورع باشد خدای تعالی به او تمام ثواب اسلام را عطا فرماید. » و ورع به معنی اعم عبارت از: اجتناب از جمیع معاصی است .

۳۹- - بیهوده گویی و پرحرفی و تکلم کردن به سخنان لغو که نه فایده دنیوی و نه اخروی داشته باشد و این صفت مذمومی است که باعث تزییع عمر و سرمایه تجارت انسان می شود و خداوند در وصف مؤمنین می فرماید : « وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ »<sup>۱</sup> .  
و ضد این صفت، صمت و خاموشی یا تکلم کردن به کلمات مفید و به جا و به موقع است و از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : « خوشا به حال کسی که زیادتی زبانش را نگاه دارد و زیادتی مالش را صرف کند . »

ذ- اخلاق رذیله که منشأ آنها در قوه‌ای از قوای مزبور یا هر سه قوه است:  
۴۰- حسد ، و آن عبارت از : تمنای زوال نعمت است از برادران مسلمان خود ، این صفت از مهلکات رذیله و موجب سلب آسایش آدمی و عقیده نداشتن به عدل الهی است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : « حسد ایمان را می خورد چنانچه آتش

---

۱ - سوره مؤمنون ، آیه ۴. «و کسانی که از لغو اعراض می کنند، لغو اقسامی دارد و درجاتی.»



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

هیزم را می خورد.»<sup>۱</sup> و از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت شده که فرمود: «آفت دین حسد و عجب و فخر است.»<sup>۲</sup> و ضد آن ، نصیحت و خیرخواهی بندگان خداست که از محامد اخلاق است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود : « باید هر یک از شما خیرخواه برادر دینی خود باشد چنانچه خیرخواه خود است.» و از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود : « بر مؤمن خیرخواهی برادر دینی خود در غیبت و حضور واجب است.»

(۴۱) - تحقیر و اهانت بندگان خدا ، و این از صفات ذمیمه است و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید :

« هر که به یکی از دوستان من اهانت کند ، کمر محاربه با من بسته است.»<sup>۳</sup>

و ضد این ، اکرام و اعظام و احترام به آنهاست و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود :

---

۱ - «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.» منیه المرید، ص ۳۲۵؛

بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۶۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۰۶.

۲ - «آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ.» الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ منیه المرید، ص

۳۵۲؛ منهج البراعه، آیت الله خویی، ج ۶، ص ۱۵۲.

۳ - نزهة النواظر، ترجمه معدن الجواهر، ص ۱۲۴.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« هر که در نزد برادر مؤمن خود آید و او را اکرام کند خدای تعالی را اکرام کرده است. »<sup>۱</sup>

۴۲- **ظلم و تعدی و ستم** ، و آن عبارت از: اذیت و آزار نمودن دیگران است به انحاء اذیت و آزار و این از اعظم معاصی کبیره است و خداوند در مواضع بسیاری از قرآن ظالمین را لعن فرموده و در حدیث قدسی وارد شده که : « [و] بَعِزَّتِي وَ جَلَّالِي لَا يَجُوزُنِي ظُلْمُ ظَالِمٍ؛ به عزت و جلالم قسم ! که از ظلم ظالمی نمی گذرم. »<sup>۲</sup> و ضد آن ، صفت عدالت است و آن عبارت از: مراعات حقوق صاحبان حق و اعطاء حق هر ذی حقی به اوست و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود : « هیچ ثوابی نزد خدا عظیم تر از ثواب سلطانی که به صفت عدل موصوف و مردی که شیوهی او نیکویی و معروف باشد ، نیست . »

۴۳- **ترک اعانت مسلمین و اهتمام در امور ایشان نداشتن** ، و اخبار و احادیث در ذم این صفت بسیار است و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

---

۱ - « مَنْ آتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَأَكْرَمَهُ فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. » جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۸. در این کتب لفظ مؤمن ندارد، بلکه لفظ مسلم دارد.

۲ - در کتب روایی زیر به جای «بعزتی» کلمه «و عزتی» آمده است: اعتقادات الامامیه، ج ۱، ص ۷۲؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۱۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۴۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

روایت شده که فرمود: « من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم؛ کسی که صبح کند و اهتمام به امور مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست. »<sup>۱</sup>

و ضد آن اهتمام در قضاء حوائج مسلمانان و سعی در انجام مهمات ایشان است و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: « هر که حاجت برادر خود را برآورد، مثل آنست که در همه عمر خدا را خدمت کرده. »

۴۴- تخوف و ترسانیدن برادران دینی، و این صفت بسیار بدی است و از حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: « هر کس به مؤمنی نگاهی کند که به آن نگاه، او را بترساند خدای تعالی می ترساند او را در روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست. »<sup>۲</sup>

و ضد آن، رفع خوف از مسلمانان است که از صفات بسیار ممدوح می باشد.

۴۵- تفتیش و تجسس از عیوب مردم، و این از صفات خبیثه و دلیل بر عیب داشتن صاحب آنست و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: « همین قدر برای عیب آدمی کافی است که از

۱- علل الشرایع، ترجمه مسترحمی، ص ۱۳۱؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۵۴ و ج ۳، ص ۲۷۵.

۲- آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام (ترجمه و سائل)، ص ۲۱۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خود کور و به مردم بینا باشد یا سرزنش دیگران را کند به چیزی که خود نمی‌تواند آن را ترک کند.<sup>۱</sup>

و ضد این، عیب پوشی است که از صفات خداند عالمیان است و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «هر که عیب مسلمانی را بپوشاند، خدای تعالی عیوب او را در دنیا و آخرت بپوشاند.»<sup>۲</sup>

(۴۶) - فاش کردن سر مردم، و این نوعی از خیانت است.

و ضد آن، کتمان سر است و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: «مبادا از کسانی باشید که پرده و فاش کننده اسرارند به درستی که خوبان شما کسانی هستند که چون کسی به آنان نظر کند به یاد خدا افتد و بدان شما کسانی هستند که سخن چینی نمایند و میان دوستان جدایی افکنند و در تفتیش عیوب مردم باشند.»<sup>۳</sup>

---

۱ - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه انصاری، ص ۳۲۱؛ ارشاد القلوب، ترجمه مسترحمی، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲ - «من ستر علی مسلم ستر الله علیه فی الدنیا و الآخرة.»، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۱؛ نهج الفصاحه، ص ۷۲۳.

۳ - «...وَلَا تَكُونُوا عُجُلًا مَذَابِیحَ فَإِنَّ خِیَارَكُمْ الدِّینَ إِذَا نُظِرَ إِلَیْهِمْ ذَكَرَ اللَّهُ وَ شِرَارَكُمْ الْمَسَاءُونَ بِالنَّمِیمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ الْمُتَبَعُونَ لِلْبُرَاءِ الْمَعَايِبِ.» الكافی، ج ۲، ص ۲۲۵، ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ الوافی، ج ۵، ص ۷۰۳.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

(۴۷) - شماتت کردن ، و آن عبارت از اینست که : از بلا و مصیبتی که به شخص وارد شده اظهار مسرت کند به او زخم زبان زند . و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : « هر که شماتت کنند برادر خود را به سانحه‌ای که به او روی داده از دنیا نرود مگر اینکه به آن گرفتار شود . »<sup>۱</sup>

و ضد آن ، تسلیت و دلداری و استمالت و دلجویی برادران دینی در مصائب وارده به آنهاست که از صفات حمیده است .

(۴۸) - مرء و جدال و خصومت و ستیزگی ، و آن عبارت از : لجاح ورزیدن در سخن است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود : « حقیقتِ ایمان بنده کامل نشود، مگر وقتی که مرء و جدال را ترک کند، اگر چه حق با او باشد . »<sup>۲</sup>

و ضد این صفت ، خوش کلامی و ملایمت در سخن است که از صفات پسندیده می‌باشد .

(۴۹) - سخریه و استهزاء و تقلید در آوردن که از صفات بسیار مذموم و شیوه اراذل و اوباش است و بسا منجر به کفر می‌شود و در اخبار دارد که خداوند روز قیامت آنان را استهزاء می‌نماید .

---

۱ - «مَنْ عَبَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ»، الكافي، ج ۲، ص ۳۵۶؛ مشكاه الانوار، ص ۱۰۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۷.

۲ - نزهة النواظر، ترجمه معدن الجواهر، ص ۱۳۱.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و ضد این صفت ، مدح و منقبت برادران دینی است .

(۵۰) - حب جاه و شهرت ، که تمام جنگ و جدالها نتیجه این صفت است و چه مفاسدی از قبل این صفت رذیله در عالم پیدا شده، و ضد آن ، حب بی‌عنوانی و گمنامی است که موجب ایمنی از بسیاری از خطرات است .

و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « جاه و مال در دل نفاق می‌رویاند، چنانچه آب گیاه را می‌رویاند. »<sup>۱</sup>  
و از شعب این صفت رذیله است ، حب مدح و کراهت از ذم، و ضدش اینست که ، از مدح کسی مسرور و از ذم آن متألّم و متأثر نگردد .

(۵۱) - رباء ، و آن عبارت از: طلب منزلت و اعتبار است در نزد مردم به واسطه افعال خیر و خوب و عبادات و آن از اعظم مهلکات است ، و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « روز قیامت ریاکار را به چهار نام می‌خوانند و می‌گویند ای کافر ، ای فاجر ، ای غادر ، ای

---

۱ - «حُبُّ الْجَاهِ وَالْمَالِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ» تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، ص ۴۶۴.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خاسر، عمل تو فاسد و اجر تو باطل شد و تو را امروز نصیبی نیست برو مزد خود را از آن بگیر که برای او [کار] می‌کردی.»<sup>۱</sup>

و ضد این صفت، اخلاص است که اعظم صفات مؤمنان و بندگان خداست و شیطان لعین طایفه مخلصین را از اغواء خود استثناء کرده: «قال فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ»<sup>۲</sup>

و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «عمل را برای خدا خالص کن، تا اندک آن تو را کفایت کند.»<sup>۳</sup>

(۵۲) - نفاق، و مراد از نفاق دو رویی و دو زبانی و مخالف بودن باطن با ظاهر است و اگر در دین باشد به مراتب از کفر بدتر است، و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «هر که در دنیا دو رو باشد، فردای قیامت او را دو زبان از آتش خواهد بود.»<sup>۴</sup>

---

۱ - «إِنَّ الْمُرَائِي يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ يَا كَافِرُ يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا خَاسِرُ حَبِطَ عَمَلُكَ وَ بَطَلَ أَجْرُكَ وَ لَا خَلْقَ لَكَ الْيَوْمَ فَالْتَمِسْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ.» تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۳؛ الامالی (صدوق)، ص ۵۸۲؛ معانی الاخبار، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۹۵؛ و ج ۸۱، ص ۲۲۷.

۲ - سوره ص، آیات ۸۲ و ۸۳. «بلیس گفت: پس به عزت تو قسم هر آینه اغوا می‌کنم اولاد آدم را با التمام مگر بندگان تو از آنها که از هر عیب و نقصی خالص هستند.»

۳ - «اخْلَصِ الْعَمَلَ يَجْزُكَ مِنْهُ الْقَلِيلُ»، جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۰۴.

۴ - «مَنْ كَانَ لَهُ وَجْهَانِ فِي الدُّنْيَا كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ»، جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۱۲؛ نهج الفصاحه، ص ۷۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۹؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۸.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

و ضد این صفت ، توافق ظاهر با باطن است و فوق این مرتبه بهتر بودن باطن از ظاهر مخصوصاً در امر دین می باشد .

(۵۳) - غرور ، یعنی فریب خوردن و فریفته شدن آدمی به ظواهر اعمال و افعال خود و نیک پنداشتن آنها در حالی که نیک نباشد یا فریفته شدن به غیر اینها از مال و عمر و نحو آن، و این صفت از رذائل اخلاق و موجب اکثر شرور و بدیها است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود : « مغرور در دنیا مسکین و در آخرت مغبون و زیانکار است چه بهتر را به پست تر تفویض کرده است . »<sup>۱</sup> و غرور دارای اقسامی است از قبیل : غرور به مال و صحت بدن و طول عمر و به علم و عبادت و عمل و غیر اینها .  
و ضد این صفت ، فطانت و زیرکی و برخورد کردن به معایب خود و رفع نمودن آنهاست .

(۵۴) - طول امل و درازی آرزو ، و منشأ این صفت جهل و نادانی و حب دنیا و زخارف آنست . و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود : « پسر آدم ! پیر می شود و دو خصلت در او جوان می گردد :

---

۱ - «الْمَغْرُورُ فِي الدُّنْيَا مِسْكِينٌ وَ فِي الْآخِرَةِ مَغْبُونٌ لِأَنَّهُ بَاعَ الْأَفْضَلَ بِالْأَدْنَى»، مصباح الشریعه، ص ۱۴۲؛ بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۱۹.



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

یکی حرص و دیگری طول امل<sup>۱</sup>. و نیز روایت شده که فرمود: «از بودن دو خصلت در شما می‌ترسم: حرص و طول امل<sup>۲</sup>». و ضد این صفت، قصر امل و کوتاه نمودن آرزوست که از صفات اهل ایمان و موجب آسودگی و عدم پریشانی فکر و خاطر انسان است.

(۵۵) - وقاحت و بی‌شرمی، که از صفات بسیار خبیثه و موجب مفاسد زیاد و اعمال منافی عفت و از بین رفتن وقار و طمأنینه آدمی است.

و ضد آن، صفت حیاء که از لوازم ایمان است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ»<sup>۳</sup>.

(۵۶) - حزن و اندوه، یعنی حسرت خوردن و متألم شدن به واسطه از دست رفتن زخارف دنیوی و همچنین مسرور شدن به واسطه

---

۱ - «يَهْرُمُ ابْنُ آدَمَ وَ تَشِبُّ مِنْهُ اثْنَتَانِ الْحِرْصُ وَ الْأَمَلُ»، تحف العقول، ص ۵۶؛ خصال، ج ۱، ص ۷۳.

۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «جز این نیست که بر شما از دو خصلت می‌ترسم: یکی پیروی کردن خواهش نفس، و دیگری امید دور و دراز، اما پیروی هوای نفس مانع از حق و درستی است و درازی آرزو آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد» تحفة الأولیاء، ج ۴، ص ۳۱؛ الخصال، ج ۱، ص ۹۱.

۳ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۹؛ تحف العقول، ص ۳۹۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

اقبال دنیا که هر دو از صفات ذمیمه و نتیجه محبت به دنیا و عدم اعتماد به خداست و در قرآن مجید می‌فرماید :

« لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ؛ تا اندوه نخورید بر آنچه از دست شما رفته و شاد نشوید به آنچه شما را به دست آمده .<sup>۱</sup>»

و ضد این صفت ، عدم دلبستگی به دنیا و مشغول نکردن دل به زخارف آن است .

(۵۷) - بی‌اعتمادی به خدا ، و نظر استقلالی به اسباب و وسائط داشتن ، و این صفت منافی با توحید نظری و از شعب شرک است .

و ضد آن ، توکل و اعتماد داشتن به خداست که از شئون توحید افعالی است و در بسیاری از آیات قرآن امر به آن فرمود و از صفات مؤمنین شمرده است می‌فرماید :

« وَ عَلَىٰ اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ »<sup>۲</sup>

و می‌فرماید : « وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ؛ هر که بر خدا اعتماد کند خدا او را کافی است .<sup>۳</sup>»

---

۱ - سوره حدید ، آیه ۲۳ .

۲ - سوره مائده ، آیه ۲۳ . «و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید.»

۳ - سوره طلاق ، آیه ۳ .

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۵۸- کفران نعمت ، و آن عبارت از: صرف نکردن نعمت است در آن راهی که برای آن داده شده و آن از صفات ذمیمه و موجب سلب نعمت است .

و ضد آن ، شکر نعمت است و آن عبارت از صرف کردن نعمت است در آن راهی که خدا برای آن عطا فرموده و این موجب ازدیاد نعمت می‌باشد . چنانچه می‌فرماید :

« لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ؛ اگر شکر کنید نعمت شما را زیاد کنم و اگر کفران نمایید همانا عذاب من سخت است .<sup>۱</sup>»

۵۹- جزع و بیتابی ، و آن نتیجه ضعف نفس و راضی نبودن به قضای الهی است و در حدیث قدسی است که خداوند می‌فرماید : « هر که به قضای من راضی نباشد و بر نعمت من شکر نکند و بر بلای من صبر ننماید پس پروردگاری سوای من بجوید و از زمین و آسمان من بیرون رود .<sup>۲</sup>»

و ضد آن ، صبر است که از محامد صفات انسانی است و آیات و اخبار در مدح آن بسیار است و در قرآن مجید می‌فرماید :

---

۱ - سوره ابراهیم ، آیه ۷.

۲ - «من لم یرض بقضائی و لم یصبر علی بلائی فلیعبد ربا سوائی و لیخرج من ارضی و سمائی.»، شرح اصول کافی، صدرا، ج ۱، ص ۴۲۵؛ شرح الکافی الاصول و الفروع، مولی صالح مازندرانی، ج ۱، ص ۲۸۲.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

« وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ ؛ وَ صَبْرَ كُنُودِ »<sup>۱</sup>

مژده بده، آن کسانی که هرگاه مصیبتی بر آنها وارد شود گویند ما از جانب خداییم و به سوی او بازگشت می‌کنیم، و اینان درودها و رحمت از طرف پروردگار برایشان است.»<sup>۱</sup>

و امیرالمؤمنین علیه السلام در خبر دعائم ایمان که ذکر شد صبر را رکن اول ایمان شمرده<sup>۲</sup> و در خبر دیگر می‌فرماید: « صبر نسبت به ایمان، مانند سر نسبت به بدن است، پس کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.»<sup>۳</sup>

و صبر بر سه قسم است: صبر بر عبادت، صبر بر ترک معصیت و صبر بر مصیبت. و به نص کلام مجید اجر صبر بی حساب است:

« إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ »<sup>۴</sup>

---

۱ - سوره بقره، آیات ۱۵۵-۱۵۷.

۲ - «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْبَقِيَّةِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ»، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۸۷، ح ۱۰۱۳۴؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۳ - «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ»، الکافی، ج ۲، ص ۸۷؛ الخصال، ترجمه کمرهای، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴ - سوره زمر، آیه ۱۰. «جز این نیست که خداوند ایفاء می‌فرماید صبر کننده‌گان را- اجر آنها را بدون حساب.»

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۶۰- غفلت ، و آن عبارت از : فراموش کردن خدا و مرگ و دار آخرت است که بدترین صفات و موجب محروم شدن از سعادت آخرت و غوطه ور شدن در امور مادی دنیوی است .  
و ضد آن ، ذکر است که در آیات و اخبار اعظم عبادات شمرده شده و در کلام مجید می‌فرماید : « وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ »<sup>۱</sup> و آن اینست که انسان در همه حال به یاد خدا باشد و خدا را در نظر داشته باشد ، و همچنین از اقسام غفلت است ، فراموشی از اعمال خود و محاسبه نمودن آنها .

و ضد آن ، محاسبه و مراقبه است و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود : « شیعه ما نیست کسی که هر روز محاسبه خود را کند تا اگر عمل نیک از او سر زده از خدا طلب زیادتی کند و اگر عمل بدی از او صادر شده توبه و استغفار نماید . »<sup>۲</sup>

۶۱- بی رغبتی به کمالات و سعادت اخروی، و صرف کردن عمر به بطالت و بیهودگی است ، و ضد آن ، شوق و رغبت به کمالات و سعادت اخروی و هم خود را مصروف آن نمودن است .

---

۱ - سوره عنکبوت ، آیه ۴۵ . «و هر آینه ذکر خداوند بزرگتر است.»

۲ - إرشاد القلوب، ترجمه مسترحمی، ج ۲، ص ۲۴۵.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۶۲- کراهت از خدا که موجب کفر است و ضد آن ، محبت خداست که سرچشمه فضائل انسانی و رأس تمام کمالات است و آیات و اخبار در مدح این صفت بسیار است در قرآن مجید می‌فرماید :

« وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ »<sup>۱</sup>

و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « هیچ کس از شما مؤمن نیست تا اینکه دوستی خدا در دل او بر دوستی ما سوای او غالب شود. »

۶۳- بعد و دوری و الفت نداشتن با مردم ، و ضد آن ، الفت و داد و محبت با مردم است . و از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود : « مؤمن با مردم الفت می‌گردد و مردم با او الفت می‌گیرند و خیری نیست در کسی که با مردم الفت نگیرد. »<sup>۲</sup>

۶۴- سخط و انکار و اعتراض بر خدا ، و این صفت منافی توحید و ایمان است ، و ضد آن ، رضاست که از مرتبه صبر بالاتر و از نتایج محبت به خداست و از حضرت سجاد علیهما السلام روایت شده که فرمود : « صبر و رضا رأس همه طاعاتست و هر که صبر کند و از

---

۱ - سوره بقره ، آیه ۱۶۵. «و کسانی که ایمان آوردند دوستی آنان نسبت به خدا شدیدتر است.»

۲ - بحار الأنوار- ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، ص ۳۷۲.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

خدا راضی شود در آنچه برای او مقدر کند خدا برای او مقدر نکند مگر آنچه خیر اوست.<sup>۱</sup>

۶۵- جفا و بی وفایی ، به ویژه نسبت به پیغمبر خدا ﷺ و ائمه هدی ﷺ و ضد آن ، وفاء نسبت به جمیع ذوی الحقوق و خویشان و دوستان است .

۶۶- عدم انقیاد و تسلیم ، چه نسبت به واردات تکوینی و چه نسبت به دستورات تشریحی .

و ضد آن ، تسلیم است که فوق مرتبه رضا و از صفات بارزه انسان و محقق اعلا مراتب ایمان است . و در قرآن مجید می فرماید :

« فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا » ؛ قسم به پروردگارت ایمان نمی آورند تا وقتی که تو را حکم قرار دهند در آنچه میان ایشان نزاع و تشاجر شود و سپس در نفس های خود از آنچه حکم می کنی اعتراض نمایند و تسلیم گردند تسلیم شدنی.<sup>۲</sup>

---

۱ - «الصَّبْرُ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَ مَنْ صَبَرَ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ لَمْ يَفْضِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ» .

الكافی، ج ۲، ص ۶۰، ح ۳.

۲ - سوره نساء ، آیه ۶۵.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

۶۷) - طغیان و سرکشی ، و ضد آن ، خضوع و خشوع نسبت به خداست که از صفات مؤمنان و مقربان درگاه احدیت است .

۶۸) - فسق ، و آن : بیرون رفتن از اطاعت و عبادت خداست ، و ضد آن ، اطاعت و فرمانبرداری و عبادت است که مقصود اصلی از خلقت انسان<sup>۱</sup> و ارسال رُسل و انزال کُتب و جعل احکام است .  
تنبیه : بسیاری از اخلاق مذکوره اگر چه از اعمال بدنیه است و جزو صفات باطنیه به شمار نمی آید ولی چون منشأ آنها صفات نفسانیه و ملکیات باطنیه است لذا مذکور گردید .

و این کتاب را نیز به این جا خاتمه می دهیم و امیدواریم خداوند آن را وسیله نجات بندگان خود قرار دهد و این ذره بی مقدار را از دریای رحمت خود سیراب گرداند و در دنیا و آخرت سرافراز و با موالیان خود محمد و آل محشور فرماید بحقهم و حرمتهم صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین .

اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات الاحیاء منهم و الاموات و اغفر لنا  
و لابائنا و امهاتنا و ذوی حقوقنا و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و  
باطناً و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین المعصومین علیهم  
السلام .

پایان

---

۱ - «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ سوره ذاریات ، آیه ۵۶»



## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

منابع و مأخذ

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، مترجم:

صبحی صالح، ناشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

الإحتجاج علی اهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، ناشر: نشر

مرتضی، مشهد، چاپ اول، سال ۱۴۰۳ ق.

ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسین بن محمد، ناشر: شریف

رضی، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۲ ق.

استفتاءات جدید، شیرازی، ناصر مکارم، انتشارات مدرسه امام علی

بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ه ق.

اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه حاج سید جواد

مصطفوی، ناشر: کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران، چاپ اول.

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، طیب سید عبد الحسین، انتشارات

اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

إعتقادات الإمامیة (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کنگره

شیخ مفید، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

الإقبال بالأعمال الحسنة، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دفتر

تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

امالی، طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: دار الثقافة، قم، چاپ اول،

سال ۱۴۱۴ ق.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

أمالی، مفید، محمد بن محمد، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۳ ق.

آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام (ترجمه وسائل الشیعة)، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مترجم: فارابی، محمد علی و عباسی علی کمر، یعسوب، ناشر: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.

بحار الأنوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، مترجم: موسوی همدانی، ابوالحسن، ناشر: کتابخانه مسجد ولی عصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳ ق.

تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴ ق.

تحفة الأولیاء، ترجمه أصول کافی، مترجم: اردکانی، محمد علی، ناشر: دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، ناشر: المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.

تفصیل وسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن حسن، ناشر: آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ ق.

توحید، (صدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۸ ق.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

توضیح المسائل، موسوی خمینی، سید روح الله، در یک جلد،  
اول، ۱۴۲۶ ه ق.

تهذیب الأحكام، طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: دار الکتب  
الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۷ ق.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن  
علی، مترجم: حسن زاده، صادق، ناشر: ارمغان طوبی، تهران، چاپ  
اول، ۱۳۸۲ ش.

جامع الأخبار، شعیری، تاج الدین، محمد بن محمد، انتشارات  
رضی، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۵ ق.

### جامع السعادات

جهاد النفس وسائل الشیعة، حر عاملی، محمد بن حسن، مترجم:  
صحت، علی، ناشر: انتشارات ناس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، صابری یزدی، علی رضا، انصاری  
محلاتی، محمد رضا، ناشر: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات  
اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۳۷۵ ش.

الخصال، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم کمره‌ای، محمد  
باقر، ناشر: کتابچی، مکان چاپ: تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

الخصال، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: جامعه  
مدرسیین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القدیمه)، مجلسی، محمدتقی ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶ ق.

زادالمسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ناشر: دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.  
شرح أصول الكافی (صدرا)، صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۳ ش.

شرح الكافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)، مازندرانی، محمد صالح بن احمد، ناشر: المكتبة الإسلامية، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۲ ق.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، علی بن موسی، امام هشتم عليه السلام، ناشر: کنگره جهانی امام رضا عليه السلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلی، احمد بن محمد، ناشر: دار الكتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

علل الشرائع، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: ذهنی تهرانی، محمد جواد، انتشارات مؤمنین، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

علل الشرائع، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: مسترجمی، هدایت الله، ناشر: کتاب فروشی مصطفوی، تهران، چاپ ششم، سال ۱۳۶۶ ش.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، ناشر: دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۵ ق.
- عیون أخبار الرضا عليه السلام، (صدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی ناشر: انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، چاپ اول، بی تا.
- عیون أخبار الرضا عليه السلام، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، نشر جهان، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۸ ق.
- فرهنگ ابجدی، بستانی، فؤاد افرام، مترجم: مهیار، رضا، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۵ ش.
- کلم الطیب، طیب، سید عبدالحسین، انتشارات کتابفروشی اسلام، طهران، بی تا.
- کنز الفوائد، ابو الفتح کراچکی، محمد بن علی، ناشر: دارالذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ناشر: اسلامیة، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۶۲ ش.
- کمال الدین و تمام النعمة، (صدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- گناهان کبیره، دستغیب، سید عبدالحسین، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۷ ش.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، مجلسی، محمدتقی،  
ناشر: مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، مؤسسه دائره  
المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، اول.

مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ورام ابن ابی فراس، ناشر: مکتبه  
فقیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبيه الخواطر،  
مترجم: عطایی، محمد رضا، ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان  
قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم مجلسی، محمد باقر بن  
محمد تقی، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴ ق.

مستدرک الوسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، ناشر: مؤسسه آل  
البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۸ ق.

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، طبرسی، علی بن حسن، ناشر  
حیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.

مصباح الشریعة، منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام،  
ناشر: اعلمی، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۰ ق.

مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، طوسی، محمد بن الحسن، ناشر:  
مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

- المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية)، كفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، ناشر: دارالرضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
- معانی الأخبار، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳، ق.
- مکاتیب الرسول ﷺ، احمدی میانجی، علی، ناشر: دار الحدیث، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۹ ق.
- من لا یحضره الفقیه، (صدوق) ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴ ق.
- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، ناشر: مکتبه اسلامیة، تهران، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۰ ق.
- منهج الیقین (شرح نامه امام صادق علیه السلام به شیعیان)، گلستانه، سید علاء الدین محمد، محقق و مصحح: صفی، مجتبی و صدراپی خویی، علی، ناشر: دار الحدیث، قم، چاپ اول ۱۴۲۹ ق، ۱۳۸۷ ش.
- منیة المرید، شهید ثانی، زین الدین بن علی، ناشر: مکتب الإعلام الإسلامی، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ ق.
- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، دارالحدیث، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.

## عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی

نزہة الناظر و تنبیہ الخاطر، حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، محقق و مصحح و ناشر: مدرسۀ الإمام المہدی عجلتہ اللہ تعالیٰ فرجہ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

نزہة الناظر، ترجمہ معدن الجواهر، کراچی، محمد بن علی، مترجم: قمی، عباس، ناشر: اسلامیہ، تہران، چاپ اول، بی تا.

النوادر، راوندی کاشانی، سید فضل اللہ، ناشر: دار الکتب، قم، چاپ اول.

نہج الفصاحہ مجموعہ کلمات قصار حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، پایندہ، ابوالقاسم، ناشر: دنیای دانش، تہران، چاپ چہارم، سال ۱۳۸۲ ش.

الوافی، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاہ مرتضی، ناشر: کتابخانہ

امام امیر المؤمنین علی علیہ السلام، اصفہان، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ق.

وسائل الشیعہ، حر عاملی، محمد بن حسن، ناشر: مؤسسہ آل

البت علیہ السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ ق.

ہدایۃ الأئمۃ إلی أحكام الأئمۃ علیہم السلام، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن،

بنیاد پژوهش‌های اسلامی. گروہ حدیث، ناشر: آستانہ الرضویۃ

المقدسہ، مجمع البحوث الإسلامیۃ، مشهد، چاپ اول، سال ۱۴۱۴ ق.